

۴۱۹

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۶ تا ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۸۵



«سازمان همکاری شانگهای»

ستاد رژیم‌های سرکوبگر



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۸۵ (۴۱۹)

جمعه ۱۶ تا ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۲
۷ تا ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

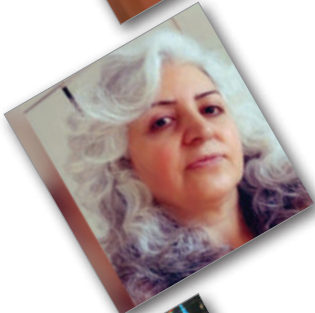
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

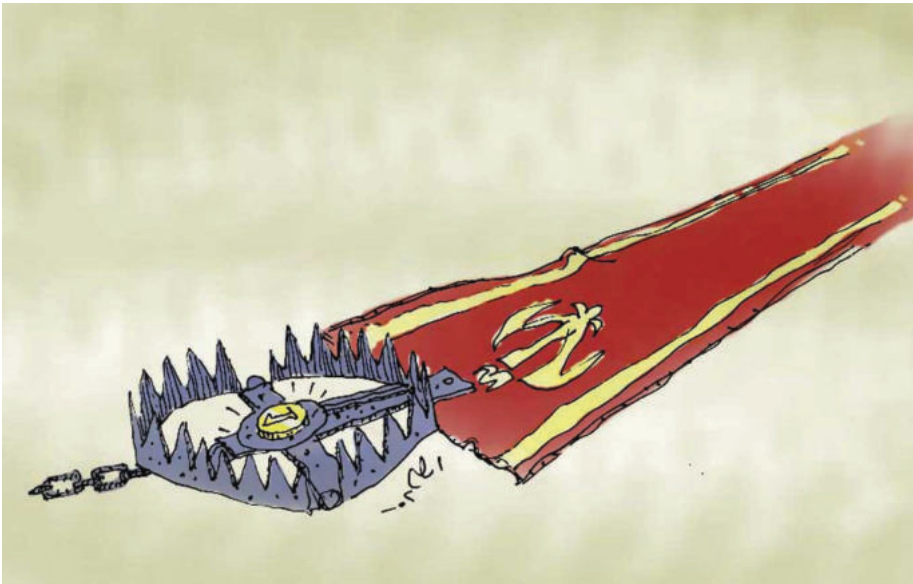
۴	سر مقاله- زمان تعیین تکلیف «قشر خاکستری» /الاهه بقراط
۴-۵	«سازمان همکاری شانگهای» ستاد رژیم‌های سرکوبگر... /حامد محمدی
۶-۷	افزایش شمار مسمومیت و مرگ ناشی از مصرف مشروبات تقلبی... /
۷	رابرت مالی و اتهام امنیتی... /
۸	اتهامات سنگین توماچ صالحی: «افساد فی الارض»، «همکاری با دول متخاصم»... /
۹	مؤسسه تحقیقاتی آلما: جمهوری اسلامی «ده‌ها زاغه موشکی» در دل کوه‌ها... /
۱۰-۱۱	سازمان مجاهدین زیر ذره‌بین دادستانی آلبانی... /احمد رافت
۱۱	درباره بزها و بز زاده‌ها... /خیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۴	آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۰) ... /دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴	تکذیب خبر «پرواز مستقیم» تهران به قاهره... /
۱۵	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: شاخص کنترل فساد نسبت به... /
۱۶-۱۷	تا انقلاب مهدی...؟!... /هما یون مجد
۱۷	سختگوی نیروی هوایی اوکراین: ارسال تسلیحات از ایران به روسیه... /
۱۸	خسرو حسن زاده نقاش سرشناس معاصر ایران درگذشت... /
۱۹	فقر و فلاکت در ایران؛ قتل به دلیل دعوا بر سر قیمت مرغ!... /
۲۰-۲۱	مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلامی (۴)... /محمود مسائلی
۲۱-۲۲	دکتر امیر حمیدی: یکی از مهمترین درآمدهای ملایان و سپاه با قاچاق تریاک... /
۲۳	سینمای ایران همزمان ویژه جشنواره بین‌المللی کار لووی واری... /احمد رافت
۲۴-۲۵	در دزدگری دبی؛ مقاله هشتم: مردم علیه مردم؟!... /یوسف مصدقی
۲۵	اکنون میست: عربستان بعد از تعطیلات «عید قربان» سفارت خود را در تهران... /
۲۶	ضرب و جرح ناهید شیرپیشه در زندان زنجان... /
۲۷	سرکوب معلمان معترض در مقابل وزارت آموزش و پرورش... /
۲۸-۲۹	مهدی هاشمی و اکبر طبری، «خودی» های مجرم و فاسد، آزادند... /
۲۹	تفاهمنامه امنیتی میان جمهوری اسلامی و روسیه... /
۳۰-۳۱	تئاتر ایرانی در لس‌آنجلس... /
۳۱	فریماه فرجامی باز یگر سرشناس سینمای ایران درگذشت... /
۳۲-۳۳	حادثه در محل کار همچنان قربانی می‌گیرد... /
۳۳	گزارش شش ماهه: ۳۵۴ نفر در نیمه نخست سال جاری میلادی اعدام شدند... /
۳۴	سوءاستفاده حکومت‌های ایران و ترکیه... /هدی رؤف (ایندیپندنت عربی)
۳۵	یکسال بعد از سفر به تهران؛ جوزپ بورل خودش و اروپا را سر کار گذاشته... /
۳۶-۳۷	توافق جمهوری اسلامی و قطر برای صادرات نیروی کار ماهر از ایران... /
۳۷	بازداشت عامل سازمان اطلاعات سپاه توسط اسرائیل... /
۳۸	مجوز ورود زنان به ورزشگاه برای تماشای فوتبال مردان صادر شد... /
۳۹	خطر انحلال تیم «تاج»؛ بانک‌ها اموال باشگاه را بجای بدهی می‌گیرند؟!... /
۴۰-۴۱	«نسل Z» به تحقق حقوق زنان از جمله هنرمندان زن... /فیروزه نور دستروم
۴۱	فاینشال تایمز: ساخت پهپادهای نظامی در تاتارستان روسیه با همکاری... /
۴۲	نخستین گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران... /
۴۳	اسکای نیوز: بریتانیا به همراه کانادا، اوکراین و سوئد به دلیل سرنگونی... /
۴۴-۴۵	بازتاب چهره‌خشن فقر در جرائم نوظهور... /
۴۵	تأیید حکم اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۹۸... /
۴۶	کاهش ۲۴ درصدی متقاضیان کنکور نسبت به سال گذشته... /
۴۷	هنگامه، خواننده «برای دیدن تو» و پشتیبانی از «زن زندگی آزادی» و... /
۴۸	پشت جلد-عکس هفته /جنگ روسیه علیه اوکراین ادامه دارد... /

بازنشر
بازنشر



«سازمان همکاری شانگهای»

ستاد رژیم‌های سرکوبگر



● بسیاری از ناظران با توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و «بلوک شرق» و تحولات دهه‌ی نود میلادی معتقدند که مقابله با «انقلاب‌های مخملی» و همچنین جلوگیری از نفوذ و گسترش «ناتو» از اهداف اولیه و اصلی «سازمان همکاری شانگهای» بوده است.

ظرفیت‌های واقعی این سازمان تناقض‌های بزرگ وجود دارد. در واقع سقف اهداف رؤیایی جمهوری اسلامی در مورد رسیدن به منافع اقتصادی و نظامی از پیوستن به سازمان شانگهای بسیار بلندتر از ظرفیت‌ها و امکاناتی است که حتا اعضای قدرتمند آن حاضر باشند با رژیم مستهلک ایران به اشتراک بگذارند چه برسد به امثال ازبکستان و قرقیزستان و پاکستان!

اعضای قدرتمند شانگهای ایران را می‌دوشند

در زمینه اقتصادی سه قدرت اصلی این سازمان یعنی چین، روسیه و هندوستان سیاست‌های منفعت‌طلبانه مطلق در قبال ایران دارند. هر سه کشور در شرایط تحریم، نفت ایران را ارزان‌تر از نرخ منطقه‌ای آن می‌خرند و در عوض کالاهای خود را در ازای نفت صادر می‌کنند.

در این میان، نفع کشورهای عضو این سازمان از تحریم‌های غرب نیز علیه اعضای دیگر است. روزنامه «دنیای اقتصاد» سوم تیرماه در گزارشی با عنوان «نفع چندسُر بُرد هند از تحریم ایران و روسیه» گزارش داد «بانک هندی یو.سی.او که خرید نفت خام ایران را مدیریت می‌کند و میلیاردها دلار پرداخت‌های مسدود شده ایران را مدیریت می‌کند، اکنون به عنوان یک بانک کلیدی، تجارت با روسیه تحریم‌شده را با کمک رویه تسهیل می‌کند. این بانک تجاری سال قبل با بهبود درآمد بهره و گسترش تجارت جهانی، سود بی‌سابقه‌ای را کسب کرد.» جمهوری خلق چین حتا حاضر نیست بدهی واردات سنگ آهن از ایران را پرداخت کند و اعلام کرده باید بجای آن جنس بپرید! علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر جمهوری اسلامی که از تئوریسین‌های «نگاه به شرق» است، تیرماه سال ۱۳۹۷ پس از بازگشت از مسکو از قول ولادیمیر پوتین گفته بود شرکت‌های روسی برای سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران تا مبلغ ۵۰ میلیارد دلار آمادگی دارند اما سخنگوی کرملین این ادعا را رد کرد و وزیر انرژی روسیه نیز گفت خرید نفت ایران صرفاً در برابر کالای روسی امکان‌پذیر است.

جمهوری اسلامی پس از سال‌ها تلاش سرانجام روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ (۴ ژوئیه ۲۰۲۳) به عضویت رسمی «سازمان همکاری شانگهای» درآمد. نخستین خیز جمهوری اسلامی برای عضویت در این سازمان در شهریور ۱۳۸۷ بود که محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت نهم در نشست سران این سازمان شرکت کرد و سال بعد نیز پس از رویدادهای ۱۳۸۸ و ریاست وی بر دولت دهم باز هم در نشست سران شانگهای حضور یافت. این سازمان که نخست با همکاری چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان با عنوان «شانگهای ۵» در سال ۱۹۹۶ شکل گرفت، در سال‌های بعد با عضویت ازبکستان و هند و پاکستان، به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر نام داد. همکاری‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی و تکنولوژیک بین کشورهای عضو و همچنین حمایت از صلح و امنیت بین اعضا و دیگر کشورهای منطقه از اهداف این سازمان که مقر آن در پکن است اعلام شده اما بسیاری از ناظران با توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و «بلوک شرق» و تحولات دهه‌ی نود میلادی معتقدند که مقابله با «انقلاب‌های مخملی» و همچنین جلوگیری از نفوذ و گسترش «ناتو» از اهداف اولیه و اصلی آن بوده است.

برخی تحلیلگران معتقدند عضویت جمهوری اسلامی در این سازمان بدون چراغ سبز ولادیمیر پوتین ممکن نبوده است. احسان صالحی دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت مدعی شد «اگر ابراهیم رئیسی، نبود ایران را عضو پیمان شانگهای نمی‌کردند.» ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در اجلاس مجازی شانگهای در سخنانی گفت «مزایای عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای در تاریخ ماندگار خواهد شد.» از جمله «مزایا»یی که وی به آن اشاره کرد «همگرایی اقتصادی»، پایان بخشیدن به «سلطه دلار» و «مزیت امنیتی» است. اما آنطور که از اظهارات مقامات جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد، بین اهداف آنها از پیوستن به سازمان شانگهای و

سرمقاله

زمان تعیین تکلیف «قشر خاکستری»

آینده نمی‌تواند جز حاصل پیامدها و دستاوردهای حال و گذشته باشد. ایرانیان، گذشته از آنچه به عنوان میراث و فرهنگ ملی به عنوان زیربنای تاریخی مطرح می‌شود، در تاریخ معاصر به مبانی مدرنی دست یافته‌اند که گسست جمهوری اسلامی موفق نشد آنها را از میان بردارد.

بعلاوه، با گذشت زمان بیشتر اثبات شد که حکومت اسلامی نه تنها با تاریخ ایران و اساسا با روح بشر ناهمساز است بلکه سرانجام به انتها خواهد رسید و امروز ایران بیش از همیشه



به این رویداد فرخنده نزدیک است. شکل گرفتن انقلاب ملی بر بستر آگاهی و اعتراض در طول بیش از چهار دهه، چشم‌اندازی روشن در برابر نسل‌هایی گشوده است که جان بر کف به خیابان آمده و باز هم خواهند آمد.

در این میان، نقش اپوزیسیون مدافع آزادی و امنیت و رفاه که این سه را جز در چارچوب ساختار رایج دموکراسی‌ها و تطبیق آن بر شرایط بومی ایران و منطقه نمی‌تواند تحقق بخشد، اهمیت ویژه دارد. اپوزیسیونی که از یکسو در تشکل و سازمانیابی خود می‌تواند نقطه‌ی اتکای این انقلاب شود و از سوی دیگر در رسانه‌های ملی و مدافع دموکراسی که خارج از چارچوب سیاست دولت‌های ذینفع، از جمهوری اسلامی گرفته تا قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، فعالیت می‌کنند می‌تواند آگاهی و اطلاع‌رسانی را نیز در کنار سازمانیابی تقویت کند. تحرکات شاهزاده رضا پهلوی چه در تور اروپا و بریتانیا و چه در سفر به اسرائیل هم از نظر سیاسی و هم از نظر گشودن چشم‌اندازی برای همکاری‌های جهانی و منطقه‌ای و نقطه‌ی پایان گذاشتن بر بیش از چهار دهه خصومت ایدئولوژیک و خرابکارانه و تنش‌آفرین از سوی حکومتی که هرگز نماینده ایران و ایرانیان نبوده، از جایگاه خاص برخوردار است.

گذشته از سفره‌ای که برای خواص وابسته به رژیم در ایران پهن بوده و میدان غارتی که برای برخی کشورها به ویژه چین و روسیه و شماری شرکت‌های خارجی اروپایی و آمریکایی از طریق قاچاق و اقدامات غیرقانونی در زیر پا گذاشتن تحریم‌های بین‌المللی گشوده شده بود، نه تنها ایرانیان بلکه جهان نیز از این رژیم خسته شده است. برای اطمینان دادن به هم کشورهای غربی و هم کشورهای منطقه که ایران بدون جمهوری اسلامی مانند پس از انقلاب مشروطه نه تنها به دنبال صدور انقلاب خود و اختلال در مناسبات بین‌المللی نخواهد بود بلکه به یکی از اعضای مؤثر جامعه جهانی تبدیل خواهد شد، جلب حمایت کارآفرینان جهانی و صاحبان و مدیران صنایع و تکنولوژی و همچنین محافلی که سرمایه‌های بزرگ از طریق آنها به چرخش در می‌آیند، بسیار مهم است. از همین رو دیدار شاهزاده با شخصیت‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی تکمیل‌کننده تلاش‌های سیاسی است.

به نظر می‌رسد آن بخش از جامعه که «قشر خاکستری» می‌نامند، با چنین چشم‌انداز اطمینان‌بخشی می‌تواند به انقلاب ملی جلب شود تا پیش از آنکه تباهی سیاه جمهوری اسلامی آنها را نیز بلعد، از خاکستری به در آمده و به اعتراضات آزادیخواهانه‌ی جامعه‌ی رنگین و متنوع ایران پیوندند.

به جمهوری اسلامی کمک کنند به احتمال قوی در بُعد نظامی هم کمکی به آن نمی‌کنند. چنانکه در جریان حمله روسیه به اوکراین نیز دولت چین ترجیح داد بی‌طرف بماند. حتا گزارش‌هایی در مورد ارسال کمک‌های پنهانی از سوی پکن به روسیه منتشر شد که چین کمونیست آنها را قویاً رد کرد. از سوی دیگر، واقعیت این است که بزرگترین شریک تجاری چین در جهان، آمریکا و اروپا هستند. به باور ناظران، تنش‌های چین و غرب از جمله در تایوان نیز کاملاً کنترل شده است و طرفین تا حد ممکن مرتکب اقداماتی نخواهند شد که تجارت میان آنها را مختل کند.

اینهمه درحالیست که آنچه رژیم ایران را برای عضویت در «سازمان همکاری شانگهای» ترغیب می‌کرده، دریافت کمک‌های امنیتی برای سرکوب داخلی و دسترسی به تجهیزات ارتباطی و جاسوسی علیه معترضان بوده است.

احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که کمتر از یک هفته پس از شورش مسلحانه «مزدوران واگن» به مسکو سفر کرد، در دیدار با نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت ملی روسیه با تأکید بر ضرورت توسعه و تقویت همکاری‌های دوجانبه در قالب سازمان شانگهای تفاهمنامه‌هایی در زمینه توسعه و گسترش همکاری‌های امنیتی و انتظامی، از جمله تبادل تجربیات مقابله با عوامل ناامن کننده و «عوامل بی‌ثبات‌کننده» و «حفاظت از تأسیسات دولتی» امضاء کرد.

روزنامه «نزاوسمایا» چاپ مسکو پنجشنبه هشتم تیرماه در گزارشی با اشاره به سفر احمدرضا رادان به مسکو می‌نویسد «همکاری‌های امنیتی بین روسیه و ایران از زمان اعتراضات پاییز گذشته علیه قوانین سختگیرانه ایران برای پوشش زنان، که به یک جنبش تمام‌عیار ضدحکومت تبدیل شد، بارها توجه غرب را به خود جلب کرده است. بر اساس تجربه زیاد روسیه در سرکوب اعتراضات، دولت بایدن مشکوک بود که روس‌ها تجربه خود را در نحوه رسیدگی به اعتراضات خیابانی با تهران در میان گذاشته‌اند.»

نیکیتا اسمایگین کارشناس شورای امور بین‌الملل روسیه معتقد است سفر رئیس پلیس جمهوری اسلامی ایران به مسکو ادامه همکاری‌های دوجانبه امنیتی است که می‌تواند شامل ارسال تجهیزات ویژه برای سرکوب و سیستم‌های نظارتی تصویری باشد. وی توضیح می‌دهد که بعید است سفر رادان مربوط به کمک‌رسانی ایران در شورش‌های احتمالی در روسیه باشد «زیرا مستلزم همکاری تخصصی یا مبادلات فنی بالقوه است که شک دارم ایران بتواند در اینجا کمک کند زیرا تجهیزات فنی ایران بسیار ضعیف‌تر از آژانس‌های امنیتی روسیه است اما پشت این سفر ممکن است این باشد که مقامات روسیه بتوانند به نحوی به جمهوری اسلامی در این زمینه کمک کنند.» اوایل فروردین‌ماه سال جاری یک منبع مطلع در ارتش به کیهان لندن گفته بود روسیه و چین تجهیزات جاسوسی و «جیمینگ» به ایران تحویل داده‌اند. روزنامه «والاستریٹ ژورنال» نیز با اشاره به خیزش ضدحکومتی در ایران گزارش داد پس از آغاز جنگ علیه اوکراین، دولت پوتین دستگاه‌های شنود، دروغ‌سنج و عکاسی پیشرفته در اختیار حکومت ایران قرار داده است. در این میان، در رتبه‌بندی «شاخص ادراک از فساد»، کشورهای عضو «سازمان همکاری شانگهای» در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارند. بالاترین آمار اعدام‌ها، بیشترین تعداد زندانیان سیاسی و حذف فیزیکی مخالفان و بیشترین موارد سرکوب و قتل‌های گروهی مدال‌هایی است که بر سینه چین و روسیه به عنوان دو قدرت جهانی پایه‌گذار این سازمان می‌درخشد و رژیم ایران از قرارگرفتن در کنار آنها سرمست است! «سازمان همکاری شانگهای» ستاد مرکزی رژیم‌های سرکوبگر است.

حامد محمدی

با وجود اینکه دولت کی‌یف عضو ناتو نیست اما به عنوان کشور دوست کمک‌های تسلیحاتی و مالی دریافت می‌کند. در حالی که «سازمان همکاری شانگهای» یک پیمان امنیتی-اقتصادی-سیاسی است و کارکرد «ناتو» را به عنوان یک معاهده چندجانبه نظامی ندارد.

نقش تخیلی «هرکول» برای چین در محاسبات آزرمانی



شوکت میرضیایف رییس جمهور ازبکستان و ابراهیم رئیسی / امضای متن تعهدات «سازمان همکاری شانگهای» توسط جمهوری اسلامی به عنوان پیش‌درآمد عضویت در این سازمان / اجلاس تاشکند / ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲

سرداران سپاه

در بالاترین رده‌های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی به این برآورد رسیده‌اند که در دنیا نظم جدیدی در حال شکل گرفتن است که طی آن سلطه آمریکا و غرب نابود می‌شود و در آن جمهوری خلق چین حرف اول و آخر را می‌زند و به این ترتیب جمهوری اسلامی نیز، البته معلوم نیست به چه دلیل، «پیروز نهایی» است! به نظر می‌رسد در تصویری که آنها از دگرگونی‌های جهان دارند، چین کمونیست همان «هرکول» است که استکبار را به زانو درآورده و در معیت آن، جمهوری اسلامی و «جریان مقاومت» بر ریل پیروزی پیش می‌رانند! در همین ارتباط اسماعیل قالیی فرمانده «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز ۱۴ تیرماه در یک سخنرانی می‌گوید: «امروز بحث جدی درباره انتقال قدرت از غرب به آسیا مطرح، عملیاتی و در حال رخ دادن است. اینکه چینی‌ها یک مرتبه وارد حوزه‌هایی می‌شوند که هیچوقت به آن وارد نمی‌شدند و متعلق به آمریکایی‌ها بود. علت چنین انتقال قدرتی شکست‌های پی در پی آمریکا در حوزه‌های مختلف است.» وی حتا معتقد است اگر انقلاب اسلامی نبود چنین اتفاقی نمی‌افتاد!

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران نیز پیشتر در اواخر خردادماه طی یک سخنرانی در دانشگاه تهران با اشاره به «قدرت جمهوری اسلامی در منطقه علیه اسرائیل» گفته بود: «حضور چین و تغییر موضع آن از یک موضع اقتصادی به موضع ژئوپلیتیک خلاف اراده غرب است.»

محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در دانشگاه «دفاع ملی» از همه آنها فراتر رفته و ادعا می‌کند: «قدرت‌گیری چین و سر بر آوردن روسیه بیانگر جهانی است که بشارت داده می‌شود که در آن روز به روز فرایند قدرت‌گیری جهان اسلام و ایران اسلامی و تضعیف جبهه استکبار را شاهد هستیم!»

با وجود این صحبت‌ها اما تحلیل‌گران براساس تجربه دو دهه گذشته مطرح می‌کنند که وقتی کشورهای عضو پیمان شانگهای نتوانند یا نخواهند در تنگناهای اقتصادی و سیاسی

معاون بین‌الملل بانک مرکزی جمهوری اسلامی اوایل اردیبهشت سال ۱۴۰۲ با افتخار از شکست تحریم‌های غرب گفت و خبر از افتتاح شعبه بانک VTB روسیه در ایران را داد اما چند روز بعد این ادعا نیز رسماً تکذیب شد.

برای کشورهای قدرتمند عضو سازمان شانگهای پیوستن جمهوری اسلامی منزوی و بحران‌زده که در باتلاق تحریم‌ها

دست و پا می‌زند و در فهرست سیاه FATF قرار دارد، فرصت کم‌نظیر به شمار می‌رود تا با «تهارت» و مبادله کالا، از سیاست نفت در برابر غذا، بیشترین سود را ببرند. اتومبیل‌های بی‌کیفیت چینی چند برابر قیمت در بازار ایران به فروش می‌رسند و هند بجای پول نفت برنج بی‌کیفیت به ایران می‌فرستد. به این ترتیب عضویت جمهوری اسلامی ایران در «سازمان همکاری شانگهای» در زمینه اقتصادی کمکی به ایران نخواهد کرد و در بر همان پاشنه خواهد چرخید.

مجوز غارت در ازای پشتیبانی از سرکوب

آنچه شاید حکومت را دلخوش به عضویت در «سازمان همکاری شانگهای» می‌کند، حمایت‌های امنیتی چین و روسیه از ملایان برای سرکوب اعتراضات است. حکومت در ازای مجوزهای پیدا و پنهان به دولت‌ها و شرکت‌های چین و روسیه برای غارت منابع کشور از آنها، نه حتا علیه دولت‌های غربی و «کشورهای متخاصم»، بلکه علیه مردم ایران کمک می‌گیرد. در مورد امتیازات نظامی نیز به نظر می‌رسد که فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از عضویت در «شانگهای» یک درک کاملاً غلط و به شدت متوهمانه دارند. گویا توقعی که آنها از این سازمان دارند، کارکردی شبیه پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) یا دست‌کم قرارگرفتن در وضعیتی مشابه اعضای ناتو است.

سرتیپ محمدرضا آشتیایی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در یادداشتی می‌نویسد مقابله با توسعه غرب و ناتو و تشدید رقابت‌های نظامی و امنیتی اهمیت پیوستن جمهوری اسلامی به سازمان شانگهای را چندین برابر کرده است!

ناتو اما مهم‌ترین پیمان نظامی جهان شناخته می‌شود که پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۹) توسط اروپا و آمریکا شکل گرفت و بیش از سی کشور در آن عضو هستند. بر اساس ماده پنجم این پیمان اگر هر یک از اعضا با حمله نظامی روبرو شوند، به منزله حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی می‌شود و آنها برای مقابله اقدام می‌کنند. حتا در مورد اعضای غیرعضو نیز ناتو با دولت‌های دوست از جمله اسرائیل همکاری‌های تنگاتنگ دارد. همچنین پس از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین

افزایش شمار مسمومیت و مرگ ناشی از مصرف مشروبات تقلبی کیهان تهران: ماکرون گفته الکل عامل شورش است!



در ایران تولید و مصرف مشروبات الکلی ممنوع است و عرصه برای تولیدی انواع نوشیدنی‌های الکلی غیرمجاز و غیراستاندارد باز است

گزارش‌ها نشان می‌دهند عمده قربانیان در شهرهای ایران، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند.» مهدی فروزش در نشست خبری که دهم تیرماه برگزار شد توضیح داد در دو ماه نخست سال جاری آمار مرگ مرتبط با مسمومیت الکل در تهران با افزایش ۳۶/۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۱ مواجه بود.

بر اساس گزارش منابع رسمی در فروردین و اردیبهشت امسال ۲۶ مورد مرگ ناشی از مصرف الکل ثبت شده که ۲۲ نفرشان در پی مصرف متانول (الکل صنعتی و غیر خوراکی) و چهار نفر دیگر به دنبال مصرف اتانول جان خود را از دست داده‌اند.

عمده مسمومیت‌های ناشی از دارو و مصرف الکل در تهران در بیمارستان «لقمان» بستری می‌شوند. شاهین شادینا رئیس بخش مسمومیت بیمارستان لقمان به ایرنا گفته «مراجعه روزانه مسمومیت ناشی از مصرف الکل تقلبی با عوارض چشمی به مراکز درمانی از جمله لقمان رو به افزایش است و مبتلایان در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. در این مدت چندین مورد مرگ‌ومیر نیز داشتیم.» به گفته این پزشک علائم مسمومیت در مصرف‌کنندگان با «سردرد» شروع می‌شود و سپس دچار «کاهش سطح هوشیاری و به هم خوردن تعادل بدن» می‌شوند.

وی با اشاره به روش‌های تشخیص الکل صنعتی از خوراکی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، گفت: «این مشروبات از روی ظاهر و بو قابل تشخیص نیست. محلول الکل فقط با دستگاه آنالیز قابل شناسایی است.»

حسن اسماعیلی رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مرکز مدیریت حوادث استان قزوین گفت از اول تیرماه تا کنون، ۲۹ نفر به خاطر مسمومیت الکلی در این استان به ←

در کشور است لذا با سکوت نمی‌توان در اینباره خود را به ندیدن زد.» این روزنامه با اشاره به تجارت سودآور الکل غیرمستقیم تلاش کرده حکومت را به اسم دریافت «مالیات» برای آزاد کردن مشروب توجیه کند. روزنامه «کیهان» تهران اما در واکنش به این گزارش به دو مورد اشاره کرده است: اول رابطه مشروبات الکلی با شورش‌های اجتماعی و دیگری اخلاق!

مرگ و میر ناشی از مصرف مشروبات الکلی مسموم و تقلبی در ایران رو به افزایش است. خسرو حسن‌زاده هنرمند نقاش یکی از بیش از ۲۰ شهروندی است که در ماه‌های اخیر به علت مسمومیت الکل جان خود را از دست دادند. بر اساس اعلام خبرگزاری‌های داخلی در هفته‌های اخیر حدود ۲۰۰ نفر بر اثر مصرف الکل تقلبی مسموم شدند و چهار نفر نیز بینایی خود را از دست داده‌اند.

بسیاری از مردم می‌گویند این مسمومیت‌ها مانند حملات شیمیایی به دانش‌آموزان در مدارس دخترانه عمدی است و عوامل حکومت پشت آن قرار دارند اما احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «آیا مسمومیت‌های الکلی که در روزهای اخیر در شهرهای مختلف گزارش شده‌اند، سریالی است»، ادعا کرد: «خبر، مسمومیت‌های الکلی در ایران به هیچ عنوان سریالی نیست و پلیس این موضوع را تأیید نمی‌کند.»

مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران تأیید می‌کند که مرگ‌های ناشی از مسمومیت با الکل افزایش داشته است. وی می‌گوید: «در فروردین و اردیبهشت امسال، ۲۶ نفر در تهران به این دلیل جان خود را از دست داده‌اند. همچنین

مرگ و میر ناشی از مصرف مشروبات الکلی مسموم در ایران رو به افزایش است. خسرو حسن‌زاده هنرمند نقاش یکی از بیش از ۲۰ شهروندی است که در ماه‌های اخیر به علت مسمومیت الکل جان خود را از دست دادند.

بسیاری از مردم می‌گویند این مسمومیت‌ها مانند حملات شیمیایی به دانش‌آموزان در مدارس دخترانه عمدی است و عوامل حکومت پشت آن قرار دارند اما احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه «آیا مسمومیت‌های الکلی که در روزهای اخیر در شهرهای مختلف گزارش شده‌اند، سریالی است»، ادعا کرد: «خبر، مسمومیت‌های الکلی در ایران به هیچ عنوان سریالی نیست و پلیس این موضوع را تأیید نمی‌کند.»

همایون سامه‌یح نجف آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی درباره موانع قانونی کردن توزیع الکل به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته «در ایران برای حفظ شعائر مذهبی و قانون دین در مورد عدم مصرف الکل برای مسلمانان قانونی شدن الکل خوراکی در کشور شدنی نیست ولی باید فکری بکنیم که چرا مصرف الکل در ایران حتی نسبت به کشورهای دیگر که مصرف در آنها آزاد است بیشتر است؟ ما هم پای درددل دیگران می‌نشینیم و در جریان هستیم که مصرف الکل در کشور کم نیست. مصرف الکل حتا به صورت غیرقانونی هم باید شرایطی داشته باشد تا موجب مرگ افراد نشود.»

گزارش روزنامه «اعتقاد» در مورد مصرف مشروبات الکلی با واکنش روزنامه «کیهان» روبرو شده است. روزنامه اصلاح‌طلب «اعتقاد» در گزارش خود می‌نویسد «شواهد موجود نشانگر روند افزایشی مصرف مشروبات الکلی

بیمارستان مراجعه کردند که «دو نفر جان باخته» و حال دو نفر دیگر نیز وخیم است.

اواخر خرداد ۱۷ نفر در کرج به علت مصرف الکل مسموم جان خود را از دست دادند و بیش از ۱۴۰ نفر مسموم شدند. چهار نفر نیز بینایی خود را از دست دادند. چند روز بعد در رباط کریم دستکم ۷ نفر به دلیل مصرف الکل تقلبی جان خود را از دست دادند و ۲۲ نفر دیگر هم مسموم شدند. در رامسر نیز دو نفر به همین علت فوت کردند.

فرماندار رباط کریم گفته بود «معمولاً مسمومیت الکلی بین ۱۲ تا ۱۸ ساعت بروز می‌دهد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد الکل‌هایی که باعث فوت این ۶ نفر شده در کمتر از ۶ ساعت آنها را زمینگیر کرده است.»

همایون سامه‌بیج نجف آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی درباره موانع قانونی کردن توزیع الکل به وسایت «دیده‌بان ایران» گفته «در ایران برای حفظ شعائر مذهبی و قانون دین در مورد عدم مصرف الکل برای مسلمانان قانونی شدن الکل خوراکی در کشور شدنی نیست ولی باید فکری بکنیم که چرا مصرف الکل در ایران حتی نسبت به کشورهای که مصرف در آنها آزاد است بیشتر است؟ ما هم پای درد دل دیگران می‌نشینیم و در جریان هستیم که مصرف الکل در کشور کم نیست. مصرف الکل حتا به صورت غیرقانونی هم باید شرایطی داشته باشد تا موجب مرگ افراد نشود.»

این وضعیت به جدال تازه میان دو باند حکومت تبدیل شده است. گزارش روزنامه «اعتماد» در مورد مصرف مشروبات الکلی با واکنش روزنامه «کیهان» روبرو شده است.

روزنامه اصلاح‌طلب «اعتماد» در گزارش خود می‌نویسد «شواهد موجود نشانگر روند افزایشی مصرف مشروبات الکلی در کشور است لذا با سکوت نمی‌توان در اینباره خود را به ندیدن زد.» این روزنامه با اشاره به تجارت سودآور الکل غیرمستقیم تلاش کرده حکومت را به اسم دریافت «مالیات» برای آزاد کردن مشروب توجیه کند. روزنامه «کیهان» تهران اما در واکنش به این گزارش به دو مورد اشاره کرده است: اول رابطه مشروبات الکلی با شورش‌های اجتماعی و دیگری اخلاق!

در این گزارش آمده: «تقسیم‌بندی دغلبازان مشروبات الکلی به بهداشتی و غیربهداشتی در حالی است که مشروبات الکلی ذاتا موجب آسیب‌های جدی به سلامت جسمی و زوال عقل در افراد می‌شود. جالب اینکه ماکرون رئیس جمهور فرانسه و دیگر مقامات این کشور، برای تقبیح معترضان و آشوبگران در فرانسه، آنها را ارادل و اوباشی که در اثر مصرف الکل سر به شورش گذاشته‌اند، معرفی کردند.»

کیهان چاپ تهران در «نکته دوم» می‌نویسد، «حمایت سرسختانه از ترویج اباحیگری اخلاقی و مجازی توسط نشریاتی مثل اعتماد است که خروجی آن، همین آسیب‌های اجتماعی خواهد بود اما این نشریه زنجیره‌ای، بجای عذرخواهی از ریل‌گذاری غلط برخی سیاسیون همسو، از عوارض این وضعیت ابراز نگرانی می‌کنند. مغالطه بعدی اعتماد این است که مصرف مشروبات الکلی توسط اقلیت کم شمار از مردم را نشانه ناکامی سیاست‌های جاری کشور می‌داند و حال آن که بالای ۹۹ درصد مردم کشورمان، از ارتکاب جرائم زائل‌کننده عقل از جمله شرب خمر پرهیز می‌کنند و در مقابل، در کشورهای غربی که الگوی پیشرفت غرب‌گرایان هستند، ده‌ها هزار برابر ایران مشروب الکلی مصرف می‌شود.»

رابط مالی و اتهام امنیتی؛

سی‌ان‌ان: «احتمال سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده!»



رابط مالی

● چند منبع به سی‌ان‌ان گفته‌اند رابط مالی نماینده آمریکا در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی پس از آنکه مجوز امنیتی وی تعلیق شد، به مرخصی اجباری و بدون حقوق فرستاده شده است.

● به گفته یکی از این منابع نهادهای امنیتی آمریکا در حال تحقیق درباره صلاحیت امنیتی این مقام دولتی هستند که مربوط به «احتمال سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی» می‌شود.

● یک مقام آمریکایی گفته چندی پس از آغاز تحقیقات، رابط مالی هنوز در مسئولیت خود باقی مانده بود اما اجازه دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده را نداشت.

● مایک مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا از وزارت خارجه آمریکا خواست که گزارش دقیقی درباره دلیل «مرخصی اجباری» رابط مالی و دلیل «تعلیق مجوز امنیتی» وی ارائه کند.

● این نماینده با لحنی تند هشدار می‌دهد که «عدم اطلاع‌رسانی وزارت خارجه آمریکا به کنگره درباره رابط مالی، در بهترین حالت نشان‌دهنده بی‌صدافتی و در بدترین حالت نشانگر یک اقدام عامدانه غیرقانونی در ارائه احتمالی اطلاعات کذب است.»

چند منبع به سی‌ان‌ان گفته‌اند رابط مالی نماینده آمریکا در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی پس از آنکه مجوز امنیتی وی تعلیق شد، به مرخصی اجباری و بدون حقوق فرستاده شده است.

به گفته یکی از این منابع، نهادهای امنیتی آمریکا در حال تحقیق درباره صلاحیت امنیتی این مقام دولتی هستند که مربوط به «احتمال سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی» می‌شود.

دو منبع گفته‌اند از اوایل سال ۲۰۲۳ وزارت خارجه تحقیقات جدی‌تری را در مورد نحوه مدیریت رابط مالی از اطلاعات محرمانه آغاز کرد، که در نهایت منجر به تعلیق مجوز وی در دو ماه گذشته شد. مشخص نیست چه چیزی کشف شده که بطور خاص منجر به تعلیق صلاحیت وی شده است.

آنچه اکنون مطرح است «احتمال سوء استفاده» رابط مالی از اطلاعات محرمانه است. یک مقام آمریکایی گفته چندی پس از آغاز تحقیقات، رابط مالی هنوز در مسئولیت خود باقی مانده بود اما اجازه دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده را نداشت.

در ماه‌های اخیر به نظر می‌رسد وی نقش برجسته‌ای در تلاش برای آزادی آمریکایی‌های بازداشتی در ایران داشته است. دو منبع به سی‌ان‌ان گفتند که او بطور منظم با خانواده‌های بازداشت‌شدگان در تماس بوده و در هفته گذشته با آنها صحبت کرده است.

مالی همچنین در اوایل امسال با سفیر رژیم ایران در سازمان ملل متحد مذاکره داشته، اما مشخص نیست که آیا این گفتگوها قبل از تعلیق مجوز وی بوده است یا پس از آن.

نگرانی‌های کنگره در مورد وضعیت رابط مالی

مایک مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا از وزارت خارجه آمریکا خواست که گزارش دقیقی درباره دلیل «مرخصی اجباری» رابط مالی فرستاده ویژه آمریکا در امور ایران و دلیل «تعلیق مجوز امنیتی» وی ارائه کند.

این نماینده ۳۰ ژوئیه (نهم تیرماه) در نامه‌ای به آنتونی بلینکن گفته گزارش‌ها در مورد صلاحیت رابط مالی و رفتارهای وی «نگرانی‌های جدی» برای افکار عمومی ایجاد کرده است.

کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان حدود شش ماه پیش درخواست کرده بود که رابط مالی به آنها در مورد مذاکرات غیرمستقیم دولت بایدن با ایران بر سر برنامه هسته‌ای و آزادی گروگان‌های ایرانی-آمریکایی توضیح دهد. به گفته مک‌کال، مقامات ارشد ایالتی به کمیته روابط خارجی گفته‌اند که مالی قادر به ادای شهادت یا ارائه توضیحات نیست چون «به دلیل بیماری یکی از اعضای نزدیک خانواده‌اش در مرخصی شخصی بسر می‌برد!»

مک‌کال افزود: «در طول این چند ماه وزارت خارجه اعلام نکرد که مجوز امنیتی رابط مالی به حالت تعلیق در آمده یا در حال بررسی است، یا اینکه وی به دلیل سوء رفتار احتمالی تحت بازجویی قرار گرفته است.»

این نماینده با لحنی تند هشدار می‌دهد که «عدم اطلاع‌رسانی وزارت خارجه آمریکا به کنگره درباره رابط مالی، در بهترین حالت نشان‌دهنده بی‌صدافتی و در بدترین حالت نشانگر یک اقدام عامدانه غیرقانونی در ارائه احتمالی اطلاعات کذب است.»

اواخر اردیبهشت وندی شرمین معاون وزیر امور خارجه و آبرام پیلی معاون رابط مالی یک گزارش محرمانه درباره ایران به سناتورها ارائه کردند. در آن جلسه رابط مالی حضور نداشت و پیش از برگزاری این نشست اعلام شده بود که وی در «مرخصی» است. «پولیتیکو» در همین ارتباط نوشته بود: «یکی از افرادی که در این نشست حضور نخواهد داشت راب مالی فرستاده ویژه آمریکا در مذاکرات برای توافق با ایران است که دو نفر که نخواستند نام‌شان فاش شود به ما گفتند وی به مرخصی فرستاده شده است.»

مایک مک‌کال از آنتونی بلینکن درخواست کرده که وضعیت پیش آمده را دقیق بررسی کند و همه اسناد و شواهد مربوط به مرخصی و صلاحیت امنیتی رابط مالی به کنگره اعلام شود.

مؤسسه تحقیقاتی آما: جمهوری اسلامی «ده‌ها زاغه موشکی» در دل کوه‌ها پنهان کرده است



توماج صالحی

نشسته، می‌گوید اشتباه کرده است. این ویدئو نیز مانند ویدئویی که امروز منتشر شد مطلقاً مورد توجه افکار عمومی قرار نگرفت و فقط بر خشم و انزجار عمومی از جمهوری اسلامی افزود.

همچنین یکماه پس از بازداشت توماج صالحی خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران ویدئویی ۴۵ ثانیه‌ای از «اعترافات اجباری» توماج صالحی منتشر کرد.

سناریوی این ویدئوی اعترافات اجباری به شکلی است که توماج در اتاقی تاریک مقابل فردی که چهره‌اش مشخص نیست و نقش «بازجو» را به عهده دارد نشسته و از اقدامات خود ابراز ندامت می‌کند و با لبخند تلخی می‌گوید: «کاش می‌تونستم برعکسش را تولید کنم!»

متن منتشر شده به همراه این ویدئو در خبرگزاری «تسنیم» حاوی اتهامات سنگین علیه توماج صالحی بود. این خبرگزاری نوشته بود که «توماج صالحی در اتفاقات اخیر در صفحه توییتر خود به تبلیغ خشونت و درگیری با نیروهای مسلح و ساخت کوکتل مولوتف می‌پرداخت و اخبار جعلی منتشر می‌کرد. او همچنین با انتشار فراخوان‌های مختلف برای شهرهای کشور در تبلیغ اغتشاشات نقش داشت.»

توماج صالحی از جمله هنرمندانی بوده که همواره در اظهارات خود کنار مردم ایستاده است. اکنون صدور اتهام سنگین «افساد فی الارض» که در قوانین جمهوری اسلامی اشد مجازات آن «اعدام» است خطر صدور چنین حکمی را علیه توماج نیز به همراه دارد. به ویژه آنکه در پرونده سنگینی که از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) علیه توماج تهیه شده، اتهامات سنگین دیگری نیز علیه این جوان هنرمند مطرح است.

توماج صالحی پیشتر در شهریور ۱۴۰۰ نیز بازداشت و به «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» متهم شده بود. وی حدود ده روز در بازداشت بود و سپس با قرار کفالت از زندان آزاد شد. این هنرمند برای آن پرونده در دادگاه به شش ماه زندان محکوم شد که اجرای حکم یک سال به تعلیق درآمده بود.

در جلسه رسیدگی، تنفس اعلام شد و ادامه رسیدگی به روز یکشنبه ۱۱ تیرماه موکول شده بود.

وکیل توماج صالحی گفته که «روند جلسه از نظر رعایت تشریفات دادرسی مطابق جلسات دیگری که در این شعبه برگزار می‌شود غیر علنی بود و اجازه حضور اشخاص ثالث و خبرنگاران یا نمایندگان جامعه مدنی و همینطور خانواده موکل در دادگاه داده نشد.»

او توضیح داده که «پیش از این در راستای اجرای ماده ۳۸۷ قانون دادرسی کیفری به ما اعلام شده بود که ایرادات خود را در رابطه با روند تحقیقات دادسرا و نقایص پرونده اعلام کنیم و پس از اعلام ما دادگاه با پذیرش ۶ ایراد درباره اتهامات و همین‌طور دو ایراد بنیادی در روند تحقیقات، قرار رفع نقص صادر و پرونده را برای دادسرا جهت رفع نقایص ارسال کرده بود که دادسرا تنها در رابطه با یکی از ایرادات ما را احضار کرد و سایر ایرادات را رفع نشده باقی گذاشت. البته با ارائه توضیحاتی که موجب رفع نقایص نبود پرونده را به دادگاه مرجوع کرد.»

اسدالله جعفری رئیس دادگستری استان اصفهان ششم آذرماه و یک ماه پس از بازداشت توماج صالحی اتهامات او را «افساد فی الارض از طریق نشر اکاذیب به صورت گسترده، فعالیت تبلیغی علیه نظام، تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور» اعلام کرده بود. وی افزوده بود که توماج صالحی به همکاری با «دولت متخاصم علیه جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت‌آمیز» هم متهم شده است.

توماج صالحی خواننده رپ ایرانی در جریان اعتراضات جنبش ملی و در آبان ۱۴۰۱ بازداشت شد. چند روز پس از بازداشت توماج صالحی ویدئوی کوتاهی توسط «باشگاه خبرنگاران جوان» وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی منتشر شد.

در این ویدئوی کوتاه که هنوز مشخص نیست واقعا توماج بود یا نه، فردی که چشم‌بند پهنی دارد و روی زمین

● وکیل توماج صالحی: افساد فی الارض، همکاری با دول متخاصم، فعالیت تبلیغی علیه نظام و دعوت به اغتشاش، از اتهامات توماج است اما حجم اتهامات فراتر از این بود. ● به گفته امیر رئیسیان، اتهام دیگر توماج مصاحبه با رسانه کانادایی سی‌بی‌سی است و از آنجا که دولت کانادا از نظر دادسرای اصفهان «دولت متخاصم» محسوب می‌شود، این مصاحبه مصداق همکاری با دولت متخاصم تلقی شده است. ● توماج صالحی خواننده رپ ایرانی در جریان اعتراضات جنبش ملی و در آبان ۱۴۰۱ بازداشت شد و اکنون با اتهام سنگین «افساد فی الارض» در خطر صدور حکم اعدام قرار دارد.

وکیل توماج صالحی از برگزاری دومین جلسه دادگاه این هنرمند در روز یکشنبه ۱۱ تیرماه خبر داده و چهار مورد از عناوین اتهامی او را «افساد فی الارض»، «همکاری با دول متخاصم»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، و «دعوت به اغتشاش» عنوان کرده است.

امیر رئیسیان وکیل توماج صالحی گفته که «افساد فی الارض، همکاری با دول متخاصم، فعالیت تبلیغی علیه نظام و دعوت به اغتشاش، از اتهامات توماج است اما حجم اتهامات فراتر از این بود که در نیم ساعت مقرر در ملاقات با توماج حتی بتوانیم یک‌یک اتهامات را برای موکل تبیین کنیم.»

امیر رئیسیان در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفته دادسرا مدعی است که موکلش با انتشار توییت‌هایی مرتکب «نشر اکاذیب» به شکل گسترده و در نهایت موجب «افساد فی الارض» شده است.

به گفته این وکیل دادگستری اتهام دیگر توماج صالحی مصاحبه با رسانه سی‌بی‌سی که یک رسانه کانادایی است، مصداق «همکاری با دولت کانادا» تلقی شده و از آنجا که دولت کانادا از نظر دادسرای اصفهان «دولت متخاصم» محسوب می‌شود، در نتیجه این مصاحبه مصداق همکاری با دولت متخاصم تلقی شده است.

امیر رئیسیان «دعوت مردم به بیان خواسته‌ها و مطالبات خودشان» را از دیگر مصادیقی عنوان کرده که از سوی دادگاه «دعوت به آشوب و اغتشاش» نامیده شده و افزود که «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» و «توهین به بنیانگذار انقلاب و رهبری نظام» و «اخلال در نظم» و «نشر اکاذیب» هم به عنوان اتهامات توماج صالحی به او تفهیم شده است.

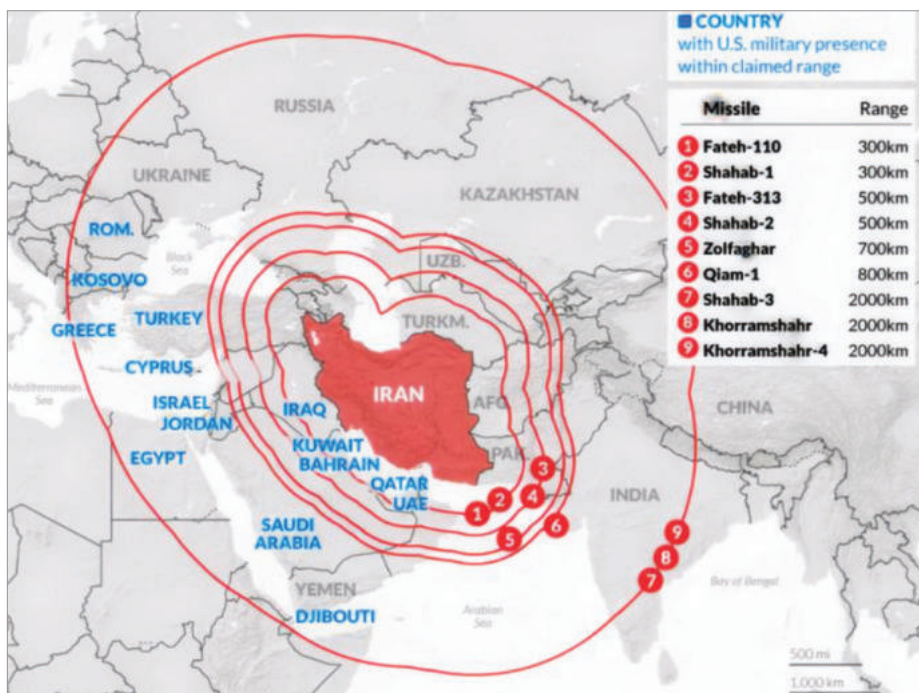
این وکیل دادگستری همچنین گفته که «دادگاه به ریاست آقای براتی برگزار و در نهایت ختم رسیدگی از سوی دادگاه اعلام شد؛ بر این اساس دادگاه مبادرت به صدور رای خواهد کرد و تصمیم دادگاه بر اساس قانون در یک هفته به ما ابلاغ خواهد شد.»

امیر رئیسیان با تأکید بر اینکه تنها توانسته نیم ساعت با موکل خود در بازداشتگاه اطلاعات اصفهان ملاقات کند گفته «حجم اتهامات فراتر از این بود که در این نیم ساعت حتی بتوانیم یک‌یک اتهامات را برای موکل تبیین کنیم.»

او همچنین افزوده که «دادگاه توماج در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان دو هفته پیش در ۲۸ خرداد آغاز شده بود اما با توجه به ناتمام ماندن موضوعات مطرح شده

مؤسسه تحقیقاتی آلمان:

جمهوری اسلامی «ده‌ها زاغه موشکی» در دل کوه‌ها پنهان کرده است



● مرکز تحقیقاتی اسرائیلی «آلمان» گزارش داده که جمهوری اسلامی ده‌ها پایگاه موشکی خود را در شیار دژه‌ها و در دل کوه‌ها مستقر کرده که یکی از آنها در غرب ایران واقع در کوه‌های حوالی کرمانشاه قرار دارد.

● پایگاه موشکی سپاه پاسداران در کرمانشاه ۱۵۰ کیلومتر با مرز عراق فاصله دارد و موشک‌های بالستیک «قیام-۱» در آنجا مستقر هستند.

● برخی منابع داخلی گزارش دادند «شعاع بُرد موشک‌های بالستیک ایران علاوه بر تمامی نقاط اسرائیل و پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا در منطقه از بخش‌های غربی چین گرفته تا شرق اروپا گسترده شده است» و «دشمنان ایران در سراسر جهان ایمن نیستند».

● «گاردین» نوشته است، بریتانیا و چند کشور اروپایی، قصد دارند با خودداری از لغو تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی در ماه اکتبر (آذرماه)، برای اولین بار برجام را «نقض» کنند.

● مرکز تحقیقاتی اسرائیلی «آلمان» گزارش داده که جمهوری اسلامی ده‌ها پایگاه موشکی خود را در شیار دژه‌ها و در دل کوه‌ها مستقر کرده که یکی از آنها در غرب ایران واقع در کوه‌های حوالی کرمانشاه است.

● پایگاه موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کرمانشاه ۱۵۰ کیلومتر با مرز عراق فاصله دارد و موشک‌های بالستیک «قیام-۱» در آنجا مستقر هستند.

● مؤسسه آلمان گزارش داده احتمالاً این همان پایگاهی است که جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن پایگاه عین‌الاسد آمریکا در عراق (ژانویه ۲۰۲۰) از آن استفاده کرده است. آلمان یک مرکز تحقیقاتی است که بر روی چالش‌های امنیتی در مرزهای شمالی اسرائیل تحقیق می‌کند.

● موشک بالستیک «قیام-۱» کوتاه‌بُرد و با سوخت مایع است. «قیام» نخستین موشک بدون بالک ساخت سپاه پاسداران است و با توجه به نداشتن بالک، باید با ایجاد پایداری و تنظیم و کنترل خروجی پیش‌براز سوخت، کنترل و هدایت شود. این کار باعث کاهش وزن نهایی موشک و کاهش بازتاب راداری آن خواهد شد و انبارداری و حمل آن را نیز راحت‌تر می‌کند. به گزارش «اورشلیم پست»، گفته می‌شود این موشک‌ها در ده‌ها زاغه موشکی در سه سایت زیرزمینی نگهداری می‌شوند. ویدئویی آنلاین که توسط آلمان تهیه شده است شواهدی از وجود ۶۱ زاغه موشک در این دژه حوالی کرمانشاه را نشان می‌دهد. مؤسسه آلمان اواخر خردادماه نیز با انتشار نقشه و تصاویری از وجود یک پایگاه زیرزمینی پهنادهای جمهوری اسلامی در اطراف شیراز در استان فارس خبر داده بود. این پایگاه که در کوه‌های اطراف شیراز واقع است، هر لحظه کل خاورمیانه را تهدید می‌کند. بر اساس این گزارش، این پایگاه پهنادهای زیرزمینی در نزدیکی پایگاه شکاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی تأسیس شده است. برخی منابع داخلی گزارش دادند «شعاع بُرد موشک‌های بالستیک ایران علاوه بر تمامی نقاط اسرائیل و پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا در منطقه از بخش‌های غربی چین گرفته تا شرق اروپا گسترده شده است» و «دشمنان ایران در سراسر جهان ایمن نیستند».

● بُرد موشک‌های جمهوری اسلامی / منبع: استریتفور ریویو نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوم خردادماه ۱۴۰۲ نسل چهارم موشک‌های بالستیک دوربُرد خرمشهر را رونمایی کرد که دوهزار کیلومتر بُرد دارد و اسرائیل و چند پایگاه آمریکایی در منطقه تیرس آن قرار دارند. این موشک توانایی حمل کلاهک ۱۸۰۰ کیلوگرمی را دارد. اروپایی‌ها برای اولین بار در پاسخ به نقض برجام توسط جمهوری اسلامی، برجام را نقض می‌کنند.

● در این میان، روزنامه «گاردین» یکشنبه دوم ژوئیه (۱۱)



تست موشک «قیام»

● تیرماه) گزارش داد بریتانیا و چند کشور اروپایی، قصد دارند با خودداری از لغو تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی در ماه اکتبر (آذرماه)، برای اولین بار برجام را در پاسخ به سیاست‌های اتمی تهران «نقض»

● کنند. توجیه بریتانیا، آلمان و فرانسه برای این اقدام، نقض توافق برجام از سوی خود ایران و نیز همکاری جمهوری اسلامی با روسیه در حمله به اوکراین از طریق ارسال پهپادهای انتحاری است.

● بر اساس این تحریم‌ها، جمهوری اسلامی حق توسعه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک‌های اتمی را ندارد و همچنین، هیچ کشور یا شرکتی حق خرید، فروش، یا انتقال پهپاد و اجزای تشکیل‌دهنده آن به ایران بدون اجازه قبلی از شورای امنیت سازمان ملل متحد را ندارد.

● گاردین همچنین نوشته تصمیم قدرت‌های اروپایی برای نقض توافق برجام تصمیمی پر از ریسک است چرا که مشخص نیست تهران، در زمانی که به قابلیت غنی‌سازی اورانیوم برای تولید سلاح هسته‌ای نزدیک شده، چه واکنشی به آن نشان خواهد داد.

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً در مصاحبه با شبکه «فرانس ۲۴» گفت همکاری جمهوری اسلامی و آژانس در سطح لازم و با سرعت مورد نظر پیش نمی‌رود.

● خبرگزاری رویترز هشتم تیرماه به نقل از چهار منبع دیپلماتیک گزارش داد اتحادیه اروپا تحریم‌های مربوط به موشک‌های بالستیک ایران که طبق برجام قرار بود ۲۶ مه‌ماه ۱۴۰۲ لغو شود دوباره تمدید خواهد کرد.

● منابع وابسته به اتحادیه اروپا گفته‌اند تمدید تحریم‌های جمهوری اسلامی سه دلیل عمده دارد: استفاده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی علیه اوکراین؛ احتمال انتقال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه و محروم کردن ایران از مزایای توافق اتمی زیرا جمهوری اسلامی برجام را نقض کرده است.

سازمان مجاهدین زیر ذره‌بین دادستانی آلبانی



بیماری قلبی با سابقه دارد. مقامات آلبانیایی می‌گویند علی مستشاری بر پایه مدارک پزشکی از مدت‌ها پیش از بیماری قلبی رنج می‌برده و تحت درمان بوده است.

معاون وزارت کشور آلبانی می‌گوید آنچه در «اشرف ۳» می‌گذرد غیرقانونی است زیرا سازمان مجاهدین در این مجتمع نیروهای پلیس خود را به وجود آورده بود، دادگاه داشته و حتی مکان‌هایی را برای نگهداری از افرادی که در این دادگاه‌ها محکوم می‌شدند به وجود آورده بود، در حالی که «اشرف ۳» بخشی از خاک آلبانی است و از هیچ‌گونه خودمختاری برخوردار نیست که بتواند چنین نهادهایی برای خود درست کرده و اداره کند. آندی ماهیلا می‌گوید بر پایه اطلاعاتی که ما در سال‌های اخیر توانستیم به دست آوریم ساکنان «اشرف ۳» از حداقل آزادی‌های فردی نیز برخوردار نبودند و مجبور به نوعی زندگی نظامی با قوانین بسیار سخت بودند که سرپیچی از آنها می‌توانست مجازات‌هایی به دنبال داشته باشد.

منابع دادستانی در تیرانا می‌گویند برپایه تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۹ آغاز شد، از ۲۵۰۰ نفری که در «اشرف ۳» سکونت دارند، یک گروه ۲۰۰ نفری شناسائی شده که اداره این شهرک را در اختیار دارند و آنها هستند که در موارد مختلف تصمیم می‌گیرند و دیگران را وادار به پیروی می‌کنند. همین منبع می‌افزاید دیگر ساکنان «اشرف ۳» از بسیاری از فعالیت‌های غیرقانونی این گروه بی‌خبرند و اگر هم خبری دارند به روی خود نمی‌آورند تا مجبور نشوند بهائی برایش پرداخت کنند.

دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» مجاهدین را نه تنها به «اقدامات سایبری غیرقانونی» و «تحریک به جنگ» متهم می‌کند بلکه پرونده‌ای در رابطه با عدم شفافیت مالی و استفاده غیرقانونی از ارز دیجیتال نیز گشوده است. یک منبع دادستانی در این رابطه به کیهان لندن می‌گوید «در سال‌های اخیر برخی اعضای مجاهدین مبالغ قابل توجهی پول نقد به کشور وارد کردند و آنها را به حساب‌های بانکی سازمان ریختند. هرگز مدارکی دال بر منبع

پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» به «اشرف ۳» برخی از اعضای مجاهدین تلاش کردند مدارکی را از بین ببرند، این شک قوت گرفته است که هنوز مدارکی در این محوطه می‌تواند وجود داشته باشد که در صورتی که در بازرسی‌های مجدد کشف شوند، می‌توانند در دادگاه علیه مجاهدین مورد استفاده قرار گیرند.

دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» فیلم‌های پنهان‌هایی را که از زمان ورود نیروهای پلیس به «اشرف ۳» تا خروج آنها در پرواز بودند منتشر ساخته است. در این فیلم‌ها هیچ‌گونه خشونت فیزیکی از سوی نیروهای پلیس علیه مجاهدین مشاهده نمی‌شود و این نیروها تنها زمانی که ساکنان «اشرف ۳» تلاش کردند مانع ورود آنها به برخی ساختمان‌های این مجتمع بشوند از اسپری فلفل و گاز اشک‌آور استفاده کردند. بر پایه این فیلم‌ها در هیچ لحظه از این درگیری‌ها «علی مستشاری» نیز که در پی حمله قلبی درگذشته ولی مجاهدین پلیس آلبانی را متهم به قتل او می‌کنند، در محل این درگیری‌ها دیده نمی‌شود.

آندی ماهیلا معاون وزیر کشور می‌گوید از آنجا که مجاهدین در این مجتمع دوربین‌های مداربسته بسیاری کار گذاشته‌اند، اگر فیلمی در اختیار دارند که حکایت از اعمال خشونت فیزیکی از سوی نیروهای پلیس دارد، می‌توانند آنها را جهت بررسی در اختیار دادستانی شهر بندری دوسر قرار دهند که پرونده‌ای در رابطه با وقایع ۲۰ ژوئن گشوده است. آندی ماهیلا می‌افزاید چند دقیقه پس از آنکه در ساعت ۱۱ و ۱۸ دقیقه (به وقت محلی) بیانیه‌ای منتشر کردند که در آن اشاره به مرگ علی مستشاری می‌کنند، ده‌ها نفر از ساکنان «اشرف ۳» با عکس‌هایی از علی مستشاری ظاهر شدند. به گفته این مقام آلبانیایی بعید به نظر می‌رسد که در عرض چند دقیقه پس از آغاز درگیری‌ها این افراد توانسته باشند این عکس‌ها را چاپ کرده و پخش کنند، مگر اینکه قبل از آن با توجه به وضعیت نامساعد این فرد آنها را آماده کرده بودند. در کالبدشکافی اولیه علی مستشاری نیز اثری از خشونت فیزیکی دیده نمی‌شود، بلکه حکایت از یک

● در فیلم‌های پنهانی که دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» از زمان ورود نیروهای پلیس به «اشرف ۳» تا خروج آنها منتشر ساخته است هیچ‌گونه خشونت فیزیکی از سوی نیروهای پلیس علیه مجاهدین مشاهده نمی‌شود.

● کالبدشکافی «علی مستشاری» نشان می‌دهد که این عضو باسابقه‌ی مجاهدین که حتا در محل درگیری‌ها حضور نداشته است، در پی حمله قلبی درگذشته و از مدت‌ها پیش از ناراحتی قلبی رنج می‌برده است.

● معاون وزارت کشور آلبانی می‌گوید سازمان مجاهدین در «اشرف ۳» نیروهای پلیس دارند، دادگاه تشکیل می‌دادند و حتی مکان‌هایی را برای نگهداری از افرادی که در این دادگاه‌ها محکوم می‌شدند به وجود آورده بودند.

● منابع دادستانی در تیرانا می‌گویند بر پایه تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۹ آغاز شد از ۲۵۰۰ نفری که در «اشرف ۳» سکونت دارند، یک گروه ۲۰۰ نفری شناسائی شده که اداره این شهرک را در اختیار دارند و آنها هستند که در موارد مختلف تصمیم می‌گیرند و دیگران را وادار به پیروی می‌کنند.

● دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» پرونده‌ای در رابطه با عدم شفافیت مالی و استفاده غیرقانونی از ارز دیجیتال نیز علیه مجاهدین گشوده است. ● کارشناسان آلبانیایی می‌پرسند اگر این تحقیقات که از سال‌ها پیش آغاز شده‌اند و مدت‌هاست که مقامات مسئول خبر دارند که مجاهدین مفاد توافقنامه سال ۲۰۱۴ را رعایت نمی‌کنند چرا تا کنون اقدامی انجام نگرفته است؟

احمد رأفت - از روز پنجشنبه ۲۹ ژوئن پلیس آلبانی در خارج از محوطه «اشرف ۳» مستقر شده و کلیه اتومبیل‌هایی را که از این مجتمع خارج می‌شوند و یا قصد ورود به آنرا دارند مورد بازرسی قرار می‌دهد. یک سخنگوی پلیس این تصمیم را به خطر خارج ساختن مدارک از این محوطه مربوط دانسته است. بعد از آنکه پس از ورود نیروهای

باز نشر

درباره بزها و بززاده‌ها

(کیهان لندن شماره ۱۰۰۰) فروردین ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



و خوابید تا دمدمه‌های صبح. نزدیک سحر، سر و صدای کاروانی که از قبرستان می‌گذشت و به سوی شهر می‌رفت خواب خوش جناب ملا را به هم زد. از خواب پرید و به تصور این که در دنیای دیگر است از قبر بیرون آمد. قاطرها به دیدن شبی سفیدپوش که در سیاهی شب از زمین سبز شده بود ترسیدند و رمیدند و شروع کردند به شیهه زدن و جفتک پراندن. نظم قافله به هم خورد. بارها از پشت قاطرها به زمین افتاد و قاطرچیها که چرتشان پاره شده بود در جستجوی علت رم کردن قاطرها، به این سو و آن سو چشم انداختند. همین که چشمشان به ملای کفن‌پوش افتاد با چوب و چماق حمله بردند و او را تا می‌خورد کتک زدند و در حالی که دیگر رمق کتک خوردن برایش نمانده بود به حال خود رهاپش کردند و رفتند.

ملا، افتان و خیزان، نالان و گریان، با سر و دست شکسته روانه منزل شد. زنش که او را بدان حال دید، پرسید ملا جان، آن دنیا چه خبر بود؟ ملا گفت آنقدر فهمیدم که اگر قاطرهای کسی را رم ندهی کاری به کارت ندارند!

در قبرستانی که هفته‌نامه «طبرستان» مدفون و مدیر آن دادگاهی شد، بز و بزغاله از قداست و منزلت ویژه برخوردارند. می‌خواهی به گاو و گوسفندت زبان نرسد باید حریم بزها و بززاده‌ها را رعایت کنی. بزها در این قبرستان ولایت مطلقه دارند. حاکمیت بی چون چرا دارند. حق دارند هر جا خواستند بچرند، هر چه خوردنی است بخورند و هر چه بردنی است ببرند. به ساحت بز و بززاده نباید جسارت کرد. به ریش بزها نباید خندید. بع بزها را باید کلام آسمانی تلقی کرد. پنجه بزها را باید بوسید و دمشان را باید در بشقاب گذاشت. هرگز نباید گفت که در میان گله بزها بز گر هم وجود دارد. نباید گفت بز حیوان ناسازگاری است. نباید گفت بز گیاهان را از ریشه می‌کند. درختان را ضایع می‌کند. مراتع را از بین می‌برد. با گرگها می‌سازد و گوسفندها را قربانی می‌کند. نباید گفت «جامعه گوسفندی» زیر سلطه حاکمیت بیرحمانه بزها و غارتگری بززاده‌ها قرار گرفته است. هر کس سر شاخش با بزها و بززاده‌ها بند شده سر از بندهای زندان درآورده و نیز بوده‌اند کسانی که خواسته‌اند آرامش بزها و بززاده‌ها را بهم بزنند و اکنون آرام در سینه قبرستان خفته‌اند.

حدیث بزها و بززاده‌ها و عاقبت آن هم‌قلم ما را که به پای آنها پیچیده و به‌سزای خود رسیده (توقیف هفته‌نامه طبرستان بدلیل مقاله‌ای تحت عنوان همه بدبختی ما از بزها و بززاده‌هاست!) در کیهان هفته پیش خواندید.

سابقاً می‌گفتند اگر می‌خواهی به گاو و گوسفندت ضرر نرسد کاری به گاو و گوسفند دیگران نداشته باش. در ضرب‌المثلهایی از این قبیل، نام بز هیچگاه کنار گاو و گوسفند قرار نمی‌گرفت به دلیل آن که بز قدر و قیمتی نداشت. بز در حاشیه گله می‌چرید و نوعی طفیلی محسوب می‌شد. شهرتش به شیطنتش بود و ریش درازش. البته میل به تظاهر و خودنمایی موجب می‌شد که بز، با همه این احوال، بیش از گاو و گوسفند این طرف و آنطرف بدود و به هر سو سرک بکشد و به هر بهانه سر و صدا راه بیندازد. یک تفاوت عمده هم بین بز با گاو و گوسفند وجودداشت که گاو و گوسفند، حتی در خشکسالی، اگر از گرسنگی می‌مردند چیزی جز علوفه نمی‌خوردند. بز، اما در همه فصول، همه چیز می‌خورد از علف سبز گرفته تا آت و آشغال و کاغذ باطله.

انقلاب، اوضاع را دگرگون ساخته است. حالا بزها و بززاده‌ها چنان شأن و مقامی پیدا کرده‌اند که باید ضرب‌المثل قدیمی را دستکاری کرد و گفت اگر می‌خواهی به گاو و گوسفندت زبان نرسد پا پی بزها و بززاده‌ها مشو! مرحوم مغفور ملانصرالدین دانای زمانه بود. اولین علامت دانایی اینست که آدمیزاد با کلمه مقدس «می‌دانم» مانوس باشد و از گفتن می‌دانم درباره مسائلی که نمی‌داند واهمه نکند. عیال ملا روزی از او پرسید صرفنظر از آن حرفهایی که بالای منبر برای عوام‌الناس می‌زنی، راستش را بگو که در آن دنیا چه خبر است. وقتی چشم از این جهان بستیم و چشم در جهان دیگر گشودیم آنجا را چگونه خواهیم دید. قضیه عذاب و عقاب و رسیدگی به نامه اعمال و شب اول قبر و نکیر و منکر و سؤال و جواب و گرز آتشین آیا واقعیت است یا ساختگی؟ ملا گفت واقعتش را بخواهی من هم مثل تو راست و دروغش را نمی‌دانم ولی می‌توانم بروم تحقیق کنم و خبرش را برایت بیاورم.

پس شبی کفن پوشید و به قبرستان رفت و توی قبری که تازه کنده بودند دراز کشید عینو یک مرده. شب به نیمه رسید و خواب بر ملا غلبه کرد. چشمها را رویهم گذاشت

این پول‌ها ارائه ندادند و هربار گفتند هدایایی است که از حامیان و یا خانواده‌هایشان دریافت کرده‌اند.» همین منبع به کیهان لندن می‌گوید تحقیقات در مورد فعالیت‌های مشکوک مالی مجاهدین از سال ۲۰۱۷ آغاز شده و البته ادامه پیدا خواهد کرد زیرا در توافقی که در سال ۲۰۱۴ قبل از انتقال مجاهدین از عراق به امضا رسیده از جمله به لزوم شفافیت مالی نیز اشاره شده است. این منبع می‌افزاید در حال حاضر آنچه برای آلبانی مهم است قطع فعالیت‌های سایبری مجاهدین است که امنیت این کشور را به خطر انداخته است. او می‌افزاید دادستانی آلبانی رد پای هکرهای وابسته به مجاهدین را که با نام «قیام تا سرنگونی» فعال هستند و با هک وبسایت‌های جمهوری اسلامی توانسته‌اند ۲۰ ترابایت اطلاعات استخراج کنند، در «اشرف ۳» پیدا کرده است. هک وبسایت‌های دولتی آلبانی در ماه مارس توسط ارتش سایبری جمهوری اسلامی، به گفته منابع دادستانی تیرانا واکنش به این فعالیت‌های مجاهدین از خاک آلبانی بوده است. واکنشی که به گفته منابع دادستانی، امنیت آلبانی را به خطر انداخته است.

در این میان، جمهوری اسلامی مدعی است که اخیراً چند گروه تروریستی را دستگیر کرده که در آلبانی دوره دیده بودند و در این رابطه نامه‌ای رسمی به دولت تیرانا نیز نوشته است. محافل امنیتی این کشور بالکان، این نامه اعتراضی جمهوری اسلامی را نوعی هشدار و تهدید به انجام عملیات تروریستی در خاک آلبانی تلقی می‌کنند. امری که بی‌سابقه نیست.

در گذشته نیز شبکه‌های تروریستی و جاسوسی جمهوری اسلامی در آلبانی شناسائی شدند و همین مسئله باعث قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور شده است.

پرسشی که امروز در برنامه‌های تلویزیونی متعددی که در رابطه با فعالیت‌های مجاهدین در آلبانی مطرح می‌شود این است که اگر این تحقیقات که از سال‌ها پیش آغاز شده‌اند و مدت‌هاست که مقامات مسئول این کشور خبر دارند مجاهدین مفاد توافقنامه سال ۲۰۱۴ را رعایت نمی‌کنند چرا تا کنون اقدامی انجام نده‌اند؟

در این سال‌ها سازمان امنیت آلبانی ۹ گزارش مبنی بر تخلفات مجاهدین به مقامات مسئول فرستاده است، ولی هیچ اقدامی صورت نگرفته است. اروین کوراموکو استاد دانشگاه و کارشناس امنیتی در گفتگو با «آلبانیان پست» می‌گوید «ما به یک سازمان یعنی مجاهدین پناهندگی ندادیم بلکه ۳ هزار نفر را که عضو این سازمان هستند با وساطت آمریکا و به درخواست سازمان ملل پناهندگی دادیم، بنابراین این ۳۰۰۰ نفر یا آنهایی که باقی ماندند طرف دولت آلبانی هستند و نه سازمانی که در آن عضویت دارند. این بزرگترین اشتباه مجاهدین و همچنین برخی از سیاستمداران آلبانیایی است که تا کنون قوانین را نادیده گرفتند.» همین کارشناس می‌افزاید «کارهای خلاف قانون مجاهدین یکی و دو تا نیستند. اطلاعاتی در دست است که اگر دادستانی بخواهد بر مبنای آنها اقدام کند، می‌تواند اتهامات بیشتری به این سازمان و برخی افراد آن وارد کند.» اروین کوراموکو می‌گوید در حال حاضر مجاهدین و دولت آلبانی دو گزینه در مقابل دارند: اگر مجاهدین نخواهند بپذیرند که ما نه با این سازمان بلکه به فرد فرد اعضایش جداگانه پناهندگی داده‌ایم، آلمان مجبور خواهیم شد از طریق قانون آنها را مجبور به قبول این واقعیت کنیم. البته اگر این واقعیت قانونی را نپذیرند و به رفتار کنونی خود ادامه دهند و حاکمیت آلبانی را با اقدامات‌شان مرتب زیر سوال ببرند، آنوقت باید از همه این پناهندگان بخواهیم که این کشور را ترک کنند.»

تشکیل کابینه نظامی آرامش را به کشور بازگرداند و شورشگران را مرعوب کرد شاه بعدها به این نتیجه رسید که پیام رادیو - تلویزیونی او اشتباهی بزرگ بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۰)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

«متن پیام رادیو - تلویزیونی شاه»

ملت عزیز ایران. در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به تدریج ایجاد شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد به پا خاستید. انقلاب ملت ایران می‌تواند مورد تایید من به عنوان پادشاه ایران و به عنوان یک فرد ایرانی نباشد.

متأسفانه درکنار این انقلاب، دسیسه و سوءاستفاده دیگران از احساسات و خشم شما، آشوب و هرج و مرج و شورش نیز به بار آورد. موج اعتصابها نیز که بسیاری از آنها برحق بود، اخیراً تغییر ماهیت و جهت یافت تا چرخهای اقتصاد مملکت و زندگی روزمره مردم باز ایستد و حتی جریان نفت که زندگی مملکت به آن بستگی دارد، قطع گردد تا عبور و مرور روزانه و تامین مایحتاج زندگی مردم نیز تعطیل شود.

ناامنی، اغتشاش، شورش و کشتار در بسیاری از نقاط میهنمان به جایی رسیده است که استقلال مملکت را در خطر انداخته است. وقایع اسف باری که پایتخت را دیروز به آتش کشید، برای مردم و مملکت، دیگر قابل ادامه و تحمل نیست.

در پی استعفای دولت و برای جلوگیری از اضمحلال مملکت و از بین رفتن وحدت ملی، برای جلوگیری از سقوط و هرج و مرج و آشوب و کشتار و به منظور برقراری حکومت قانون و ایجاد نظم و آرامش، تمام کوشش خود را در تشکیل یک دولت ائتلافی مبدول داشتیم و فقط هنگامی که معلوم شد امکان انجام این ائتلاف نیست، به ناچار یک دولت موقت را تعیین کردیم.

من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج، این امکان وجود دارد که اشتباه‌های گذشته و فشار و اختناق تکرار شود. من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به نام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار، این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود. اما من به نام پادشاه شما، که سوگند خورده‌ام که تمامیت ارضی مملکت،

روحانی و مذهبی جامعه، و پاسداران اسلام و به خصوص مذهب شیعه هستند تقاضا دارم تا با راهنماییهای خود و دعوت مردم به آرامش و نظم، برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بکوشند.

من از رهبران فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم راه مبارزه اصولی برای برقراری یک دموکراسی واقعی را هموار کنند. من، از شما پدران و مادران ایرانی که مانند من نگران آینده ایران و فرزندان خود هستید می‌خواهم که با راهنمایی آنان مانع شوید تا از راه شور و احساسات در آشوب و اغتشاش شرکت کنند و به خود و میهنشان لطمه وارد سازند.

من، از شما جوانان و نوجوانان که آینده ایران متعلق به شماست می‌خواهم میهنمان را به خاک و خون نکشید و به امروز خود و فردای ایران ضرر نزنید.

من، از شما رهبران سیاسی جامعه می‌خواهم تا به دور از اختلافهای عقیدتی و با توجه به موقعیت تاریخی حساس و استثنایی کشورمان نیروهای خود را برای نجات میهن بکار برید.

من، از همه شما کارگران و کارکنان و دهقانان که با کوششهای خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورید، می‌خواهم تا با فعالیت هرچه بیشتر در حفظ و احیای کشور بکوشید.

من، از همه شما هموطنان عزیزم می‌خواهم تا به ایران فکر کنید. همه به ایران فکر کنیم. در این لحظات تاریخی بگذارید همه با هم به ایران فکر کنیم.

بدانید که در راه انقلاب ملت ایران علیه استعمار، ظلم و فساد، من در کنار شما هستم و برای حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی و حفظ شعایر اسلامی و برقراری آزادیهای اساسی و پیروزی و تحقق خواستها و آرمانهای ملت ایران، همراه شما خواهم بود.

امیدوارم در روزهای خطیری که در پیش داریم، خداوند ما را مورد عنایت و لطف خود قرار دهد و همواره مؤید و حافظ ملک و ملت ایران باشد. ان شاء الله»

وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی عشری را حفظ کنم بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی قانونی و ظلم و فساد، دیگر تکرار نشود. بلکه خطاهای گذشته از هر جهت جبران نیز گردد. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش، در اسرع وقت یک دولت ملی برای حفظ آزادیهای اساسی و انجام انتخابات آزاد تعیین شود، تا قانون اساسی که خون بهای انقلاب مشروطیت است به صورت کامل به مرحله اجرا درآید.

من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم. من، حافظ سلطنت مشروطه، که موهبتی است الهی که از طرف خداوند به پادشاه تفویض شده است هستم، و آن چه را که شما برای به دست آوردنش قربانی داده‌اید تضمین می‌کنم.

حکومت ایران در آینده براساس قانون اساسی، عدالت اجتماعی و اراده ملی و به دور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود.

در وضع فعلی، برقراری نظم و آرامش برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال ایران وظیفه اصلی نیروهای مسلح شاهنشاهی است که همیشه با حفظ ماهیت ملی خود متکی برملت ایران و وفادار به سوگندهای خود بوده و هست.

باید با همکاری شما هموطنان عزیزم این نظم و آرامش هرچه زودتر برقرار شود. تا دولت ملی بعدی که استقرار آزادیها، اجرای اصلاحات به خصوص برقراری انتخابات آزاد را بر عهده داشت، در اسرع وقت کار خود را شروع کند.

من و شما، در این سی و چند سال وقایع حساس را دیده‌ایم و خطرات بسیار را پشت سرگذاشته‌ایم. امیدوارم در این لحظات حساس و خطیر و سرنوشت ساز، خداوند بزرگ ما را مسمول عنایت خود فرماید تا بتوانیم در کنارهم به هدفهای اصلی که آسایش و رفاه و آزادی و سربلندی ایران و ایرانی است، برسیم.

من، در این جا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران

این نتیجه رسیده بود که فرستادن آن پیام، بزرگترین اشتباه سیاسی‌اش بوده است.

دیرتر، در بهار ۱۹۸۰ در قاهره، در دیدارهای طولانی که داشتیم، شاه همواره و با پافشاری به آن دوره پایانی پادشاهی‌اش بازمی‌گشت. از احساس پشیمانی رنج می‌کشید: که چرا در زمان مناسب به پاره‌ای کارها دست نزنده تا انتقاداتی را که در درون کشور می‌شد بی‌اثر کند و مردم را بیشتر متوجه دسیسه‌های خارجی سازد، نادم بود که به آمریکاییان اعتماد کرده و گمان کرده که در جهت‌گیری‌های سیاسی آنان منطقی وجود دارد، به ویژه افسوس می‌خورد که میهنش را در کف «گروهی جنایتکار و غارتگر» رها کرده است. او این ندامت و افسوس را در گفتگو با چند نشریه خارجی، و به ویژه یک هفته نامه معتبر مصری که سادات رئیس جمهوری مصر به او توصیه کرده بود، مورد تأکید قرار داد.

در مورد آن پیام کذاب، می‌گفت کنکاشایی کرده و به این نتیجه رسیده که سوای قطبی و نصر، چند تن دیگر که از مدت‌ها پیش، یا در آن اواخر دور و بر شهبانو می‌پلکیدند، منتش را نوشته‌اند. شاه یکی از دوستان نزدیک شهبانو و دو تن از رهبران پیشین کنفدراسیون (سازمان کوچکی از جوانان تندروی ایرانی که به نوشته کنت دومرانس منابع آمریکایی خرجش را می‌دادند) را متهم به طرح ریزی و اجرای آن توطئه می‌کرد. توضیح می‌داد: «این دو گرداننده کنفدراسیون بدون آن که کسی مانع‌شان شود، وارد ایران شده بودند. بالاخره هر ایرانی می‌تواند به کشور خود باز گردد و ما از چنین افراد هوشمند و درخشان باکی نداشتیم

داشته‌اند، بسیار امکان دارد که سفارت آمریکا، حتی پیش از آن که نوشته به دست شاه برسد، از محتوای آن آگاه بوده است. به هر حال پاسخ سفیر ایالات متحده، محتاطانه و براساس ادب دیپلماتیک بود.

سراآنتونی پارسونز نیز کمابیش به همان گونه رفتار کرد و گفت که هنوز فرصت مطالعه متن را نیافته است. ولی افزود: آقای عبدالکریم لاهیجی (از سران شناخته شده مخالفان که از افراطی‌ترین‌شان به حساب نمی‌آمد) تلفن کرده و گفته از پیام راضی است!

محمدرضا شاه، هنگامی که از این واکنشها آگاه شد، هیچ بر زبان نیاورد، اما با اندوهی بی‌پایان، لبخند زد. مردی که گاه با غرور و پاره‌ای اوقات با تحقیر، اما البته با ادبی که ویژه او بود، با نمایندگان برخی از قدرتهای جهانی رفتار می‌کرد، و این رفتار تنها برای نمایش اهمیت پیشرفت و جایگاه کشورش بود، و می‌گفت: «این کشور، درخت بلوط است، نه نی»، ضعف خویش را احساس می‌کرد و به ژرفی رنج می‌کشید.

اقرار به اشتباه

در سپتامبر ۱۹۷۹، که من مدتی در مکزیك به سر بردم، شاه مدتی دراز از آن دوره سخن گفت: «اشتباه کردم که در بیست به آدمهایی اعتماد کردم که لیاقتش را نداشتند... بیشتر اوقات، سخنرانی‌هایم نوشته‌ای نداشت و اندک بود زمانهایی که از یادداشت استفاده می‌کردم... در چند موقعیتی هم که می‌بایست متنی را بخوانم، از پیش با دقت مرور می‌کردم و بیشتر اوقات در آن دگرگونی‌هایی

پیام زیبا ولی محنت انگیزی بود که پی آمدهای بدی به بار آورد. مردم از آن، تنها بخش «صدای انقلاب شما را شنیدم» را به یاد سپردند. تا آن روز، هرگز واژه‌های انقلاب به زبان نیامده بود. از آن لحظه بود که این واژه، با همه مفاهیمش، رسمیت یافت. متن پیام اقلا در پنج مورد اعتراف شاه را به نقض قانون اساسی، و سوگند او را، که از آن پس رعایتش کند و ضامنش باشد در بر می‌گرفت. به این ترتیب، کاری کردند که او پیمان شکنی را برگردن گرفت.

سراآنتونی پارسونز سفیر انگلستان در یادداشت‌های روزانه اش نوشت: «آیا شاه به راستی مفهوم سخنی را که می‌گفت می‌دانست؟» درست تر بگوییم، سخنانی که وادارش کردند بگوید، اما در نهایت خودش تنها مسئولش بود.

پیامی که پخش شد، تأثیر مورد نظر را به بار نیاورد. دگرگونی‌ای که به شاه امید داده بودند پدید می‌آید، ایجاد نشد. برای رسیدن به آن مقصود، به لحنی دیگر و واژه‌هایی دیگر نیاز بود، نه این نوشته زیبا، اما رقت انگیز محنت بار، که ناقوس مرگ سلطنت در ایران بود. محمدرضا شاه بسیار زود و با تلخکامی این را دریافت.

آن شب، حدود ساعت هفت، اصلا ن افشار در دفتر خود در کاخ - که سه اتاق کوچک آن را از دفتر کار بزرگ شاه جدا می‌کرد - نشست و سرگرم کار بود. ناگهان در گشوده شد، بی آنکه کسی در زده یا ورود کسی را خبر داده باشند. بهت زده شاه را دید. هرگز دیده نشده بود که به دفاتر کاخ برود. اصلا ن افشار به نشانه احترام به پا خاست و تعظیم کرد.

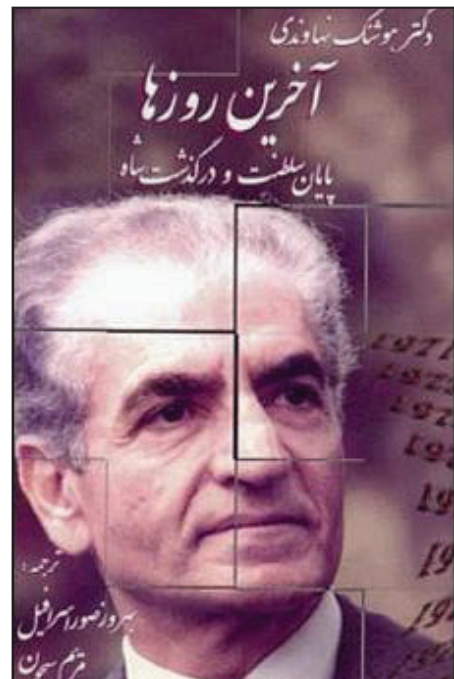


پیام رادیو - تلویزیونی شاه

(بدون آن که دیده باشند، آنها را خوب می‌شناخت). اما چگونه می‌شود توجیه کرد که یکی از آنان تا آن حد مورد حمایت مالی و سیاسی هویدا قرار گرفته، و دیگری سمتی بسیار مهم در تلویزیون داشته باشد؟ چگونه می‌شود توجیه کرد که... (اشاره‌اش به نفر نخست بود) چندین بار بدون اطلاع من به خانه ما آمده باشد؟ (به دعوت شهبانو به کاخ) «البته همه اینها، گرچه پذیرفتنی می‌نمود، گمانه‌زنی بود. او به ویژه کینه ژرفی از رضا قطبی که سالهای دراز آشکارا او را تحسین کرده بود، در دل داشت. در نخستین سفرم به قاهره، چهارنفری در یکی از تالارهای کاخ قبه ناهار می‌خوردیم: شاه، شهبانو، خانم پیرنیا (پزشک خاندان سلطنتی) و

می‌کردم. در آن روز ویژه، چنان دست‌پاچه‌ام کردند که به راستی حتی زمان لازم را نداشتم تا بر آن چه قرار است بخوانم، نگاهی بیاندازم! به همین دلیل چندین بار تپق زدم و واژه‌ها را نادرست خواندم... بدبختانه باید بگویم که در آن موقعیت، به من به راستی خیانت شد. زیرا، به گونه‌ای، مرا داشتند که اندیشه خود را کنار بگذارم و چیزهایی را بگویم که نمی‌خواستم و نباید می‌گفتم.»

متهم کردن آنان که فرستادن آن پیام شوم و در حقیقت آزر مرگ پادشاهی را پیشنهاد کردند و سپس آن متن را نوشتند و او را وادار به خواندن کردند، به حق ناشناسی و خیانت، اندک اندک همه افکار او را تسخیر کرد. شاه و البته نه بی‌دلیل، به



شاه اشاره کرد که سرجایش بنشیند. او طبیعتاً، اما با شگفتی بسیار نشست. شاه صندلی را برداشت و پیش روی رئیس کل تشریفات خود نشست.

- به سالیوان (سفیر ایالات متحده آمریکا) و پارسونز (سفیر انگلستان)، البته از سوی خودتان تلفن کنید و نظرشان را پیرامون پیام من بپرسید. اصلا ن افشار چنان کرد. امکان نداشت دو سفیر، معنای آن تماس تلفنی را درنیافته باشند.

ویلیام سولیوان گفت که همکاری‌اش سرگرم ترجمه متن پیام هستند که پس از آماده شدن باید به واشنگتن فرستاده شود، و هنوز آن را دریافت نکرده است. با وجود افرادی که شاه، البته بعدها، گمان می‌کرد در نطفه بندی و اجرای توطئه دست



علی اکبر ولایتی

تکذیب خبر «پرواز مستقیم» تهران به قاهره؛ علی اکبر ولایتی: مصحلت کشورهای منطقه اتحاد علیه اسرائیل است!

در مورد «عادی سازی روابط با مصر» و «صدور ویزا» گفته «هیچ موضع رسمی در ارتباط با این موضوع را دریافت نکرده ایم. اظهاراتی که مطرح شده هنوز از سوی مراجع دو کشور مطرح نشده است. موضع خود را در رابطه با مصر بارها بیان کرده ایم. ایران در پاسخ به هرگونه اقدام مثبتی که از سوی دولت و مقامات مصر در روابط با ایران صورت گیرد، حتماً پاسخ متقابل خواهد داد. اینکه اخباری در این زمینه منتشر شده هنوز راستی آزمایی نشده و از اظهار نظر در این زمینه اجتناب می‌کنم.»

وی تأکید کرده برای جمهوری اسلامی رابطه با کشورهای مسلمان منطقه در اولویت است. از سوی دیگر، علی اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل به شبکه الجزیره گفته است «از سرگیری روابط با مصر کشور می‌تواند منطقی نوین در منطقه و مناسبات بین‌المللی شکل دهد.»

وی توضیح داده «روابط ایران و مصر قطعاً در توازن منطقه‌ای و ایجاد یک قطب جدید در خاورمیانه و جهان قابل توجه خواهد بود.» وی اما همزمان تهدید کرد «مصحلت کشورهای منطقه در تعامل و اتحاد مقابل صهیونیست‌ها است.» و «واقعیت این است که آنچه جمهوری اسلامی از بهبود روابط با کشورهای منطقه تصور می‌کند و به عنوان هدف در نظر دارد، اتحاد علیه اسرائیل است؛ چنانکه ولایتی نیز در همین مصاحبه به صورت مشخص به آن اشاره کرده و مدعی شده یکی از علل تغییر رویکرد جمهوری اسلامی نسبت به عربستان همین واقع‌بین‌تر شدن مواضع آن کشور علیه صهیونیست‌هاست!

این در حالیست که توهم اتحاد جمهوری اسلامی و کشورهای عربی علیه اسرائیل نه تنها در طول بیش از چهار دهه شکل نگرفت بلکه سیاست‌های سلطه‌جویانه و تخریبی تهران به یکی از زمینه‌هایی تبدیل شد که به «پیمان ابراهیم» و تلاش برای عادی شدن مناسبات اسرائیل و کشورهای عرب انجامید. در مقابل، جمهوری اسلامی فقط توانست با گروه‌های تروریستی دست‌ساخت خود متحد شود و به تقویت گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامی در منطقه بپردازد. زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» که اخیراً در تهران با علی خامنه‌ای دیدار کرد، ۱۱ تیرماه در مصاحبه با روزنامه «الوفاق» گفت پول‌هایی که جمهوری اسلامی می‌دهد صرف خانواده‌های فلسطینی و تهیه سلاح علیه اسرائیل می‌شود. بسیاری تحلیلگران معتقدند آنچه در منطقه می‌گذرد «توافقی‌های امنیتی» زودگذر با تفاهم‌هایی مقطعی جهت کاهش شدت درگیری‌هاست و ناپایدارتر از آن است که جمهوری اسلامی بتواند روی آنها به عنوان توافق‌های عادی و بلندمدت حساب باز کند.

● جمهوری اسلامی به دنبال عادی ساختن روابط خود با مصر است. علی اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل روز یکشنبه ۱۱ تیرماه در مصاحبه با شبکه الجزیره عنوان کرد «از سرگیری روابط با کشور مصر می‌تواند منطقی نوین در منطقه و مناسبات بین‌المللی شکل دهد.»

● همزمان خبرگزاری‌های داخلی ایران به نقل از انجمن خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی گزارشی دادند «حداکثر تا ۴۵ روز آینده اولین گردشگران ایرانی به مصر سفر می‌کنند.» حتی تأکید شده بود این «اولین پرواز مستقیم به صورت نمادین» بین تهران و قاهره است! اما این خبر ساعاتی بعد از خروجی وبسایت «تسنیم» حذف شد!

● محمد حسین سلطانی‌فرد رئیس دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی در قاهره با رد این خبر گفت: «اظهارات اخیر در خصوص پرواز نمادین بین تهران و قاهره و سفر مدیرکل گردشگری مصر از طریق کانال‌های رسمی صورت نگرفته و صحت و سقم این اظهارات مورد تأیید نیست.»

● این در حالیست که توهم اتحاد جمهوری اسلامی و کشورهای عربی علیه اسرائیل نه تنها در طول بیش از چهار دهه شکل نگرفت بلکه سیاست‌های سلطه‌جویانه و تخریبی تهران به یکی از زمینه‌هایی تبدیل شد که به «پیمان ابراهیم» و تلاش برای عادی شدن مناسبات اسرائیل و کشورهای عرب انجامید.

جمهوری اسلامی به دنبال عادی ساختن روابط خود با مصر است. علی اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل ۱۱ تیرماه در مصاحبه با شبکه الجزیره عنوان کرد «از سرگیری روابط با کشور مصر می‌تواند منطقی نوین در منطقه و مناسبات بین‌المللی شکل دهد.»

همزمان خبرگزاری‌های داخلی ایران به نقل از انجمن خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی گزارشی دادند «حداکثر تا ۴۵ روز آینده اولین گردشگران ایرانی به مصر سفر می‌کنند.» حرمت‌الله رفیعی در همین ارتباط گفته است «با توجه به اینکه کنسولگری و سفارت در مصر نداریم با همکاری عراق گردشگران ایرانی را به مصر اعزام خواهیم کرد.»

حتی تأکید شده که این «اولین پرواز مستقیم به صورت نمادین» بین تهران و قاهره است! اما این خبر ساعاتی بعد از خروجی وبسایت «تسنیم» حذف شد!

محمد حسین سلطانی‌فرد رئیس دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی در قاهره با رد این خبر گفت: «اظهارات اخیر در خصوص پرواز نمادین بین تهران و قاهره و سفر مدیرکل گردشگری مصر از طریق کانال‌های رسمی صورت نگرفته و صحت و سقم این اظهارات مورد تأیید نیست.» ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز

من. پیشخدمتی آمد و به شهبانو گفت که او را پای تلفن می‌خواهند. او پوزش خواست و از سر میز برخاست. شاه اندکی عصبی گفت: «به ناهارتان ادامه بدهید، شاید به درازا بکشد.» شهبانو بیست دقیقه بعد بازگشت. شاه از جایش برخاست. براساس اصول تشریفات خانم پیرنیا و من نیز به پیروی از او در جای‌مان ماندیم. شهبانو، با ظرافت و مهربانی بسیار گفت: «رضا قطبی به شما عرض ادب کرد.» اما مشت محکم شاه میز را به لرزه درآورد. به گونه‌ای که بشقابهای ما به هوا پرید، و سپس واژه ناخوشایندی بر زبان آورد. صحنه ناراحت کننده‌ای بود و شاید واکنشی اغراق آمیز. آخر مگر شاه خود نپذیرفته بود که آن سخنرانی محنت بار را بکنند؟ و مگر پس از آن، با دلیری و وقار، پی آمدهای آن را به جان نخریده بود؟

با این حال، بخشی از مسئولیت آنان که این مرد دردمند، بیمار و خسته را وادار به خواندن آن متن کردند، انکارکردنی نیست.

تشکیل دولت نظامی

تشکیل دولت بسیار موقت که رئیس ستاد کل ارتش مامور تشکیل آن شده بود، دیرننگام شب ۶ تا ۷ نوامبر اعلام شد، اکثریت اعضای آن را نظامیان تشکیل می‌دادند. البته بسیاری از آنان زود جای خود را به جانشینان غیرنظامی دادند. گفته می‌شد آن دولت با هدف «آرام کردن» اوضاع روی کار آمده است.

ارتشبد ازهاری در میان عامه مردم شهرت چندانی نداشت. افسری بسیار فرهیخته بود که هیچ نقطه ضعفی در زندگی خصوصی و حرفه‌اش وجود نداشت. انسانی صادق و آداب دان بود. اما افسری نیرومند که بتواند با وضعیت انقلابی رویارو شود، شناخته نمی‌شد. به پادشاه نیز گفته بود که نخست وزیری را فقط از سر انجام وظیفه پذیرفته است. بدان سبب که سرباز، باید از فرمانده‌اش اطاعت کند. او تنها یک فرمانده داشت که بزرگ ارتشتاران بود، یعنی شاه. هیچ کس در برابر انتخاب او واکنشی نشان نداد. حتی سخت‌ترین دشمنان رژیم نیز نمی‌توانستند از او انتقادی کنند. زیرا علاوه بر داشتن گذشته‌ای بی‌خلل، از هر جاه‌طلبی نیز بری بود. در میان پیرامونیان او، این عقیده بود که به جای نگهداشتن او در ریاست ستاد کل ارتش پس از گذر از سن بازنشستگی، بهتر است هرچه زودتر بازنشسته و در صورت امکان به سفارت در کشوری آرام فرستاده شود. چیزی که در مورد او کاملاً محتمل بود. رئیس ستاد پیش از او را به سفارت در مادرید فرستاده بودند و بسیار نیز شادمان و موفق بود.

با این حال، ازهاری با ماموریت تازه‌اش کنار آمد. با وجود آثار پیام نشانه خورده از ناتوانی شاه، حضور ارتشیان در دولت، شورشیان را به اندیشه و می‌داشت. آرامش بازگشت. روال زندگی عادی از سر گرفته شد. بعد از ظهر روز ۷ نوامبر، تهران چنان به نظر می‌رسید که گویی چند ساعت پیش، در آن هیچ روی نداده است. به همین ترتیب، شهرستانها نیز آرام شد. اعتصابها در صنعت نفت، ذوب آهن و ادارات دولتی پایان گرفتند. در تلویزیون چند افسر جوان با لباس نظامی، جای گویندگان همیشگی اخبار شب را گرفتند. این یکی از معدود مواردی بود که یک مورد از طرح «خاش» به اجرا درآمد. در بازار، معدود بازرگانان نافرمان، با دیدن یک یا دو افسر ارتش یا شهرداری که آمدند و آنان را به بازگشایی بنگاه‌هایشان فراخواندند، فوراً گردن نهادند.

وزیران نظامی، با لباس ارتشی در مراسم دست به دست شدن مسئولیت در وزارتخانه‌های‌شان حضور یافتند. پاره‌ای جاها اندک نگرانی وجود داشت، اما در همه جا اغلب کارمندان سرکارشان بودند و اندکی بهت زده، اما مؤدب و حتی به گرمی از وزیران تازه استقبال کردند. (ادامه دارد)

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

شاخص کنترل فساد نسبت به برنامه ششم توسعه بدتر شده است

«توسعه نظام اداری و بوروکراسی مقدم بر سایر ارکان توسعه است؛ زیرا در سایه نظام اجرایی توانمند، اهداف و آرمان‌های توسعه محقق می‌شود. بررسی کیفیت نظام اداری در کشور حاکی از آن است که با وجود تکثر برنامه‌ها و ضوابط اجرایی پیش‌بینی شده در قوانین و برنامه‌های تحول نظام اداری، ویژگی‌های کارکردی بوروکراسی نیازمند تقویت است.»

در ادامه آمده که «ضروری است که با نگاهی واقع‌بینانه و مسئله‌محور در خصوص تدوین راهبردها و رویکردهای اصلاح نظام اداری در لایحه برنامه هفتم توسعه اقدام شود. در این رویکرد به جای تمرکز بر معلول‌ها باید بر علل و عوامل اصلی تمرکز شود. برای نمونه، بررسی شواهد تاریخی، وضعیت موجود نظام اداری و مطالعات و تحقیقات صورت گرفته موید آن است که بخش عمده‌ای از عدم اجرای ضوابط و احکام مربوط به مقوله‌هایی چون اندازه دولت، عدم تمرکز، استخدام و انتصاب کارکنان و مدیران شایسته، فساد و... معلول سیاست‌زدگی منفی در نظام اداری است. موضوعی که در قوانین و برنامه‌های نظام اداری مورد توجه لازم قرار نگرفته است.»

همانطور که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اشاره شده وضعیت «فساد» در ایران طی سالهای گذشته بدتر شده است. ساختاری که جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته در ایران ایجاد کرده، ساختاری مبتنی بر رانت و رابطه است و مافیاهای وابسته به حکومت به حدی قدرتمند شده که تا رأس حکومت نفوذ پیدا کرده و در عمل اقتصاد و توزیع منابع و فرصت‌ها را در دست دارند.

آمارهای بین‌المللی نیز گویای وضعیت نامطلوب ایران در زمینه فساد است. ایران در مورد شاخص «ادراک از فساد (CPI)» که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را در میان سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد، در قعر جدول رتبه‌بندی قرار دارد. در آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل ایران امسال از نظر فساد در میان ۱۸۰ کشور جهان، با کسب ۲۵ امتیاز در رتبه ۱۴۷ قرار گرفته و از فاسدترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. ایران در فهرست امسال نسبت به سال گذشته سه پله سقوط کرده است و حتی پایین‌تر از کشورهایمانند اوگاندا، موزامبیک، ماداگاسکار، لیبیا، کامرون، پاکستان، و قرقیزستان قرار دارد. احسان سلطانی پژوهشگر اقتصادی، فساد در ایران را نوعی فسادسیستماتیک می‌داند و معتقد است که فساد رسمی و قانونی ابعادی به مراتب بیشتر و گسترده‌تر از فساد غیررسمی دارد.

آلبرت بغزبان استاد اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران یکی از دلایل فساد اقتصادی را در قوانین و طرح‌هایی می‌داند که از ابتدا پیش‌بینی فساد در آنها آسان بود اما اراده‌ای برای جلوگیری از آن وجود نداشت. بغزبان معتقد است، «در نظام سیاسی ایران، تصمیم‌گیری‌ها گاهی برای انجام فساد است. تصمیماتی که مشابه خارجی نداشتند و سوء استفاده از آن هم بسیار واضح بوده است. بخشی از این تصمیمات مربوط به خوش‌خیالی قانونگذار است که قانونی را وضع می‌کند که بعدها از آن سوء استفاده می‌شود. ولی بخش دوم که خیلی قوی‌تر است این است که به نظر آگاهانه چنین اتفاقی می‌افتد، مثل روز روشن است که سوء استفاده می‌شود.»



توسعه بوده است. همچنین شاخص کنترل فساد در ایران و شرایط کنونی کشور (ابتدای برنامه هفتم توسعه) نسبت به دوره آغاز برنامه ششم ضعیف‌تر است و روند تغییرات کنترل فساد در ایران در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ نزولی بوده است. این شاخص در سال ابتدایی برنامه دوم توسعه منفی ۴۸/۰ و در سال ۱۴۰۰ یعنی سال پایانی برنامه ششم منفی ۱/۱ بود.

نظام اداری در کشورهای در حال توسعه دارای دو کارکرد اصلی ارائه خدمات عمومی روتین و راهبری و اجرای برنامه‌های توسعه است اما بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «با توجه به وضعیت شاخص‌های بررسی شده به نظر می‌رسد بوروکراسی دولت در خوشبینانه‌ترین حالت، صرفاً توانایی حل مسائل و مشکلات روتین حوزه خدمات عمومی را خواهد داشت. با توجه به وضعیت شاخص‌های مورد بررسی، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نظام اداری، صرفاً توانایی حل مسائل و مشکلات روتین حوزه خدمات عمومی را خواهد داشت. از این رو ضروری است که تدابیر و راهبردهای جهادی و تحول‌آفرین در جهت ایجاد و نهادینه‌سازی بوروکراسی توسعه‌گرا، توانمند و تحول‌آفرین در اولویت برنامه‌های دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.»

اینهمه در حالیست که به عقیده پژوهشگران این مرکز در برنامه هفتم توسعه نیز آسیب‌شناسی موثری درباره کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌های توسعه نظام اداری در ایران صورت نگرفته است. این گزارش با بیان اینکه «بخش اعظمی از ناکارآمدی نظام اداری برآمده از عوامل سیاسی و خارج از بوروکراسی از قبیل نظام قانونگذاری، نظام بودجه‌ریزی و نظام آموزش است» تأکید کرده که «با توجه به اهداف گزارش حاضر ارزیابی کیفیت نظام اداری در آستانه آغاز برنامه هفتم توسعه وضعیت کنونی، کاستی‌ها و آسیب‌های برنامه‌ریزی توسعه مورد بررسی کارشناسی قرار نگرفته است.»

در بخشی از این گزارش آمده که «این گزارش تأکید می‌کند:

● شاخص کنترل فساد در حال حاضر نسبت به دوره آغاز برنامه ششم ضعیف‌تر است. این شاخص در سال ابتدایی برنامه دوم توسعه منفی ۴۸/۰ و در سال ۱۴۰۰ یعنی سال پایانی برنامه ششم منفی ۱/۱ بوده است.

● به عقیده پژوهشگران این مرکز، در برنامه هفتم توسعه نیز آسیب‌شناسی موثری درباره کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌های توسعه نظام اداری در ایران صورت نگرفته است.

● در آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل ایران امسال از نظر فساد در میان ۱۸۰ کشور جهان، با کسب ۲۵ امتیاز در رتبه ۱۴۷ قرار گرفته و از فاسدترین کشورهای جهان محسوب می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که شاخص کنترل فساد در حال حاضر نسبت به ابتدای برنامه ششم توسعه وضعیت بدتری پیدا کرده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با هدف علل و عوامل اساسی تأثیرگذار در تحقق نیافتن اهداف برنامه‌های توسعه و تجربه‌آموزی از آن، گزارشی با عنوان «نظام اداری و مدیریت توسعه در ایران: ارزیابی آمادگی و کیفیت بوروکراسی در کشور» منتشر کرده است.

در این گزارش آمده که شاخص‌های اصلی کیفیت نظام اداری (بوروکراسی) با برنامه‌ها و وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «شاخص‌های فساد» را یکی از مواردی دانسته که نه تنها با وضعیت مطلوب فاصله دارد بلکه وضعیت این شاخص نسبت به ابتدای برنامه ششم توسعه بدتر نیز شده است. همچنین تأکید شده که فقدان منابع اطلاعاتی داخلی در خصوص میزان و نحوه تغییرات فساد در نظام اداری کشور، خود چالشی در مدیریت توسعه است.

این گزارش توضیح داده که «پدیده فساد جزو پدیده‌های کاهنده سرعت و افزایش آنتروپی [بی‌نظمی و آشفتگی] محسوب می‌شود. تاکنون تعریف‌های متعددی برای فساد ارائه شده است. برخی پژوهشگران معتقدند فساد سوء استفاده از اختیارات، برای کسب سود شخصی است. برخی دیگر آن را ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از سیستم اداری تلقی می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران نیز معتقدند که فساد سوء استفاده از امکانات عمومی برای منافع شخصی است. فساد در نظام اداری، دارای پیامدهای منفی است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «فساد موجب کاهش اعتماد عمومی به دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌شود؛ همچنین بی‌تفاوتی، تبلی و بی‌کفایتی را در سطح دستگاه‌های اجرایی و جامعه افزایش می‌دهد؛ فساد ارزش‌های اخلاقی را متزلزل کرده و هزینه‌های انجام کارها را افزایش می‌دهد و موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی و از بین بردن سرمایه اجتماعی می‌شود.»

همچنین با اشاره به اینکه «فساد هزینه‌های توسعه را افزایش می‌دهد» آمده که بهترین شرایط در خصوص کنترل فساد در سال‌های اجرای برنامه سوم و سپس برنامه چهارم

تا انقلاب مهدی...!؟



زنان آنها را وادار به انتقال این مسئولیت به اصناف و کارگزاران اداری در حوزه خدمات عمومی کرده است. این تحركات مشکلات زیادی هم برای شهروندان ایجاد کرده و هم برای اصناف و مسئولان خدمات عمومی که حوزه شغلی آنها هیچ تناسبی با جرم جویی و اجرای قوانین عفاف و حجاب ندارد!

دکتر علی اکبر مهدی در ادامه می‌گوید: «تضادها و تقابل ایجاد شده ناشی از این برنامه آنقدر مضحک و مخرب است که حتی بسیاری از کارگزاران و ایدئولوگ‌های نظام را وادار به اعتراض به این عملیات کرده است. آنها معتقدند که اینگونه سیاست‌ها باعث شکاف و تضادهای تخریبی «بین مردم» خواهد شد. برعکس، من معتقدم که این سیاست‌های مخرب نه تنها شکاف بین «دولت و مردم» را بیشتر می‌کند، بلکه آنها را خشمگین و تشویق به مقاومت و مخالفت بیشتر با جمهوری اسلامی می‌سازد.»

از سوی دیگر، به عنوان نشانه‌ای از ناموفق بودن سیاست‌های حکومت اسلامی در تحمیل حجاب اجباری، گزارش‌های فراوانی از حضور فزاینده زنان و دختران بی‌حجاب و کم‌حجاب در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود که بیانگر تصویری به کلی متفاوت از سیاست‌های تحمیلی حکومت است.

دکتر علی اکبر مهدی در همین ارتباط به ضرورت حفظ امنیت شهروندان اشاره کرده و توضیح می‌دهد: «بازتاب دادن پدیده‌های اجتماعی توسط رسانه‌ها امریست لازم. لیکن، با توجه به ماهیت استبدادی نظام و برخوردهای امنیتی، عکسبرداری و پخش آن باید با احتیاط و ملاحظه هزینه امنیتی پخش و انتشار برای افرادی که در عکس و فیلم نشان داده شده‌اند باشد. عکس و فیلم باید با اجازه مستقیم این افراد را داشته باشد یا به گونه‌ای ارائه شود که هویت فردی آنها مشخص نباشد.» وی تأکید می‌کند: «نمایش عکس‌ها، اگر با مسئولیت انجام گیرد، هم منعکس کننده واقعیت‌های جاری در جامعه است و هم به کنشگری‌های شهروندان در جهت مقابله با محدودیت‌های تحمیلی حاکمیت یاری می‌رساند.»

بس فراتر از «اصول پنجگانه» دین اسلام دارد؛ هیچ فساد، عمل خلاف، بزهکاری، قانون‌شکنی و جرم و جنایتی - به هر حجم و اندازه - با آن قابل مقایسه نیست؛ حق زندگی را از نادیده‌گیرندگانش عملاً سلب می‌کند و آنها را در کنار مرتکبین جرائم بزرگ می‌نشانند.

واکنش مقامات جمهوری اسلامی به این عمل - نادیده گرفتن حجاب اجباری - اغلب در غیرانسانی‌ترین و گاه مضحک‌ترین شکل‌ها نشان داده می‌شود، که پلمب کردن فروشگاه‌ها، مراکز خرید و فروش، نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مردمی و - خنده‌دارتر از همه بستن پارک‌ها و پل‌ها - از آن جمله هستند.

اما معنای اینگونه اعمال چیست؟

دکتر علی اکبر مهدی جامعه‌شناس پلمب کردن سینماها و فروشگاه‌ها، و اخیراً مراکز جمعی و عمومی مثل پل‌ها و پارک‌ها را دنباله سیاست‌های سلبی و تحمیلی رژیم در مورد پوشش شهروندان به ویژه زنان می‌داند. این استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه نورتریج کالیفرنیا به کیهان لندن می‌گوید: «از ابتدا هدف اجباری کردن حجاب در جمهوری اسلامی تغییر ذهنیت فرهنگی در مورد نقش و حضور زنان در جامعه و کنترل بدن آنها بود. این سیاست هم از نظر فرهنگی، و حتی دینی، و هم از نظر اجرایی، ناموفق بوده است و خود زنان از اولین گروه‌های اجتماعی مخالف و معترض به این نوع سیاست بوده‌اند. بیش از چهار دهه تحمیل این سیاست‌های مستبدانه و مخالف حقوق شهروندی یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده در ایجاد جنبش اعتراضی جدید «زن، زندگی، آزادی» در جمهوری اسلامی بوده است.»

وی با اشاره به «شکست جمهوری اسلامی در کنترل و تحمیل حجاب به زنان در حوزه‌های اجتماعی - رفتاری» می‌افزاید که این شکست «امروز مسئولان را وادار به مضحک‌ترین و بی‌معنی‌ترین شیوه‌های برخورد با خودمختاری زنان در مورد پوشش خود کرده است. عدم موفقیت نیروی انتظامی در مقابله با خوداختاری پوششی

● واکنش مقامات جمهوری اسلامی به نادیده گرفتن حجاب اجباری توسط شهروندان، اغلب در غیرانسانی‌ترین و گاه مضحک‌ترین شکل‌ها نشان داده می‌شود، که پلمب کردن فروشگاه‌ها، مراکز خرید و فروش، نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مردمی و - خنده‌دارتر از همه بستن پارک‌ها و پل‌ها - از آن جمله هستند.

● دکتر علی اکبر مهدی جامعه‌شناس: «از ابتدا هدف اجباری کردن حجاب در جمهوری اسلامی تغییر ذهنیت فرهنگی در مورد نقش و حضور زنان در جامعه و کنترل بدن آنها بود. این سیاست هم از نظر فرهنگی، و حتی دینی، و هم از نظر اجرایی، ناموفق بوده است و خود زنان از اولین گروه‌های اجتماعی مخالف و معترض به این نوع سیاست بوده‌اند.»

همایون مجد - ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در جلسه هیات دولت گفته است: «بنا به فرموده مقام معظم رهبری، بخشی از افراد از روی غفلت مرتکب کشف حجاب می‌شوند و نمی‌دانند که در زمین چه کسی بازی می‌کنند، لذا باید به آنان آگاهی داده شود. اما بخشی از این افراد نیز از روی غرض و با اراده، به دنبال برهم ریختن نظم اجتماعی کشور هستند، که باید با تدبیر و درایت و براساس قانون برخورد لازم صورت پذیرد.»

در همین ارتباط امام جمعه رشت نیز گفته است: «کشف حجاب دیگر قابل پذیرش نیست؛ امت حزب‌الله و زنان محببه منتظر یک اشاره هستند.»

مجید اسلامی مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری قزوین هم چنین اظهار داشته است: «افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، نمی‌توانند از خدمات این سازمان استفاده کنند. حجاب حدود شرعی و قانونی است و از ارائه خدمات به افرادی که این حدود را رعایت نمی‌کنند، معذوریم.»

این چند نمونه از نظرها و واژه‌ها جدیدترین گفته‌های برخی از مقامات، مسئولان و بلندپایگان «نظام مقدس» جمهوری اسلامی درباره «حجاب اجباری» هستند؛ مقوله‌ای که به نظر می‌رسد جان آنان به آن بسته است؛ «خط فرمزی» که عبور از آن برتافته نمی‌شود و چنین می‌نماید که اهمیتی

سخنگوی نیروی هوایی اوکراین: ارسال تسلیحات از ایران به روسیه عادی شده!



فایش پهپادهای سپاه و ارتش در رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

شبه‌نظامیان «حشد الشعبی» در عراق قرار گرفته است. کارشناسان می‌گویند این نوع پهپاد را می‌شود موفق‌ترین پهپاد صادراتی جمهوری اسلامی دانست.

بعد از آنکه روسیه شورش «مزدوران واگنر» را پشت سر گذاشت، بار دیگر بر شدت حملات پهپادی خود به اوکراین به ویژه در کیف افزود. در روزهای اخیر بارها با پهپادهای انتحاری «شاهد-۱۳۶» ساخت جمهوری اسلامی مناطق مسکونی در اوکراین هدف قرار گرفت.

سخنگوی نیروی هوایی اوکراین پیش از این گفته بود روسیه به اندازه‌ای پهپادهای انتحاری ساخت ایران را در اختیار دارد که می‌تواند به حملات پهپادی روزانه خود به اوکراین ادامه دهد. او حتا عنوان کرد، «پهپادهای شاهد به قدری زیاد پرتاب می‌شوند که مشخص نیست قرار است دفاع هوایی ما را شناسایی کنند یا هدف، فرسوده کردن نیروی دفاعی ماست.»

کارشناسان و همچنین مقامات اوکراینی بارها گفته‌اند سیستم‌های پدافندی اسرائیل قابلیت دفاع در برابر پهپادهای انتحاری را دارند اما بنیامین نتانیاهو تا کنون با تحویل این سیستم‌ها به اوکراین موافقت نکرده است. بنا به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، نتانیاهو نگران است در صورت ارسال این سیستم‌ها به اوکراین، باگ‌ها و ضعف‌های احتمالی آن شناسایی شده یا نحوه عملکرد آنها در اختیار جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

حسین امیرعبدالللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در آبان ۱۴۰۱ اعتراف کرد که ایران به روسیه پهپاد ارسال کرده اما مدعی شد این کار «ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین» انجام شده است. سی‌ان‌ان ۲۶ ماه مه (۶ خرداد) گزارش داد جمهوری اسلامی با استفاده از کشتی‌هایی که سیستم موقعیت‌یاب آنها دستکاری می‌شود اقدام به لاپوشانی حرکت کشتی‌ها در دریای خزر می‌کند.

سی‌ان‌ان اواسط اسفند ۱۴۰۱ گزارش داد روسیه تسلیحاتی را که در جنگ اوکراین به غنیمت گرفته برای مهندسی معکوس به ایران می‌فرستد. حتا مقامات ایالات متحده، ناتو و سایر کشورهای غربی در چندین مورد گزارش دادند که تجهیزات و ادوات نظامی ارتش اوکراین از جمله سیستم‌های ضدتانک «جاولین» یا ضد هوایی «استینگر» در میدان جنگ به دست نیروهای روسی افتاده است.

● یوری ایگنات سخنگوی فرماندهی نیروی هوایی اوکراین می‌گوید «پرواز هواپیماهایی که از ایران به روسیه تسلیحات حمل می‌کنند عادی شده است و حجم بزرگی از محموله‌های نظامی از طریق دریای خزر به روسیه تحویل داده می‌شود.»

● وی توضیح می‌دهد «وضعیت طوری شده که صحبت از راه‌های تحویل پهپادهای انتحاری بی‌معنی است. مسئله این است که ایران چقدر و چه چیزی می‌تواند تحویل دهد و چه نوع سلاحی دارند.»

● سخنگوی فرماندهی نیروی هوایی اوکراین همچنین هشدار داد که احتمال دارد جمهوری اسلامی پهپاد «مهاجر-۶» را نیز به روسیه تحویل دهد.

● کارشناسان و همچنین مقامات اوکراینی بارها گفته‌اند سیستم‌های پدافندی اسرائیل قابلیت دفاع در برابر پهپادهای انتحاری را دارند اما بنیامین نتانیاهو تا کنون با تحویل این سیستم‌ها به اوکراین موافقت نکرده است. بنا به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، نتانیاهو نگران است در صورت ارسال این سیستم‌ها به اوکراین باگ‌ها و ضعف‌های احتمالی آن شناسایی شده یا نحوه عملکرد آنها در اختیار جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

یوری ایگنات سخنگوی فرماندهی نیروی هوایی اوکراین می‌گوید «پرواز هواپیماهایی که از ایران به روسیه تسلیحات حمل می‌کنند عادی شده است و حجم بزرگی از محموله‌های نظامی از طریق دریای خزر به روسیه تحویل داده می‌شود.»

وی توضیح می‌دهد «وضعیت طوری شده که صحبت از راه‌های تحویل پهپادهای انتحاری بی‌معنی است. مسئله این است که ایران چقدر و چه چیزی می‌تواند تحویل دهد و چه نوع سلاحی دارند؛ زیرا انتقال موشک نیز دیگر قابل انکار نیست. روسیه به این تسلیحات نیاز دارد. اوکراین امیدوار است جامعه جهانی به ایران فشار بیاورد تا این روند متوقف شود.»

سخنگوی فرماندهی نیروی هوایی اوکراین همچنین هشدار داد که احتمال دارد جمهوری اسلامی پهپاد «مهاجر-۶» را نیز به روسیه تحویل دهد. این پهپاد قادر است تا چهار نوع مهمات با دقت بالا را حمل کند و حدود ۱۲ ساعت توان پرواز ممتد دارد. این پهپادها پیش از این به اتیوپی نیز صادر شده و چند فروند از آن در اختیار

→ در این میان رسانه‌های داخلی که به تبلیغ ایدئولوژی و سیاست‌های حاکم مشغول‌اند نسبت به تغییر چهره‌ی جامعه ابراز نگرانی می‌کنند. برای نمونه «جهان نیوز» از آنچه آنرا «کمرنگ شدن» برخورد با ناهنجاری‌ها می‌نامد ابراز تاسف می‌کند و با تأکید بر اینکه: «رعایت حجاب یکی از خطوط قرمز جمهوری اسلامی است و یکی از نقاط برجسته‌ای است که جمهوری اسلامی را از حکومت‌های سکولار متمایز می‌کند» می‌نویسد: «این خط قرمز به هیچ وجه و در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشته شود.»

«جهان نیوز» ادامه می‌دهد: «اگر روند فعلی ادامه پیدا کند و نهادهای گوناگون به وظیفه خود در برخورد با هنجارشکنان عمل نکنند، احتمالاً در فصل تابستان شاهد صحنه‌های بسیار زنده‌تری در کف خیابان‌ها و معابر خواهیم بود!»

از سوی دیگر، «عصر ایران» که مواضع ملایم‌تری دارد در مقاله‌ای پلمب مجتمع‌های تجاری به خاطر نداشتن روسری یا مجازات مالک و کاسب و مغازه‌دار را به خاطر پوشش مشتریان «پدیده غریب و بی‌سابقه» می‌نامد که پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد، از جمله اینکه:

«اگر چند خانم یا دختر جوان با شال یا روسری و به قصد پاساژگردی وارد یک مجتمع تجاری شوند و حین گشت و گذار روسری از سر بپندازند و قصد خرید هم نداشته باشند، پاساژ را پلمب می‌کنند؟ در اینصورت، مغازه‌داران به چه جرمی مجازات شده‌اند؟!»

«چنانچه خانمی وارد بانک شود و به نشان اعتراض به تخصیص نیافتن وام روسری از سر بردارد، آیا آن شعبه بانک هم پلمب خواهد شد؟ در این حالت آیا رییس بانک او را به سرکردن روسری وامی‌دارد؟ آیا روند خدمات‌رسانی متوقف می‌شود یا دست به دامان کلانتری می‌شوند؟ اگر مشخص شود آن خانم سپرده قابل توجهی دارد و مشتری ممتاز بانک است برخورد تفاوت می‌کند یا نه؟»

«چنانچه صاحب مغازه‌ای در یک پاساژ گران‌قیمت، دلیل درآمد کم خود را در اظهارنامه مالیاتی و برخلاف دیگر غرفه‌ها یا دکان‌ها، امتناع از عرضه کالا و خدمات به خانم‌های بی‌روسری اعلام کند اداره مالیات می‌پذیرد یا نه؟ جدای این آیا نیروی انتظامی بودجه‌ای برای جبران خسارات این واحدها در نظر گرفته است؟»

«چنانچه دخترانی یا زنانی با روسری وارد مجموعه شدند و بعد آن را از سر برداشتند مسئولیت با کیست؟ آیا نگهبان و مامور باید دنبال آنان راه بیفتند؟ در این فرقه آیا معیار تنها روسری است یا به سن و سال هم توجه می‌کنند و تفاوت دارد که شخص زنی ۶۰ ساله است یا دختری ۲۰ ساله؟!»

اما آنچه این روزها در ایران در حوزه عفاف و حجاب می‌گذرد و گزارش‌هایی که از واکنش ماموران با لباس رسمی و بی‌لباس نسبت به چگونگی پوشش و رفتار هنجارشکنان منتشر می‌شود، و نیز گفته‌ها و رفتار سردمداران نظام، تصویر زشت و دهشتناکی را نشان می‌دهد: حکومت با تمام قدرت مالی، امنیتی و نظامی در برابر مردمی دست به سرکوب و خشونت و جلوگیری از کسب و کار آنها می‌زند که هرچند تا کنون دست خالی مبارزه کرده‌اند اما قرار نیست همیشه چنین بمانند.

حکومتی بی‌رحم و بی‌منطق رو در روی جامعه‌ای که احساس می‌کند جان به لب‌اش رسیده و چیزی ندارد که از دست بدهد.

حال با این اوضاع گویا باید منتظر ماند تا با مغلوبه شدن «جنگ»، به گفته یکی از زعمای قوم، «راه برای ظهور هموار شود، و نهضت تا انقلاب مهدی ادامه پیدا کند.»

خسرو حسن‌زاده نقاش سرشناس معاصر ایران درگذشت



خسرو حسن‌زاده

● خسرو حسن‌زاده هنرمند سرشناس تاریخ معاصر ایران پس از ورود به دانشگاه هم در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران و هم در رشته نقاشی مجتمع دانشگاهی هنر تهران تحصیل کرد.

● آثار این هنرمند پیوند عمیقی با «جامعه» و مسائل مربوط به زندگی روزمره مردم در ایران داشت و خودش آثارش را «هنر مردم» می‌نامید؛ تصاویر آشنایی که در قالبی نو با رویکردی معاصر و مدرن ارائه می‌شوند.

● فعالیت‌های هنری خسرو حسن‌زاده از دهه هفتاد خورشیدی بطور جدی آغاز شد. وی در سال ۱۳۸۱ با بورسیه‌ای از «سیتته» به پاریس رفت.

● آثار این هنرمند در کشورهای بسیاری به نمایش درآمده و شماری از کارهای وی در موزه‌های هنری کشورهای مختلف نگهداری می‌شود.

● وی که اعلام شد از قربانیان مسمومیت با مشروبات الکلی تقلبی است، پس از چندین روز گما در بیمارستانی در تهران در سن ۶۰ سالگی درگذشت.

خسرو حسن‌زاده نقاش سرشناس معاصر ایران روز یکشنبه ۱۱ تیر به دلیل مسمومیت ناشی از نوشیدن مشروب تقلبی درگذشت. او یکی از هنرمندان سرشناس تاریخ معاصر ایران بود که آثارش در چند کشور دنیا به نمایش درآمده است.

خسرو حسن‌زاده نقاش سرشناس ایرانی روز یکشنبه ۱۱ تیر در ۶۰ سالگی و پس از چند روز بستری بودن در بیمارستانی در تهران درگذشت. او حدود دو هفته پیش دچار مسمومیت ناشی از مصرف الکل تقلبی شده بود و به بیش از یک هفته در گما بسر می‌برد.

امیر راد رئیس هیئت مدیره انجمن نقاشان ایران روز یکشنبه ۱۱ تیرماه در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» خبر درگذشت خسرو حسن‌زاده را تأیید کرد و گفت که این هنرمند صبح یکشنبه در یکی از بیمارستان‌های تهران چشم از جهان فرو بست.

انجمن هنرمندان نقاش ایران به همین مناسبت در یک پیام همدلی اعلام کرد: «با کمال تأسف، تأثر و ناپاوری مطلع شدیم هنرمند نقاش و عضو انجمن هنرمندان نقاش ایران جناب آقای خسرو حسن‌زاده دار فانی را وداع گفتند. انجمن هنرمندان نقاش ایران فقدان این هنرمند گرمی را به جامعه هنری ایران، اعضای محترم انجمن هنرمندان نقاش ایران و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض می‌نماید.» خسرو حسن‌زاده در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شد. او پس از ورود به دانشگاه هم در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران و هم در رشته نقاشی مجتمع دانشگاهی هنر تهران تحصیل کرد. وی در دهه ۶۰ خورشیدی از شاگردان آیدین آغداشلو بود و از دهه ۷۰ فعالیت حرفه‌ای خود را در هنرهای تجسمی آغاز کرد.

وی در سال ۱۳۸۱ با بورسیه‌ای از «سیتته» به پاریس رفت. این بورسیه به هنرمندان پیشرو خارج از فرانسه تعلق می‌گیرد که در صورت قبولی در شهرک بین‌المللی هنر (سیتته) در پاریس اقامت کرده و به پژوهش هنر می‌پردازند. خسرو حسن

سازمانیافته دانش‌آموزان در مدارس که از پاییز گذشته آغاز شده بود، موجی از مسمومیت با مشروبات الکلی تقلبی در شهرهای مختلف ایران به راه افتاده است. خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته گزارش داد که «از حدود یک ماه پیش ۳۲ نفر شامل ۷ نفر در سردشت، ۲ نفر در قزوین، ۲ نفر در بهارستان، ۳ نفر در مازندران، ۶ نفر در رباط کریم و ۱۲ نفر در کرج بر اثر مشروبات الکلی تقلبی جان خود را از دست داده‌اند.» در این میان صدها نفر نیز مسموم و در بیمارستان بستری شدند. شماری از مسموم‌شدگان نابینا و شماری در حالت کما در آی‌سی‌وی بستری هستند. توزیع حجم گسترده از مشروبات الکلی تقلبی در شهرهای مختلف ایران شباهت زیادی به مسموم‌سازی سازمانیافته دانش‌آموزان در مدارس دارد. مسموم‌سازی دانش‌آموزان که از آذر ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ هزاران دانش‌آموز را در شهرهای مختلف مسموم کرد با بی‌تفاوتی مسئولان جمهوری اسلامی روبرو شد و بر اساس گزارش‌ها، جریان‌های «تندرو» در حکومت در این مسمومیت‌ها دست داشتند. اکنون برخی معتقدند مسمومیت شهروندان با توزیع مشروبات الکلی تقلبی نیز می‌تواند سناریویی مشابه از سوی حکومت یا بخشی از آن، برای انتقام‌گیری از شهروندانی باشد که علیه جمهوری اسلامی اعتراضات گسترده ۱۴۰۱ را رقم زدند. با اینحال احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی ایران دیروز گفت که «مسمومیت‌های الکلی در ایران به هیچ عنوان سریالی نیست» و «در هر شهری که این مسمومیت‌های الکلی اعلام شده است، پلیس بلافاصله تولیدکنندگان مشروبات فاسد را شناسایی و دستگیر کرده است.»

زاده پس از فرانسه راهی انگلستان و ساکن این کشور شد. آثار این هنرمند پیوند عمیقی با «جامعه» و مسائل مربوط به زندگی روزمره مردم در ایران دارد و خودش آثارش را «هنر مردم» می‌نامید؛ تصاویر آشنایی که در قالبی نو با رویکرد معاصر و مدرن ارائه می‌شوند. جنگ، خانواده، زنان، قهرمانان، ستاره‌ها و چهره‌های محبوب، ورزش‌ها و سنت‌های مردمی، رابطه جامعه ایرانی با غرب از جمله محورهای آثار این هنرمند به شمار می‌روند. یکی از ویژگی‌های مهم آثار خسرو حسن‌زاده، هنرآفرینی در قالب‌های متفاوت و استفاده از مصالح مختلف و متنوع و ترکیب آنها با یکدیگر بود. بسیاری از آثار او بر پایه چاپ سیلک‌اسکرین خلق شده است. کاشی نیز از مصالح مورد علاقه او بود که غالباً در ترکیب با چاپ سیلک و لعاب‌کاری در آثار او به کار رفته است.

خسرو حسن‌زاده یکی از سرشناس‌ترین هنرمندان معاصر ایران به شمار می‌رود که آثارش در کشورهای بسیاری به نمایش درآمده است. بخشی از آثار او در گنجینه برجسته‌ترین موزه‌های هنری جهان مانند موزه هنرهای زیبای لس‌آنجلس، موزه بریتانیا، موزه هنرهای زیبای هیوستون، موزه آقاخان تورتوتو و موزه هنرهای معاصر ایران نگهداری می‌شود.

گزیده‌ای از آثار این هنرمند مربوط به دهه ۱۳۷۰ به بعد، در سال ۱۳۹۷ در گالری ایرانشهر به نمایش درآمد که مجموعه‌های مختلفی چون «یادداشت‌های جنگ»، «تروریست»، «یا علی مدد» و «پهلوانان» و... را شامل می‌شد. این مرور بر آثار وی به دنبال نمایش جدیدترین مجموعه آثار حسن‌زاده با عنوان «وارهول نجاتم داد» برگزار شد. از هفته‌های گذشته و پس از فروکش کردن مسمومیت‌های

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



فقر و فلاکت در ایران؛ قتل به دلیل دعوا بر سر قیمت مرغ!

بیکاری پایدار و بلند مدت بالاتر از ۱۵ درصد در یک دهه و بیشتر داشته‌اند. این وضعیت در کرمانشاه، لرستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان به بیشتر از دو دهه می‌رسد. از سوی دیگر درآمد سرانه تهران پنج برابر سیستان و بلوچستان است و امید به زندگی مردان این استان بین ۸ تا ۱۰ سال و زنان ۶ سال کمتر از میانگین کشوری است. حجت میرزایی همچنین گفته که در حال حاضر دغدغه دولت از تأمین زیرساخت‌های توسعه‌ای به تأمین مایحتاج اولیه مانند آب، نان، گاز و کالاهای اساسی رسیده و استان‌های ایران گورستان طرح‌های عمرانی زمین مانده شده‌اند.

کارشناسان اقتصادی همواره نسبت به فقر گسترده در جامعه که عامل آن عملکرد ناکارآمد اقتصادی جمهوری اسلامی است هشدار می‌دهند. فرشاد مومنی اقتصاددان و نزدیک به جناح کارگزاران جمهوری اسلامی نیز امروز سه‌شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۲ گفته که طی دهه ۹۰ و در کمتر از سه سال، جمعیت فقرا دو برابر شد.

فرشاد مومنی افزوده «سیاست شوک درمانی، سیاست فقرزا و فلاکت‌زا است و حکومت باید به هوش بیاید! در حالی که طی هفتاد سال برنامه ریزی توسعه ای ایران در گذشته، ده‌ها سال طول می‌کشید تا جمعیت فقیر کشور دو برابر شود. در دهه ۱۳۹۰ ظرف کمتر از سه سال، اندازه جمعیت فقیر کشور دو برابر شده است.»

به گفته این اقتصاددان «عین همین مسئله برای محیط زیست وجود دارد. گزارش‌های رسمی می‌گوید در سه سال اخیر، ایران حدود ۶۶ رتبه در رنکنینگ بین‌المللی به سمت بحران‌زده‌ترین کشورها در زمینه محیط زیستی سقوط کرده است. در واقع تغییر اقلیمی که به واسطه این سهل‌انگاری‌ها به ایران تحمیل شده، باعث شده است که در معرض چه فجایع عظیمی باشیم.»

اینهمه در حالیست که برخی از مقامات جمهوری اسلامی نیز نسبت به تبدیل شدن فقر و بحران اقتصادی به تهدیدی علیه حیات جمهوری اسلامی و بروز اعتراضات گسترده مردم گرسنه هشدار می‌دهند.

منوچهر متکی وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی که از حامیان ابراهیم رئیسی هم بوده روز گذشته در گفتگویی با وبسایت «تجارت نیوز» با تأکید بر اینکه «اعتراضات ۱۴۰۱ همچنان به شکل‌های گوناگون ادامه دارد» گفته که «اگر دولت در ماه‌های آینده تحول ملموسی در وضعیت اقتصادی مردم ایجاد نکند، حتماً با مشکل جدی روبرو خواهد شد.»

به عقیده منوچهر متکی «دولت رئیسی دو مشکل اساسی دارد؛ اول نقشه راه ندارد و برای مردم از این نقشه توضیحی نمی‌دهد. دوم اینکه مدیران کاربلدی در آن دیده نمی‌شود.»

منوچهر متکی همچنین تأکید کرده است «طبیعتاً تحریم بر زندگی مردم اثر دارد؛ اما آیا می‌توان گفت که ۱۰۰ درصد مشکلات اقتصادی ما از تحریم است؟ هیچ عاقلی این را نمی‌گوید. عزم رئیسی این بود که بتواند در وضعیت مردم گشایش ایجاد کند. اما آیا در این هدف موفق بود؟ قضاوت عامه با توجه به بخش ملموس زندگی مردم نشان می‌دهد که هنوز این توفیق حاصل نشده و مردم هنوز مشکلات اقتصادی و معیشتی دارند؛ اما مصیبت بالاتر از این آن است که مردم حس کنند زور هیچکس به حل مشکلات نمی‌رسد.»



تصویر آرشیوی

و با قیمت حدود ۱۰۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسد که دولت به صورت دستوری نرخ این محصول را برای «مصرف‌کننده» ۷۳ هزار تومان تعیین کرده است. در برخی خرده‌فروشی‌های مناطق شمالی تهران نیز قیمت هر کیلو گوشت مرغ از ۱۰۰ هزار تومان هم عبور کرده است. بازار مرغ تنها یکی از بازارهای مواد خوراکی است که این روزها با تلاطم و بحران روبروست. دیگر مواد ضروری خوراکی از بازار گوشت و تخم‌مرغ و لبنیات گرفته تا میوه و سبزیجات و روغن و برنج و ماکارونی نیز با افزایش نجومی قیمت‌ها و حذف این اقلام از سبد صرف خانوار روبروست. افزایش قیمت‌ها در کنار کاهش ارزش پول ملی و درآمدهای ناچیز و بی‌ارزش اقشار حقوق‌بگیر سبب گسترده‌تر شدن فقر در جامعه شده است.

حجت میرزایی پژوهشگر اقتصادی اردیبهشت امسال گزارش داد که نرخ فقر در برخی استان‌های ایران به شرایط نگران‌کننده‌ای رسیده بطوری که بیشتر از ۸۰ درصد جامعه روستایی و ۴۵ درصد جامعه شهری سیستان و بلوچستان فقیر هستند و زمان تخصیص یارانه معیشتی، تقریباً تمام ساکنان این استان بجز گروه بسیار کوچکی مستحق یارانه شناخته شدند.

به گفته این پژوهشگر اقتصاد، بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند. همچنین فقر خشن به حدی رسیده که بر اساس گزارش وزارت راه و شهرسازی، دهک اول درآمدی برای خانه‌دار شدن به ۲۴۸ سال زمان نیاز دارد.

حجت میرزایی گفته که بر اساس گزارشی که در سال ۱۴۰۰ برای وزارت کار تهیه شده، میزان فعالیت‌های انسان‌ستیز غیررسمی مانند کولبری، شوتی‌ها، زباله‌گردی و ... به ۴۰ درصد و در برخی استان‌ها به ۶۰ درصد رسیده است. آمارهای ارائه شده توسط این اقتصاددان نشان از آن دارد که ۸۵ درصد جمعیت کشور در استان‌هایی زندگی می‌کنند که درآمد سرانه‌شان نصف درآمد سرانه تهران است و ۴۰ درصد جمعیت کشور ساکن استان‌هایی هستند که نرخ

● دعوا و قتل به دلیل اختلاف بر سر قیمت مرغ یکی از آثار تکانه‌دهنده گسترش فقر و فلاکت در کنار آشفتنگی شدید در بازارهای مختلف به ویژه در بازار مواد خوراکی در ایران است.

● فرشاد مومنی اقتصاددان و نزدیک به جناح کارگزاران جمهوری اسلامی امروز گفته که طی دهه ۹۰ و در کمتر از سه سال، جمعیت فقرا دو برابر شد.

● منوچهر متکی وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه «اعتراضات ۱۴۰۱ همچنان به شکل‌های گوناگون ادامه دارد» گفته که «اگر دولت در ماه‌های آینده تحول ملموسی در وضعیت اقتصادی مردم ایجاد نکند، حتماً با مشکل جدی روبرو خواهد شد.»

دعوی یک شهروند با یک فروشنده مرغ بر سر قیمت این کالا به قتل مرغ‌فروش با چاقو منتهی شد. این خبر در حالی از سوی نیروی انتظامی تأیید شده که بیانگر آشفتنگی قیمت در بازارها و فشار ناشی از فقر و گرانی در میان مردم است. سهرنگ محسن سلیمانی جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان چالوس از وقوع «یک فقره قتل» در بخش مرزن‌آباد چالوس خبر داده و تأیید کرده که «این حادثه بر اثر مشاجره بر سر قیمت گوشت مرغ میان مسافر و فروشنده رخ داد که منجر به قتل مرغ‌فروش شد.»

سهرنگ محسن سلیمانی با بیان اینکه «به علت شدت جراحات ضربه‌های چاقو، فروشنده مرغ در دم جان باخت» توضیح داده که «خانواده این مسافر [قاتل] به قصد خریدن مرغ به یکی از مرغ‌فروشی‌های این منطقه مراجعه می‌کنند که جز و بحث بر سر قیمت مرغ بین فروشنده و خریدار اتفاق می‌افتد و مرد مسافر با چاقو به سمت فروشنده حمله و او را مجروح می‌کند.»

جانشین فرماندهی انتظامی چالوس ادامه داده که «فروشنده مرغ در حین اعزام و انتقال به بیمارستان متأسفانه به علت شدت جراحات فوت می‌کند و ماموران کلانتری ۱۳ بلافاصله در صحنه حاضر شده و قاتل را دستگیر می‌کنند.»

سهرنگ محسن سلیمانی افزوده که «متهم در بازجویی‌ها به ارتکاب این جرم اعتراف کرد. از شهروندان این منطقه انتظار می‌رود در مراودات اجتماعی سعه صدر داشته باشند و خشم خود را کنترل کنند و آستانه تحملشان را بالا ببرند تا خدای ناکرده با انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز حادثه غیرقابل جبرانی برای کسی رخ ندهد.»

جانشین فرمانده انتظامی چالوس در حالی از مردم خواسته که «سعه صدر» داشته و «خشم خود را کنترل و آستانه تحملشان را بالا ببرند» که دعوا و قتل به دلیل اختلاف بر سر قیمت مرغ یکی از آثار تکانه‌دهنده گسترش فقر و فلاکت در کنار آشفتنگی شدید در بازارهای مختلف به ویژه در بازار مواد خوراکی در ایران است.

بازار مرغ در ایران به شدت دچار تلاطم شده و این کالا در عمل چند نرخی و در برخی شهرها نایاب شده است. وضعیت بازار مرغ به حدی بحرانی است که بر اساس گزارش‌ها از هفته گذشته محله کشتارگاه یا همان میدان بهمن تهران که مرکز عرضه گوشت مرغ است به محلی برای باند‌های مافیایی و دلالان این بازار تبدیل شده است.

گوشت مرغ در حالی با قیمت‌هایی در محدوده ۸۰ هزار تومان در کوچه پس‌کوچه‌ها به دست خرده‌فروشان

مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلامی؛ تناقض و فریبکاری آشکار! (بخش چهارم)

● اندک دقتی در عقاید حکومت و جمهوری اسلامی این واقعیت را آشکار می‌سازد که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هرگز اعتنایی به تعهدات جهانی نداشته است. به نظر او «قیام لله تنها راه اصلاح در جهان است، همانگونه که ابراهیم و موسی و خاتم النبیین انجام دادند». اگر چنین است که حکومت اسلامی می‌تواند ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت بنشاند و موانع بزرگ داخل و خارج محدوددهی خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح کند، چگونه چنین حکومتی می‌تواند به ارزش‌های جهانی مورد اعتماد جامعه بین‌المللی وفادار و متعهد باشد؟! در حالی که جمهوری اسلامی همه چارچوب‌هایی را که در سیستم بین‌المللی وجود دارد مناسبات ظالمانه‌ای می‌داند که بایستی زیر پا گذاشته شود، آیا اساساً می‌تواند نسبت به اصل «تعهدات جهانی» وفادار باشد؟

محمود مسائلی - با وجود به رسمیت شناختن بین‌المللی «تعهدات جهانی» برای کشورها، چنین تعهداتی اغلب با اشکال قابل توجهی از توطئه‌های فریبکارانه کنار گذاشته می‌شود.

بخش چهارم

نظام سیاسی حاکم بر ایران امروز مصداق آشکار نادیده گرفتن این تعهد مهم برای جامعه جهانی است، هرچند که نظام چهره خود را زیر نقاب فریبکارانه پنهان ساخته است. در سال ۱۹۷۹ نظام پادشاهی پهلوی با یک حکومت دینی با عنوان جمهوری اسلامی جایگزین شد. آیت‌الله خمینی نظریه و نظام ولایت فقیه را که به عنوان نظام حکومتی مستضعفین نیز معرفی می‌شد، پایه‌گذاری کرد. حکومت مستضعفان در ابتدا برای عموم مردم هیجان‌انگیز و امیدوارکننده بود، در حالی که عناصر اساسی آن یادآور دیدگاه مارکسیستی بود. وعده حکومت مستضعفان که درواقع یک توطئه فریبکارانه بود، بازتاب‌های مهمی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی به همراه داشت.



میرحسین موسوی، موسوی اردبیلی، علی خامنه‌ای، علی اکبر ولایتی، علی اکبر رفسنجانی در کنار رهبرشان روح‌الله خمینی که بر «صندلی» حکومت بر ایران و ایرانیان تکیه زد!

بنیانگذاران و زمامدارانش:

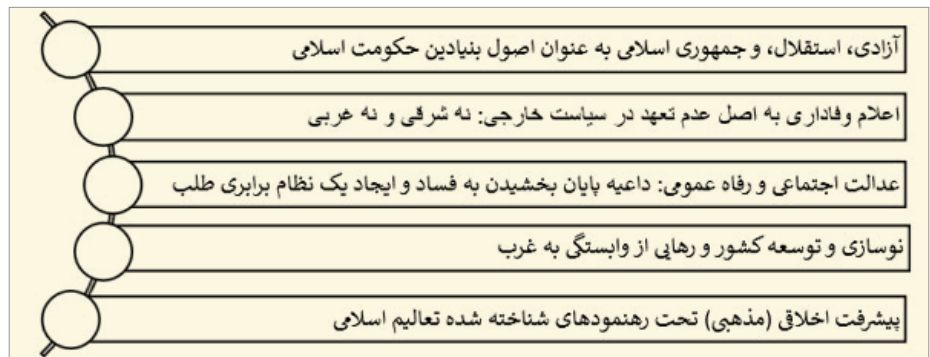
● آزادی و استقلال تا زمانی قابل دستیابی است که مدل کنونی حکمرانی جهانی کنار گذاشته شود. روابط بین‌الملل کنونی بازتاب استعمار، امپریالیسم، و توسعه سرزمینی و همچنین سلطه کشورهای قدرتمند است. برای دستیابی به آزادی و استقلال، باید سیستم حاکمیت بین‌المللی کنونی را نفی کرد. این رسالت مقدسی است که بر عهده امت اسلامی قرار دارد.

● عدم تعهد که واژه دیگری برای شناسایی استقلال است، از طریق بیداری مستضعفان جهان و حمایت از همه مسلمانان برای تشکیل امت اسلامی صورت می‌گیرد. (فرضیات موازی بسط داده شده در این الگو حکمرانی را می‌توان با ایدئولوژی مارکسیستی حاکمیت کارگران علیه امپریالیسم سرمایه‌داری تصور کرد.)

● نظام‌های حاکم فعلی، چه ملی و چه بین‌المللی، همگی فاسد هستند زیرا بر اساس قوانین آرمانی بنا نشده‌اند. با پایان بخشیدن به فساد، عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد، نیازهای دنیوی و معنوی مردم تامین می‌شود، و یک الگوی رفاهی برابری‌خواهانه همه جنبه‌های زندگی را پوشش می‌دهد.

● اگر مؤمنان به خدا توکل کنند، می‌توانند از حکم الهی که به آنها قدرت می‌دهد تا زنجیر وابستگی را بشکنند، الهام گیرند. برای رسیدن به این جهان آرمانی، همه کسانی که از کرامت مخلوق خدا در سراسر جهان سوء استفاده می‌کنند، می‌بایست مجازات شوند و وقتی شیطان با انقلاب اسلامی نابود شد و فرشتگان بر جامعه مسلط شدند، نه تنها نیازهای مادی مردم برآورده می‌شود، بلکه مهمتر از آن، پیشرفت اخلاقی مردم راه خود را پیدا می‌کند. خداوند این را وعده داده است.

خمینی این نظام حکمرانی آرمانی را به عنوان الگوی مطلوب الهام گرفته از ایدئولوژی اسلامی معرفی کرد. البته در مرکز این الگوی حکومتی آرمانگرایانه توده‌ای، مدل حکومتی پیش‌بینی می‌شد که می‌بایست راه را برای ظهور منجی موعود آماده کند. در عین حال، شعارهای انقلابی که در جدول بالا به آن اشاره شد، شیوه‌های مدیریت مطلوب جوامع را که بر اساس منافع ملی و با همکاری بین‌المللی توضیح داده می‌شد، به یکباره کنار گذاشت. در دیدگاه اسلام، ملی و بین‌المللی دو روی یک سکه هستند، و هیچ تفاوتی بین این دو وجود ندارد، زیرا هر دو تنها با الهام از



ایدئولوژی اسلامی برای برپایی حکومتی بر اساس مفهوم «امت» شکل می‌گیرند. درواقع در الگوی آرمانی حکومت اسلامی، هر دو حوزه داخلی و خارجی کاملاً در یک هویت واحد مذهبی که همان امت اسلامی است، جذب می‌شوند. بنابراین، حکومت آرمانی جهانشمول اسلامی در راستای اصول پنجگانه انقلاب اسلامی تعریف شده و می‌شوند. به این ترتیب بر اساس ایدئولوژی جمهوری اسلامی و

نگاهی دقیق به شعارهای قبل، در حین شکل گرفتن آنچه انقلاب اسلامی نامیده شد، و بعد از آن در سخنرانی‌های خمینی، عناصر طرحی فریبکارانه را آشکار می‌سازد که در نمودار زیر گرد آمده است:

این پنج رکن جمهوری اسلامی، به عنوان حکمتی پیشرو که مردم رویای آنرا در سر داشتند، مشخصه حکومت مستضعفانی است که نوید آن داده شده بود. آیت‌الله

دکتر امیر حمیدی در گفتگو با کیهان لندن:

یکی از مهمترین درآمدهای ملایان و سپاه با قاچاق تریاک و هروئین و کوکائین و «شیشه» تأمین می‌شود



دکتر امیر حمیدی دیپلمات پیشین وزارت خارجه آمریکا

که به دلیل نقض حقوق بشر و سرکوب مردم در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد ادعا می‌کند «تحریم‌ها بر فعالیت‌های ایران روی مبارزه با قاچاق مواد مخدر سایه انداخته که این به ضرر کشورهای اروپایی است.»

در این میان، سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی که او نیز به دلیل دخالت در سرکوب و کشتار مردم به اتهام نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، بانک‌های کشورهای غربی را به «پولشویی» با «پول‌های مواد مخدر» متهم کرد.

اما بر اساس گزارش نهادهای اطلاعاتی غربی و منطقه‌ای، رژیم ایران با کمک شرکای شبه‌نظامی خود ستون اصلی قاچاق مواد مخدر در منطقه و به سوی کشورهای غربی است.

دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» یکی از مأموران ویژه در «پروژه کاساندر» بوده است. این پروژه که تحقیقات مخفی آژانس مبارزه با مواد مخدر (DEA) را درباره فعالیت‌های قاچاق و نحوه پولشویی حزب‌الله لبنان پیش می‌برد، از سال ۲۰۰۸ آغاز شد. وی در مصاحبه با کیهان لندن می‌گوید قاچاق مواد مخدر یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

دکتر حمیدی، در شرایطی که حکومت به دنبال شکلی از تفاهم با آمریکا است، گزارش‌های زیادی وجود دارد که بر اساس آنها به نظر می‌رسد درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر را جایگزین برخی درآمدهایی کرده که تحریم‌ها به آنها ضربه زده است...

من بعید می‌دانم که رژیم ایران دست از کارهای تروریستی بردارد و تمام شرایط برجام را قبول کند و سر میز مذاکره بنشیند، چون آنها نه کشورداری و نه دیپلماسی بلد نیستند. اساساً به نحوی عمل می‌کنند که انگار دیگر حکومت مرکزی ندارند. در همه ابعاد ورشکسته ←

● سردار رادان رئیس پلیس جمهوری اسلامی که به دلیل نقض حقوق بشر و سرکوب مردم در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد ادعا می‌کند «تحریم‌ها بر فعالیت‌های ایران روی مبارزه با قاچاق مواد مخدر سایه انداخته که این به ضرر کشورهای اروپایی است.» سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی که او نیز به دلیل دخالت در سرکوب و کشتار مردم به اتهام نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌ها قرار دارد بانک‌های کشورهای غربی را به «پولشویی» با «پول‌های مواد مخدر» متهم کرده است.

● دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» یکی از مأموران ویژه در «پروژه کاساندر» بوده است. این پروژه که تحقیقات مخفی آژانس مبارزه با مواد مخدر (DEA) را درباره فعالیت‌های قاچاق و نحوه پولشویی حزب‌الله لبنان پیش می‌برد، از سال ۲۰۰۸ آغاز شد. وی در مصاحبه با کیهان لندن می‌گوید قاچاق مواد مخدر یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

● «شواهد بسیاری وجود دارد که رژیم ایران، به ویژه سپاه پاسداران و حزب‌الله در شبکه جهانی قاچاق مواد مخدر نقش بسیار مهمی دارند. یکی از مهمترین منبع درآمد حکومت ملایان در ایران جابجایی تریاک، هروئین و کوکائین و متامفتامین (شیشه) است.»

● «در ایران از اسکله‌های غیرمجاز محلی برای تجارت مواد مخدر استفاده می‌شود. از همانجا باندهای مافیایی وابسته به حکومت انواع مشروبات الکلی و لوازم الکترونیک را نیز وارد می‌کنند و همزمان مواد مخدر و تسلیحات صادر می‌شود. بیش از ۸۰ اسکله با این کاربری در استان‌های هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، خوزستان و حتی در شمال ایران در استان مازندران شناسایی شده است.»

● «سجاد حق‌پناه از فرماندهان پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در مصاحبه‌ای به نشریه تایمز گفت که قاچاق مواد مخدر در بین فرماندهان سپاه به امری فراگیر تبدیل شده و بعضی از آنها مستقیماً در قاچاق مواد مخدر دست دارند. او توضیح داده بود سپاه پاسداران تریاک افغانستان را در داخل ایران به هروئین و مرفین تبدیل و سپس صادر می‌کند. آنها برای این کار از شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی خاص خود استفاده می‌کنند.»

● «بسیاری از ناظران تعجب می‌کنند که چگونه جمهوری اسلامی در حالی که در شرایط اقتصادی دشوار بسر می‌برد توانسته از پس هزینه‌های زیاد از جمله تأمین مخارج دامن زدن به بی‌ثباتی در منطقه و گسترش تروریسم برآید؛ یا مثلاً مخارج شبکه گسترده عوامل رژیم در غرب کم نیست.»

بررسی‌ها نشان می‌دهد انتقال محموله‌های سنگین مواد مخدر از مبدأ ایران به کشورهای عربی و جنوب شرقی آسیا و همچنین کشورهای اروپایی افزایش چشمگیری پیدا کرده است.

مقامات جمهوری اسلامی دولت‌های غربی را مقصر می‌دانند. احمدرضا رادان رئیس پلیس جمهوری اسلامی

● «این حکومت آرمانی دینی پیشتر از سوی خداوند وعده داده شده است، و در مراحل تکوینی خود قرار دارد. قرآن کریم در سوره ۲۸، آیه ۵، این حکومت آرمانی را نوید می‌دهد: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! آیت‌الله خمینی صراحتاً این موضع توده‌گرایانه را اتخاذ کرده و به مردم وعده بهشتی زمینی را می‌داد که با تأسی از تعالیم اسلامی، راه را برای نجات اخروی هم هموار می‌کرد: «در سیاست خارجی خود بارها اعلام کرده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواهران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند از آن باک نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکاندن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم تا نظام‌های مبتنی بر این سه پایه را نابود کنیم.» [۱]

انذک دقتی در عقاید حکومت و جمهوری اسلامی این واقعیت را آشکار می‌سازد که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هرگز اعتنایی به تعهدات جهانی نداشته است. به نظر او «قیام لله تنها راه اصلاح در جهان است، همانگونه که ابراهیم و موسی و خاتم‌النبین انجام دادند». اگر چنین است که حکومت اسلامی می‌تواند ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت بنشاند و موانع بزرگ داخل و خارج محدوده‌ی خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح کند، [۲] چگونه چنین حکومتی می‌تواند به ارزش‌های جهانی مورد اعتماد جامعه بین‌المللی وفادار و متعهد باشد؟! در حالی که جمهوری اسلامی همه چارچوب‌هایی را که در سیستم بین‌المللی وجود دارد مناسبات ظالمانه‌ای می‌داند که بایستی زیر پا گذاشته شود، آیا اساساً می‌تواند نسبت به اصل «تعهدات جهانی» وفادار باشد؟

یک نتیجه‌گیری کوتاه

گرچه این حکومت آرمانی اسلامی ماهیت خود را با عباراتی جذاب که با هدف فریبکاری استفاده می‌شوند مانند آزادی، استقلال، پیشرفت، عدالت اجتماعی و نبرد علیه استعمار و امپریالیسم پوشانده، اما از همان ابتدا جهت تحقق خود، نتوانست دشمنی با شیوه‌های زندگی مدرن و برقراری ارتباطات بین‌المللی مسالمت‌آمیز با جهان را لاپوشانی کند. افزون بر این، تجربه ۴۴ سال حکومت دینی نشان می‌دهد که هرگز نمی‌تواند خود را به گفتمان حقوق بشر و دموکراسی ملزم سازد. مدت‌هاست که برای ناظران منتقد ماهیت ضد مدرن و انسان‌ستیز نظام سیاسی اسلامی حاکم بر ایران آشکار شده است. نظام اسلامی حاکم در ماهیت و ذات خود مایل نیست به موازین حقوق بین‌الملل از جمله «تعهدات جهانی» احترام گذاشته و بر اساس آن رفتار کند. در حقیقت، هرچند رژیم اسلامی خود را به طرز فریبنده‌ای در مرادوه و همکاری با جهان معرفی می‌کند، اما این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که ایدئولوژی مذهبی اساساً نمی‌تواند به «تعهدات جهانی» پایبند باشد.

*دکتر محمود مسائل بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا
[۱] مصلح‌زاده، م. (۱۳۹۷)؛ «راهبردهای امام خمینی در سیستم بین‌المللی معاصر»؛ «پرتال امام خمینی»؛ به نقل از «صحیفه امام»؛ جلد ۲۱، ص ۷۵-۷۴
[۲] همان منبع

را دریایی کردند که حمل و نقل آنها از منابعی در جنوب و مرکز آمریکا به آمریکا، غرب آفریقا و اروپا انجام می‌شد. تحقیقات نشان داد عبدالله صفی‌الدین عامل حزب‌الله با جمهوری اسلامی در ارتباط بوده است. در سال ۲۰۲۰

میلیاردها دلار نصیب سپاه پاسداران می‌کند، که هم انحصار قاچاق مواد مخدر را در ایران به دست دارد و هم با شبکه‌های تبهکار بین‌المللی در ارتباط است. ده‌ها ایرانی در مالزی و تایلند در سال‌های اخیر به دلیل

شده‌اند. این ورشکستگی ساختاری از علائم فروپاشی است و اینکه یک حکومت بطور مستقیم توسط عوامل خود دست به قاچاق مواد مخدر نیز می‌زند علامت دیگری از ورشکستگی است.



دستگیری هفت ایرانی در یک قایق ماهیگیری در ساحل گجرات هند با ۱۴۵ میلیون دلار هروئین در سواحل جنوب غرب هند / شهریور ۱۴۰۰

عادل الزبایار، یک شهروند ونزوئلایی که سوری تبار است، در نیویورک به دلیل قاچاق کوکائین و اسلحه گرم برای حماس و حزب‌الله دستگیر شد. در آوریل گذشته، اندرو فاهی در جزیره ویرجین در میامی فلوریدا به خاطر واردات مواد مخدر بازداشت شد. او از موقعیت خود به عنوان مدیر بندر استفاده کرد تا بتواند سه هزار پوند کوکائین قاچاق شده را توسط عوامل حزب‌الله لبنان برای توزیع در فلوریدا و کارائیب وارد کند.

مخارج تأمین حوثی‌ها در یمن از قاچاق سلاح و مواد مخدر تأمین می‌شود. ایران پیشروترین کشور جهان در حمایت از تروریسم است. جمهوری اسلامی یک رژیم بی‌رحم است و مردم خود را سرکوب می‌کند. مشارکت رژیم در قاچاق و تولید مواد مخدر در داخل ایران هم تأثیر منفی گذاشته است. خیلی از خانواده‌ها درگیر اعتیاد هستند. قیمت مواد مخدر در ایران کمترین افزایش را نسبت هر چیز دیگری داشته است.

● احتمالاً دولت‌های غربی اطلاعات بسیار دقیق تری از نقش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر دارند. با وجود این تحقیقات و شواهد اما حکومت همچنان به دلار برای روشن نگه‌داشتن ماشین سرکوب و تروریسم دسترسی دارد!

– بله، فقط اتحاد بین شرکای آمریکا و مبارزه مردم همراه با حمایت جهان از این مبارزات می‌تواند اوضاع را تغییر دهد. تا ملها در قدرت باشند منطقه پر از ناآرامی، بی‌ثباتی، جنایت و تروریسم باقی خواهد ماند. جمهوری اسلامی توانایی رویارویی نظامی با آمریکا و اسرائیل را ندارد، اما می‌تواند از راه‌های تروریستی و قاچاق به آنها صدمه بزند. یکی از دلایلی که با خروج سپاه از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا مخالفت شد همین بود. به ویژه آنکه تروریسم جهانی، قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمانیافته همگی با هم ادغام شده‌اند.

قاچاق مواد مخدر به ویژه «شیشه» بازداشت شده‌اند. اکثر آنها اعتراف کردند که توسط افراد سپاه اداره و رهبری می‌شدند.

● به این ترتیب، پولی که رژیم از تجارت مواد مخدر به جیب می‌زند بخشی از خلاء درآمدهای نفتی را جبران می‌کند؟

– بسیاری از ناظران تعجب می‌کنند که چگونه جمهوری اسلامی در حالی که در شرایط اقتصادی دشوار بسر می‌برد توانسته از پس هزینه‌های زیاد از جمله تأمین مخارج دامن زدن به بی‌ثباتی در منطقه و گسترش تروریسم برآید؛ یا مثلاً مخارج شبکه گسترده عوامل رژیم در غرب کم نیست. سپاه پاسداران یک امپراتوری تجاری بزرگ و بی‌حساب و کتاب را کنترل می‌کند که تجارت مواد مخدر بخشی از آن است. جمهوری اسلامی از طریق حزب‌الله هنوز روابط خود را با قاچاقچیان مواد مخدر در آمریکای لاتین حفظ کرده است.

در ماه مارس سال ۲۰۱۲، وزارت خزانه‌داری آمریکا، همانطور که گفتیم، سردار غلامرضا باغبانی را که عضو «سپاه قدس» بود به عنوان مهره اصلی صادرات هروئین به غرب شناسایی کرد. تحقیقات نشان داد برخی از فرماندهان طالبان نیز با وی همکاری داشتند. مخارج خرید تسلیحات از همین مسیر تأمین می‌شد.

کاری که جمهوری اسلامی امروز می‌کند همان است که سازمان‌های تروریستی انجام می‌دهند. القاعده و طالبان و سلول‌های وابسته به آنها بوجه مپ‌گذاری قطار مادرید در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ را تقریباً با درآمد مواد مخدر (به ویژه حشیش و ام‌دی‌ای) تأمین کردند.

البته «پروژه کاساندر» برای تحقیق مخفیانه از سوی اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در سال ۲۰۰۸ شروع شد و عملیات آن نیز روی شواهد جمع‌آوری شده از عملیات حزب‌الله متمرکز بود. ماموران این اداره هزاران کیلو کوکائین

شواهد بسیاری وجود دارد که رژیم ایران، به ویژه سپاه پاسداران و حزب‌الله در شبکه جهانی قاچاق مواد مخدر نقش بسیار مهمی دارند. یکی از مهمترین منبع درآمد حکومت ملایان در ایران جابجایی تریاک، هروئین و کوکائین و مت‌امفتمین (شیشه) است.

از سوی دیگر، یکی از منابع جریان پایدار ارز، تجارت دارو است که وابسته به مواد اولیه است. برای جمهوری اسلامی قاچاق مواد مخدر یکی از سودآورترین فعالیت‌هاست. حدود ۸۰ درصد هروئین دنیا از افغانستان می‌آید. جمهوری اسلامی تحت هر شرایطی تلاش می‌کند رابطه خود را با طالبان حفظ کند. از مافیای قاچاق آلبانیایی تا کارتل‌های مواد مخدر آمریکای لاتین شریک جمهوری اسلامی‌اند.

شک نکنید علی‌خامنه‌ای از وضعیت خبر دارد. برای جمهوری اسلامی تجارت مواد مخدر دو سود مضاعف دارد: یکی، ارزآوری و تأمین مالی سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان، دیگری «جهاد نارکو» علیه کشورهای غربی و در درجه اول علیه ایالات متحده.

شواهد زیادی وجود دارد که حزب‌الله در همکاری با باندهای مواد مخدر در ونزوئلا و برزیل کوکائین را برای فروش به آمریکا و اروپا و ایران منتقل می‌کند.

در سپتامبر ۲۰۲۱ بنا به گزارش شبکه جهانی بی‌بی‌سی، هند اعلام کرد سه تن هروئین افغانستان را که از بندرعباس به بندر «موندرا» در این کشور قاچاق شده بود کشف کرده است. ارزش این محموله دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بود.

در ایران از اسکله‌های غیرمجاز محلی برای تجارت مواد مخدر استفاده می‌شود. از همانجا باندهای مافیایی وابسته به حکومت انواع مشروبات الکلی و لوازم الکترونیک را نیز وارد می‌کنند و همزمان مواد مخدر و تسلیحات صادر می‌شود. بیش از ۸۰ اسکله با این کاربری در استان‌های هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، خوزستان و حتا در شمال ایران در استان مازندران شناسایی شده است.

محمود احمدی‌نژاد در تابستان سال ۱۳۹۰ با اشاره به «برادران قاچاقچی خودمون» گفته بود مرزهای غیرقانونی باید بسته شود و هیچکس نباید مصونیت داشته باشد، اگر کالایی دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی است، اشکال ندارد از مرز قانونی وارد شود، هیچ وزارتخانه‌ای حق ندارد خارج از کنترل گمرک اسکله و مرزی داشته باشد.

با سجاد حق‌پناه از فرماندهان پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در مصاحبه‌ای به نشریه تایمز گفت که قاچاق مواد مخدر در بین فرماندهان سپاه به امری فراگیر تبدیل شده و بعضی از آنها مستقیماً در قاچاق مواد مخدر دست دارند.

او توضیح داده بود سپاه پاسداران تریاک افغانستان را در داخل ایران به هروئین و مرفین تبدیل و سپس صادر می‌کند. آنها برای این کار از شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی خاص خود استفاده می‌کنند. خزانه‌داری آمریکا، سرتیپ غلامرضا باغبانی فرمانده نیروی قدس سپاه در شهر زاهدان را به اتهام مشارکت در قاچاق مواد مخدر در فهرست قاچاقچیان مواد مخدر آمریکا قرار داد. ضمناً، دولت آمریکا می‌گوید که سرتیپ باغبانی در مقابل استفاده از قاچاقچیان افغان برای رساندن اسلحه به طالبان، اجازه می‌داد که آنها تریاک به داخل ایران قاچاق کنند.

به نوشته روزنامه تایمز، قاچاق مواد مخدر، سالانه

سینمای ایران مهمان ویژه جشنواره بین‌المللی کارلووی واری



فیلم «تورهای خالی»

قوانین سانسور را به چالش می‌کشد، فیلمی که هر چیزی در آن اتفاق می‌افتد.

فیلم «فرمونت» ساخته بابک جلالی که در مراسم اختتامیه جشنواره سینمایی ادینبورگ در اسکاتلند اکران شد، یکی دیگر از فیلم‌های کارگردانان ایرانی است که به کارلووی واری عوت شده است. این فیلم که در آمریکا تهیه شده داستان یک زن پناهنده افغان به نام «دنیا» با نقش‌آفرینی آناهیتا ولی‌زاده را روایت می‌کند که قبلاً به عنوان مترجم در ارتش آمریکا کار می‌کرده و مجبور به فرار از افغانستان شده است. «دنیا» بین میل به یک زندگی جدید در کالیفرنیا، جایی که در یک کارخانه شیرینی‌پزی کار می‌کند، و گذشته‌اش و احساس گناه، در دنیایی برزخی و مبهم سرگردان است.

فیلم «بدترین دشمن من» به کارگردانی مهران تمدن که برای اولین بار در یک بخش جانبی جشنواره برلین اکران شد، یکی دیگر از فیلم‌هایی است که در جشنواره کارلووی واری نیز خواهیم دید. در این فیلم که محصول مشترک فرانسه و سوئیس است، نقش اصلی فیلم به عهده زر امیرابراهیمی است که در حقیقت سه نقش را ایفا می‌کند: بازجو و بازگیری که دارد در فیلم مهران تمدن بازی می‌کند و شخصیت واقعی خودش که به نوعی تجربه بازجویی و شکنجه شدن دارد. فیلم آنجا جالب می‌شود که این سه شخصیت در هم ترکیب می‌شوند و فضای غریبی خلق می‌کنند که در آن، تفکیک هر یک از این نقش‌ها دشوار به نظر می‌رسد.

«خرس نیست» جعفر پناهی نیز در خارج از هر بخشی، برای بزرگداشت این کارگردان سرشناس سینمای ایران که بارها طعم زندان را نیز چشیده است در برنامه پنجاه و هفتمین جشنواره کارلووی واری قرار داده شده است. سال گذشته «تابستان با امید» ساخته صدف فروغی برنده گوی بلورین این جشنواره شد. جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین جشنواره‌های سینمایی در اروپای مرکزی و شرقی است. این جشنواره ۷۱ تیر به انتخاب بهترین‌ها به کار خود پایان خواهد داد.

«ملخ» فیلمی همزمان کم‌دی و درام است که توسط فائزه عزیزخانی کارگردانی شده که از سینماگری را از عباس کیارستمی آموخته است. هانیبه توسلی، پگاه آهنگرانی



و علی مصفا بازیگران «ملخ» هستند که منیژه حکمت تهیه‌کننده آن است.

در بخش رقابتی فیلم سینمایی «تورهای خالی» بهروز کرمی‌زاده که محصول مشترک ایران و آلمان است، از جمله کاندیداهای دریافت «گوی بلورین» در بخش سینمای بین‌المللی است. در خلاصه داستان این فیلم با بازی حمیدرضا عباسی و صدف عسگری آمده است: امیر و نرگس دو عاشق هستند. مرد جوان از یک خانواده فقیر است و پس از اخراج از شغل خود به عنوان پیشخدمت مجبور به پیدا کردن کار در یک جامعه ماهیگیری است. این در حالیکه نرگس که از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار است اما آنها در حال حاضر رابطه خود را مخفی نگه می‌دارند.»

در بخش رقابتی «پروکسیمیا» نیز فیلم «ماده تاریک» ساخته کریم لک‌زاده به نمایندگی از سینمای ایران حضور دارد. این فیلم روایت داستان یک مرد و زن است که به یک جلسه انتخاب بازیگر دعوت می‌شوند اما زمانی که قبول نمی‌شوند، تصمیم می‌گیرند خود فیلمی بسازند، فیلمی که

● سینمای ایران در پنجاه و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری در جمهوری چک، که ۹ تیرماه آغاز به کار کرده، امسال جایگاه ویژه‌ای در این جشنواره خواهد داشت.

● در بخشی با نام «تولد دیگری: سینمای ایران اینجا و اکنون» فیلم‌هایی از کارگردانان جوان ایرانی به نمایش در خواهد آمد که از جمله می‌توان به «ملخ» کاری به کارگردانی فائزه عزیزخانی و «بی‌پایان» از نادر ساعی‌ور اشاره کرد.

● در بخش‌های رقابتی این جشنواره «تورهای خالی» بهروز کرمی‌زاده محصول مشترک ایران و آلمان و «ماده تاریک» ساخته کریم لک‌زاده حضور خواهند داشت. پنجاه و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری با اکران «خرس نیست» از جعفر پناهی کارگردان سرشناس ایرانی نیز تقدیر به عمل خواهد آورد.

احمد رأفت - پنجاه و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری در جمهوری چک، روز ۹ تیر آغاز به کار می‌کند. امسال سینمای ایران جایگاه ویژه‌ای در این جشنواره خواهد داشت. علاوه بر فیلم‌هایی که در بخش‌های رسمی و رقابتی این جشنواره حضور خواهند داشت، برخی آثار سینماگران جوان ایرانی نیز اکران خواهد شد. مدیران این جشنواره در بیانیه‌ای در این رابطه می‌گویند «این آثار در مجموع شاهدهی روشنگر از خلاقیت سوزان هنرمندان ایران در مواجهه با واقعیت‌های چالش‌برانگیز است. ما کارهای ۹ فیلمساز عمدتاً جوان را که به وضوح با نسل‌های گذشته سینمای کشورشان ارتباط معنوی دارند، انتخاب کرده‌ایم که با حساسیتی قابل توجه و خلاقیتی فوق‌العاده با واقعیت‌های کنونی روبرو می‌شوند.» کارهایی که به گفته دست‌اندرکاران این جشنواره با درام، کم‌دی، و تخیلی، موزائیکی از واقعیت‌های جامعه امروزی ایران را در سینما ثبت کرده‌اند.

«بی‌پایان» کاری از نادر ساعی‌ور، «ملخ» از فائزه عزیزخانی، «پوست» از بهمن و بهرام ارک، «دروازه رویا» ساخته نگین احمدی، «سفر به ماه» به کارگردانی محمدرضا شایان‌زاد، «رودخانه سیاه و سفید» از فرزین محمدی، «آفرینش بین دو سطح» از حسین رحیبیان، و «ک» از وحید وکیلی‌فر و «مرزهای بی‌پایان» ساخته عباس امینی آثاری هستند که در این بخش ویژه اکران خواهند شد. تمامی این فیلم‌ها در چهار سال اخیر یعنی بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ساخته شده‌اند و از جنبه‌های مختلفی به زندگی و شرایط کنونی در ایران می‌پردازند.

به این بخش با الهام از فروغ فرخزاد نام «تولد دیگری: سینمای ایران اینجا و اکنون» داده شده است. لورنزو اسپوزیتو طراح این بخش از جشنواره کارلووی واری درباره این فیلم‌های ایرانی می‌گوید «به این سینما نباید با ابزارهای معمولی که برای رمزگشایی اکثر فیلم‌ها استفاده می‌کنیم، نگاه کرد. این سینما ما را وادار می‌کند که ابزارهای خود را دوباره اختراع کنیم، نحوه دیدن و تفسیر فیلم را دوباره ابداع کنیم تا با نیت‌های این فیلمسازان درگیر شویم.»

در این بخش برای نمونه می‌توان به فیلم کافکایی نادر ساعی‌ور «بی‌پایان» اشاره کرد که به نویسندگی و تدوین مشترک جعفر پناهی تهیه شده است. این فیلم با واقع‌گرایی به کنترل و تحقیر افراد توسط رژیم‌های خودکامه می‌پردازد.

دردِ دگرذیسی؛ مقاله هشتم: مردم علیه مردم؟



● حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه، تعریفی یکدست، بی‌روح و تنوع‌ستیز از «مردم» دارند که با توسل به آن هر صدای مخالف و هر نوع دگراندیشی و دگرباشی را با انگ «ضد مردمی» و «ضد خلقی» بودن، وحشیانه سرکوب می‌کنند.

● تا پیش از خیزش سراسری ۱۴۰۱، لابیگران فاسد و مزدور جمهوری اسلامی در برون‌مرز، به شدت می‌کوشیدند تا روایت نظام جمهوری اسلامی از «مردم» ایران را برای دولت‌های خارجی جا بیاندازند. بر اساس این روایت، «مردم» ایران نه تنها مدافع دولت جمهوری اسلامی بودند بلکه نهایت خوشبینی و امیدواری را به آینده نظام جمهوری اسلامی داشتند. این تبهکاران صادراتی، سیرک انتخاباتی حکومت را دلیل مشروعیت نظام می‌دانستند و وضعیت کشور را نتیجه‌ی خواست و اراده‌ی ایرانیان معرفی می‌کردند.

● طی سال‌های اخیر، به ویژه پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، نظام جمهوری اسلامی به مرور امکان ارائه یک روایت یکدست از «مردم» را از دست داد. خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ هم میخ آخر را به تابوت «مردم» مطلوب جمهوری اسلامی کوبید. سرکوب‌ها، کشتارها و اعدام‌های پس از خیزش‌های این چند سال نیز بر نارضایتی عمومی از حکومت افزود و به شدت اعتراضات بعدی اضافه کرد.

یوسف مصدقی - یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در عالم سیاست، واژه «مردم» است. این واژه هرچند در ادبیات سیاسی به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد اما مفهومی روشن و قابل ارزیابی ندارد. در واقع، در بسیاری موارد، فرصت‌طلبان شاغل در عرصه سیاست از این لغت برای سفسطه و شعبده استفاده می‌کنند. این جماعت برای کسب مشروعیت و پارگیری از میان توده‌ها، همواره خود را از «مردم»، در کنار «مردم» و برای «مردم» توصیف می‌کنند. طبیعی است که چنین مدعیان فرصت‌طلبی، رقبا و منتقدان‌شان را غیرمردمی خطاب کنند و در هر مناقشه‌ای برای از میدان به در کردن رقیب، دست به دامان این مغلطه شوند.

به همین ترتیب و در مقیاس و مرتبه‌ای مهم‌تر، حکومت‌ها هم روایت خود را از «مردم» دارند. خطرناک‌ترین این روایت‌ها مربوط به حکومت‌های تمامیت‌خواه است. حکومت‌هایی از این دست اصولا کتاب لغت مخصوص به خود دارند و سوء استفاده از کلمات آن کتاب، پهنانه برای جنایت و خشونت به دست آنها می‌دهد. حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه، تعریفی یکدست، بی‌روح و تنوع‌ستیز از «مردم» دارند که با توسل به آن هر صدای مخالف و هر نوع دگراندیشی و دگرباشی را با انگ «ضد مردمی» و «ضد خلقی» بودن، وحشیانه سرکوب می‌کنند.

حکومت جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. بنیانگذار این حکومت تبهکار، از روز نخست به قدرت رسیدن، با تکیه بر توده‌های بی‌هویت و بی‌شکلی که گله‌وار پیاده‌نظام انقلاب نکبت‌بار ۵۷ را تشکیل داده بودند، از حربه «مردم» و «ملت» برای نابودی مخالفان و منتقدانش استفاده کرد. خمینی در همان روز بازگشتش از تبعید، در خطابه پریشانی که در گورستان ادا کرد، اینچنین شاپور بختیار و هواداران قانون اساسی مشروطه را از دایره «ملت» و «مردم» بیرون انداخت: «... یک نفر آدمی که

حاکم، منتفع می‌شوند. مجموعه‌ی این حامیان فساد و استبداد، همواره از سوی حاکمان، «مردم» خوانده شده‌اند. تا پیش از خیزش سراسری ۱۴۰۱، لابیگران فاسد و مزدور جمهوری اسلامی در برون‌مرز، به شدت می‌کوشیدند تا روایت نظام جمهوری اسلامی از «مردم» ایران را برای دولت‌های خارجی جا بیاندازند. بر اساس این روایت، «مردم» ایران نه تنها مدافع دولت جمهوری اسلامی بودند بلکه نهایت خوشبینی و امیدواری را به آینده نظام جمهوری اسلامی داشتند. این تبهکاران صادراتی، سیرک انتخاباتی حکومت را دلیل مشروعیت نظام می‌دانستند و وضعیت کشور را نتیجه‌ی خواست و اراده‌ی ایرانیان معرفی می‌کردند. بر مبنای این روایت حکومتی، «مردم» اگر گاهی هم نشانه‌ای از نارضایتی بروز می‌دهند، در نهایت، راه حل را در اصلاح حکومت و در داخل نظام می‌دانند. بله! به قول خمینی: «ملت این است» و دیگرانی که در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران اعتراض می‌کنند و برای براندازی تبهکاران حاکم بر ایران فریاد می‌زنند، مشت‌ی اشرار هستند.

طی سال‌های اخیر، به ویژه پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، نظام جمهوری اسلامی به مرور امکان ارائه یک روایت یکدست از «مردم» را از دست داد. خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ هم میخ آخر را به تابوت «مردم» مطلوب جمهوری اسلامی کوبید. سرکوب‌ها، کشتارها و اعدام‌های پس از خیزش‌های این چند سال نیز بر نارضایتی عمومی از حکومت افزود و به شدت اعتراضات بعدی اضافه کرد. حالیه، معترضین خون به دل، روز به روز و بیش از گذشته، همه‌ی این سیاهکاری‌ها را از چشم هواداران نظام جمهوری اسلامی می‌بینند. اینهمه، حکایت از آن دارد که میزان نفرت و خشم عمومی نسبت به نظام و هوادارانش هیچگاه به وسعت و شدت اکنون نبوده است. در چنین شرایطی تنها حربه‌ای که برای مقابله با موج اعتراضات در دست حکومت تبهکار باقی می‌ماند، ترفند کهنه و شروانه‌ی «مردم علیه مردم» است.

آنچه این ترفند را کارآمد و خطرناک می‌کند، نیرو

نه ملت قبولش دارد، نه هیچیک از طبقات ملت از هر جا بگید قبولش ندارد؛ بله چند تا از اشرار را دارند که میارند توی خیابان‌ها، از خودشون هستی این اشرار، فریاد هم می‌کنن از این حرفا هم می‌زنن. لکن ملت این است. این ملت است [به جمعیت حاضر در قبرستان اشاره می‌کند]... از همان روز نحس ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، رهبر شید آن انقلاب، بخشی از جامعه را بجای تمام «مردم» نشاند و این سرآغازی شد برای استفاده از چماق «مردم» برای سرکوب مخالفان رژیم تبهکار و گانگسترپرور جمهوری اسلامی.

از آن زمان تا اکنون، گانگسترهای اداره‌کننده شرکت سهامی جمهوری اسلامی - اعم از میانه‌رو یا تندرو، اصولگرا یا اصلاح‌طلب - جملگی به پیروی از رهبر خدعه‌گوشان، خود را نماینده‌ی انحصاری «مردم» دانسته‌اند و با تکیه بر این واژه کلی و گنگ، هر فرد یا گروهی را که از در مخالفت با سیاهکاری‌های نظام مافیایی‌شان درآمد، «ضد مردمی»، «طاغوتی»، «مستکبر»، «غربزده» و... خوانده‌اند و به نابودی‌اش کوشیده‌اند.

شک نیست که هر حکومتی - حتی ستمگرترین و فاسدترین حکومت‌ها - همواره حمایت اقلیتی از جامعه‌ای را که بر آن حکومت می‌کند، دارد. این قضیه در مورد حکومت فاسد و چپاولگر جمهوری اسلامی هم صدق می‌کند. هواخواهان و حامیان مافیای حاکم بر ایران اگرچه جمعیتی به مراتب کمتر از ناراضیان، معترضان و براندازان دارند اما بسیاری از آنها به واسطه سال‌ها انتفاع مستقیم یا غیرمستقیم از استمرار حکومت تبهکار جمهوری اسلامی، روز به روز فربه‌تر و هارتر شده‌اند. این جماعت به خاطر اینکه هست و نیست‌شان وابسته به حفظ وضع موجود است، از هیچ سیاهکاری و جنایتی برای حفظ نظام رویگردان نیستند. به بیان دیگر، در میان هواخواهان حکومت فاسد جمهوری اسلامی، اشخاص و گروه‌هایی هستند که به خاطر منافع فردی یا طبقاتی‌شان از حفظ وضع موجود به هر بهایی، حمایت می‌کنند. این عده یا مستقیماً جیره‌خوار و حقوق‌بگیر نهادهای حکومتی هستند یا غیرمستقیم از شرایط فاسد ناشی از استمرار استبداد

اکنون میست: عربستان بعد از تعطیلات «عید قربان» سفارت خود را در تهران بازگشایی می کند



سفر وزیر خارجه عربستان به تهران / ۲۷ خرداد ۱۴۰۲

را اقدامی «نادر» توصیف کرده، مقامات جمهوری اسلامی در کنفرانس خبری مشترک با حسین امیرعبداللهیان نقره داغ کرد! او حاضر نشد در سالتی بماند که بر دیوار آن عکس قاسم سلیمانی و روح‌الله خمینی نصب شده بود. فیصل بن فرحان سالن را ترک کرد و میزبانان مجبور شدند کنفرانس را در سالن دیگری برگزار کنند.

کاری که فیصل بن رحمان کرد نهایت تحقیر جمهوری اسلامی بود اما مصلحت نظام حکم می‌کرد که آن را توجیه کرده و به روی خود نیاورد. وبسایت «رویداد ۲۴» در اینباره نوشت که احتمالاً اگر چنین اتفاقی در دولتی دیگر رخ داده بود، تا کنون ۱۰ بار حکم اعدام وزیر خارجه توسط نیروهای ارزشی صادر شده بود و فریاد «واسلاما» هنوز تمام نشده بود؛ اما اینبار دولت «خودی» بود و اگر عکس سردار از ساختمان وزارتخانه هم خارج می‌شد، مشکلی وجود نداشت!

سلمان ذاکر نماینده اورمیة در مجلس شورای اسلامی در واکنش به تغییر محل نشست خبری وزیر خارجه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی به دلیل عکس قاسم سلیمانی نهم تیرماه به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت که «این تغییر به مصلحت بود و اگر از روی مدیریت باشد و بخواهد به تدریج جایگاه قاسم سلیمانی را برای آنها تفهیم کند، مشکلی ندارد.»

رسانه‌های وابسته در ایران و مقاماتی که درباره تغییر سالن کنفرانس خبری به دلیل عکس‌های آن واکنش نشان دادند در حالی تنها به عکس قاسم سلیمانی اشاره کرده‌اند که حساب کاربری منسوب به «پادشاهی عربی سعودی» به زبان فارسی همان زمان نوشت: «در سفر وزیر خارجه سعودی به تهران، در مکانی که تصویر قاسم سلیمانی و خمینی بر روی دیوار بود نشست خبری صورت نگرفت. از این رو، وزارت خارجه ج.ا. فوراً سالن دیگری را آماده نشست خبری کرد.»

● به نظر می‌رسد سعودی‌ها کمتر نگران یک مهلت معین برای بازگشایی سفارتخانه هستند. سفیر آنها در واشنگتن می‌گوید: «ما در حال کار روی آن هستیم.»

● اکنون میست می‌نویسد: سعودی‌ها هنوز به یک آتش‌بس دائمی با شبه‌نظامیان حوثی که هشت سال است از سوی جمهوری اسلامی حمایت می‌شوند نرسیده‌اند و جنگ در یمن همچنان ادامه دارد. صحبت از سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان در ایران همچنان در حد حرف باقی مانده است. حتی اگر دو حکومت دیگر دشمن هم نباشند اما از دوست بودن نیز بسیار دور هستند.

● سلمان ذاکر نماینده اورمیة در مجلس شورای اسلامی در واکنش به تغییر محل نشست خبری وزیر خارجه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی به دلیل عکس قاسم سلیمانی نهم تیرماه به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت که «این تغییر به مصلحت بود و اگر از روی مدیریت باشد و بخواهد به تدریج جایگاه قاسم سلیمانی را برای آنها تفهیم کند، مشکلی ندارد.»

● رسانه‌های وابسته در ایران و مقاماتی که درباره تغییر سالن کنفرانس خبری به دلیل عکس‌های آن واکنش نشان دادند در حالی تنها به عکس قاسم سلیمانی اشاره کرده‌اند که حساب کاربری منسوب به «پادشاهی عربی سعودی» به زبان فارسی همان زمان نوشت: «در سفر وزیر خارجه سعودی به تهران، در مکانی که تصویر قاسم سلیمانی و خمینی بر روی دیوار بود نشست خبری صورت نگرفت. از این رو، وزارت خارجه ج.ا. فوراً سالن دیگری را آماده نشست خبری کرد.»

شنیده‌ها حاکی از آن است که عربستان سعودی پس از پایان تعطیلات «عید قربان» که آخر همین هفته به پایان می‌رسد، سفارت خود را در تهران بازگشایی خواهد کرد. هفته‌نامه «اکنون میست» روز شنبه یکم ژوئیه (۱۰ تیرماه) با این اعلام این خبر نوشت: «در ماه مارس ۲۰۲۳، دو دشمن دیرینه برای از سر گرفتن مجدد روابط دیپلماتیک خود توافق کردند که سفارت‌های خود را طی دو ماه بازگشایی کنند. ایران ششم ژوئن [۱۶ خرداد] این کار را انجام داد.»

به نظر می‌رسد سعودی‌ها کمتر نگران یک مهلت معین برای بازگشایی سفارتخانه هستند. سفیر آنها در واشنگتن می‌گوید: «ما در حال کار روی آن هستیم.»

هر دو کشور و همچنین چین که به عنوان میانجی به این توافق یاری رساند، امیدوارند که تنش‌ها در منطقه کاهش یابد. ماه گذشته وزیر خارجه عربستان سعودی در اقدامی نادر به تهران سفر کرد و به نظر می‌رسد لفاظی‌های خصمانه جای خود را به صحبت از همکاری داده است. اما پیشرفت قابل ملاحظه وجود نداشت.

سعودی‌ها هنوز به یک آتش‌بس دائمی با شبه‌نظامیان حوثی که هشت سال است از سوی جمهوری اسلامی حمایت می‌شوند نرسیده‌اند و جنگ در یمن همچنان ادامه دارد. صحبت از سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان در ایران همچنان در حد حرف باقی مانده است. حتی اگر دو حکومت دیگر دشمن هم نباشند اما از دوست بودن نیز بسیار دور هستند. وزیر خارجه عربستان در سفر خود که «اکنون میست» آن

گرفتن آن از شکاف‌ها و تضادهای موجود در جامعه است. بر این اساس، حکومت تبهکار جمهوری اسلامی برای فعال کردن گسل‌های مستعد در جامعه ایران از همه امکاناتش استفاده می‌کند تا به بهانه ناامنی حاصل از فعالیت آنها، زمینه خشونت بیشتر و سرکوب همه‌جانبه معترضان را فراهم کند. سه معضلی که بیش از همه می‌توانند به سناریوی «مردم علیه مردم» کمک کنند:

نخست مشکلات معیشتی و نابرابری‌های اقتصادی و شکاف میان فقیر و غنی است،

دوم موضوع اقلیت‌های قومی و خطر تجزیه‌طلبی است، و سه دیگر موضوع تقابل میان بخش رادیکال مذهبی با بخش‌های غیرمذهبی و عرفی جامعه ایران است.

یک؛ شکاف عظیم درآمدی میان برخورداران و نابرخورداران جامعه ایران- که در اثر فساد و ناکارآمدی حاکمان به سرعت و ساعت به ساعت در حال افزایش است- در آینده نزدیک موجب موج جدیدی از شورش گرسنگان و فقرا خواهد شد. ناامنی حاصل از این شورش، بهانه به دست حکومت خواهد داد تا با پارگیری و اقتناع قشر خاکستری و مردد طبقه متوسط و بالاتر از متوسط جامعه، از آنها برای سرکوب شورشیان تأیید بگیرد. با این روش، یک قسمت از «مردم» برای حفظ امنیت گورستانی جمهوری اسلامی علیه بخش دیگری از «مردم» جان به لب رسیده با حکومت سرکوبگر همدست خواهد شد و از این رهگذر به رفتار و سیاست‌های حکومت تبهکار جمهوری اسلامی مشروعیتی نسبی خواهد بخشید.

دو؛ در موضوع اقلیت‌های قومی و مذهبی ایرانی، سیاست همیشگی نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر دیگری‌سازی از این اقلیت‌هاست. این سیاست، همواره ظرفیت تولید نفرت از دیگری و تزریق این نفرت به باقی جامعه را دارد. شوربختانه، احزاب تجزیه‌طلب شناسنامه‌دار در غرب کشور و گروه‌های بنیادگرای سلفی در شرق مملکت با اینکه کسر کوچکی از باشندگان شریف این مناطق ایران را تشکیل می‌دهند اما می‌توانند بهانه و خوراک مناسبی برای این دیگری‌سازی و نفرت‌پرانی به دستگاه تبلیغاتی حکومت بدهند. از آنجا که شبکه‌های پروپاگاندای جمهوری اسلامی در این کار تجربه کافی دارند، به سهولت می‌توانند با تحریک عموم «مردم» علیه اقلیتی از «مردم» مسیر نارضایتی عمومی در جامعه را به نفع حکومت منحرف کنند.

سه؛ خطرناک‌ترین و البته محتمل‌ترین امکان برای اجرای سناریوی «مردم علیه مردم» در وضعیت فعلی ایران، تقابل میان دینداران متعصب و آزادیخواهان فعال جامعه است. جامعه ایران در مرحله فرجامین دگردیسی‌اش، پس از قرن‌ها تحمل، مقابل ارزش‌های تحمیلی مذهب شیعه طغیان کرده است. به این سبب، بهانه اصلی خیزش ۱۴۰۱ عصیان بخش بزرگی از ایرانیان در برابر حجاب اجباری بود که تا هنوز، آثار ماندگارش در خیابان‌های سراسر ایران مشاهده می‌شود. این طغیان، خود به خود واکنش دینداران متعصب جامعه را برانگیخته است. چنین زمینه‌ی آماده‌ای، به راحتی می‌تواند برای به اجرا درآوردن بازی خطرناک «مردم علیه مردم»، مورد بهره‌برداری حکومت تبهکار جمهوری اسلامی قرار بگیرد.

تنها چاره برای مقابله با هر سه خطر مورد اشاره، تقویت همدلی ملی و ترویج حس ایراندوستی میان تمام باشندگان و شهروندان جامعه در حال دگردیسی ایران است. اگر ایرانیان به درک هستی ایران و فهم ارجمندی ایرانی بودن برسند، با وجود اختلاف سلیقه‌های عمیق و ریشه‌دار، هیچگاه به دام بازی‌ای که نتیجه ناگزیرش آسیب به وطن و نابودی هموطن است نخواهند افتاد.



ضرب و جرح ناهید شیرپیشه در زندان زنجان؛ مأموران فقط نظاره‌گر بودند!

شکست در ورودی و تفتیش و ضبط برخی وسایل شخصی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات کرج منتقل شد و پس از طی مراحل بازجویی و تفهیم اتهام در تاریخ ۶ مردادماه ۱۴۰۱، به بند زنان در زندان «کچویی» کرج منتقل گشت.

شعبه یک دادگاه انقلاب کرج مرکز استان البرز چهارشنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ ناهید شیرپیشه را به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد.

اتهامات این مادر دادخواه «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» اعلام شده است. صدور حکم پنج سال زندان برای ناهید شیرپیشه همزمان با آغاز خیزش ملی اخیر مردم علیه جمهوری اسلامی در شهریورماه امسال صورت گرفت!

ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری نیز روز ۸ آبان یکشنبه در آستانه سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و سومین سالروز جان باختن فرزند برومندش به زندان زنجان منتقل و در اقدامی غیرقانونی ماهها در سلول انفرادی بدون اجازه از حق مرخصی محبوس شد.

منوچهر بختیاری نیز آخرین بار در تاریخ ۹ اردیبهشتماه ۱۴۰۰، توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شد. او نهایتاً توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده و از بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد.

منوچهر بختیاری روز چهارشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۰ بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شد. علی شریفزاده وکیل منوچهر بختیاری ۳۰ تیرماه امسال خبر داده بود که موکلش «با توجه به شرایط جسمانی» و «خونریزی دستگاه گوارش» به مراقبت و درمان نیاز دارد.

تیرماه ۱۴۰۱ نیز گزارش شده بود که منوچهر بختیاری پیشتر با وجود ابتلا به بیماری های کلیوی، پروستات و فتق و با وجود تاییدیه پزشکی قانونی مبنی بر نیاز جدی به اقدامات درمانی، از رسیدگی پزشکی تخصصی و اعزام به مرخصی درمانی محروم مانده است.

منوچهر بختیاری دیماه ۱۴۰۰ پس از مطلع شدن از صدور حکم غیرقانونی زندان، دست به اعتصاب غذا زد. او به سلول انفرادی منتقل شد اما پیش از انتقال در نامه ای اعلام کرد که «این دادخواهی خاموش شدنی نیست» و «دستوردهندگان و انجام دهندگان این جنایت مطمئن باشند به زودی در دادگاه ملت ایران محاکمه و به سزای اعمال خویش خواهند رسید.»

می‌ترسد. این مشکل همیشه بوده اما بعد از جان باختن پویا این مشکل بسیار حادث‌تر شد و افسردگی شدید گرفت ... او حال روحی نامناسبی دارد و در همین چند ماه هم ناهید سالها پیر شده و متأسفانه رژیم اصلاً اهمیتی برای این مسائل قائل نیست.»

به نظر می‌رسد پس از ماهها حبس غیرقانونی ناهید شیرپیشه در سلول انفرادی مقامات امنیتی تصمیم گرفتند با انتقال ناهید شیرپیشه به بند عمومی، شکنجه او را توسط زندانیان ادامه دهند.

سالمه است جمهوری اسلامی از رعایت قانون «تفکیک زندانیان» برای زندانیان سیاسی سر باز می‌زند و با انتقال آنها به بند زندانیان جرائم خطرناک آنها را با عذاب روبرو می‌کند. پیش از این نیز چند زندانی سیاسی دیگر توسط زندانیان جرائم خطرناک با ضرب و جرح روبرو شدند.

علیرضا شیرمحمدعلی زندانی سیاسی محبوس در تیپ ۱ سالن ۱۱ زندان تهران بزرگ در خردادماه ۱۳۹۸ در پی حمله ۲ نفر از متهمان جرائم خطرناک با چاقو از ناحیه شاهرگ و شکم مورد آسیب شدید قرار گرفت و پیش از انتقال به بیمارستان فیروزآبادی تهران جان خود را از دست داد.

ضرب و جرح زندانیان سیاسی گاهی از سوی مأموران زندان صورت می‌گیرد. در دیماه سال گذشته گزارشی از ضرب و جرح منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری در زندان قزوین منتشر شد.

خانواده پویا بختیاری، جوان ۲۷ ساله‌ای که در اعتراضات آبان ۹۸ با شلیک مستقیم مأموران حکومتی به سرش جان باخت، از جمله خانواده‌های دادخواه هستند که هزینه‌های زیادی را به «جرم» دادخواهی پرداخت کردند. منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه، پدر و مادر پویا، مدت‌هاست در زندان و در بدترین شکل ممکن در انفرادی محبوس هستند. تمام کسب و کارهای عمه و عموهای پویا متأثر از ایستادگی خانواده برای دادخواهی و با سناریوهای نهادهای امنیتی به تعطیلی کشیده شده و به این ترتیب منابع درآمد چند خانواده در فامیل بختیاری قطع شده است.

عموهای پویا با پرونده قضایی روبرو هستند و یکی از عموهای وی، مهرداد، به پنج سال زندان محکوم شده است. ناهید شیرپیشه و منوچهر بختیاری از نخستین ساعات پس از جان باختن فرزند بطور علنی از دادخواهی خون فرزند گفتند و فشارها نیز از همان روزها شروع شد و در یک مقطع حدود ۱۲ عضو خانواده با هم بازداشت شدند.

ناهید شیرپیشه در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۴۰۱، در پی یورش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی به منزل شخصی او پس از

● مونا بختیاری که هم‌اکنون پدر و مادرش هر دو به دادخواهی فرزندان، پویا، زندانی هستند، می‌گوید مادرش «با وضعیت روحی و جسمی بد و بدنی کبود گفت توسط زندانیان خود مختار یا اجیر شده مورد ضرب و شتم قرار گرفته، مأمورین مداخله نکرده اند و همیشه در این مواقع دوربین‌ها خرابه.»

● ضرب و جرح زندانیان سیاسی گاهی از سوی مأموران زندان صورت می‌گیرد. در دیماه سال گذشته گزارشی از ضرب و جرح منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری در زندان قزوین منتشر شد.

● خانواده پویا بختیاری، جوان ۲۷ ساله‌ای که در اعتراضات آبان ۹۸ با شلیک مستقیم مأموران حکومتی جان باخت، از جمله خانواده‌های دادخواه هستند که هزینه‌های زیادی را به «جرم» دادخواهی پرداخت کردند.

ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری از جانباختگان اعتراضات آبان ۹۸ در زندان زنجان مورد ضرب و جرح زندانیان بند عمومی قرار گرفته است.

مونا بختیاری دختر ناهید شیرپیشه با اعلام خبر ضرب و جرح مادرش در زندان نوشته «اینبار که به ملاقات مادرم رفتم متوجه شدم تنها پس از گذشت ۳ هفته که در بند عمومی بود به درخواست خودش به انفرادی منتقل شده.»

مونا بختیاری در ادامه نوشته که «با وضعیت روحی و جسمی بد و بدنی کبود گفت توسط زندانیان خود مختار یا اجیر شده مورد ضرب و شتم قرار گرفته، مأمورین مداخله نکرده اند و همیشه در این مواقع دوربین‌ها خرابه.» او در ادامه نوشته که «جان مادرم ناهید شیرپیشه و پدرم منوچهر بختیاری در خطر است! امنیت جانشان به عهده چه کسی است؟»

ضرب و جرح ناهید شیرپیشه در زندان در حالی صورت گرفته که او ماهها پس از انتقال به زندان زنجان در سلول انفرادی نگهداری می‌شد و به دلیل ترس از محیط بسته و تنهایی، حضور در سلول انفرادی به شکنجه‌ای مضاعف برای او تبدیل شده بود.

پیشتر و در اردیبهشت امسال صبا بختیاری عمه پویا بختیاری در گفتگو با «کیهان لندن» در اینباره گفته بود که «ناهید شیرپیشه از آزادی کاملاً قطع امید کرده و فقط خواسته‌اش این است که به بند عمومی انتقال پیدا کند اما با این هم موافقت نشده. مادر پویا از یازده ماه پیش که دستگیر شده هیچ تماسی با بیرون از زندان و خارج از سلول انفرادی نداشته و فقط دو بار مونا دخترش توانسته ایشان را در زندان زنجان ملاقات کند. ناهید از محیط بسته

سرکوب معلمان معارض در مقابل وزارت آموزش و پرورش؛ حالا نمایندگان مجلس مدافع حقوق آموزگاران شدند؟!



تعداد زیادی از فرهنگیان از بلا تکلیفی و چشم‌انتظاری نجات خواهند یافت.

۲- صدور دستور صریح به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها برای پرداخت کشور ناشی از اجرای رتبه‌بندی بازنشستگان فرهنگی تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۱ به صندوق کشوری و متعاقب آن صدور حکم نهایی بازنشستگی توسط صندوق بازنشستگی کشوری به منظور تعیین حقوق و مستمری بازنشستگان و پاداش پایان خدمت.

۳- پرداخت کلیه مابه‌التفاوت ناشی از اجرای بندهای مورد درخواست توسط صندوق بازنشستگی کشوری به مشمولین این فرایند.

۴- همسان‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری بر اساس ۹۰ درصد حقوق و دستمزد شاغلین هم‌تراز خود طبق برنامه توسعه ششم»

کانال تلگرامی کانون صنفی معلمان ایران تأکید کرده تکاپوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای احقاق حقوق آموزگاران در روزهای اخیر با نزدیک شدن به زمان انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ارتباط دارد.

یکی از نمونه تلاش‌های انتخاباتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی معروف به «مجلس انقلابی» در آستانه انتخابات و برای تحت تأثیر قرار دادن کارکنان وزارت آموزش و پرورش از سوی رضا حاجی پور صورت گرفته است.

رضا حاجی پور عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی به حقوق ناچیز سرایداران مدارس اشاره کرده و گفته که «متأسفانه با وجود افزایش تورم در جامعه اما سرایداران مدارس با حداقل حقوق مشغول خدمت بوده و از دریافتی بسیار پایینی بهره‌مند هستند.»

عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس گفته که با اجرای رتبه‌بندی معلمان حقوق معلمان شاغل و زحمتکش در آموزش و پرورش تا حدی ترمیم پیدا کرد، اما از سوی دیگر دولت هیچ افزایش حقوقی برای سرایداران در نظر نگرفت و زندگی آنها در این شرایط اقتصادی با مشکل مواجه شده است.

به گفته رضا حاجی پور «این خدمتگزاران که حدود بیش از ۶۰ هزار نفر هستند باید حداقل مشمول افزایش فوق‌العاده ویژه شوند تا حدی حقوق آنها افزایش داشته باشد. این حقوق حداقلی در حالی در آموزش و پرورش پرداخت می‌شود که نیروهای خدمتگزار و سرایدار در سایر دستگاه‌ها حقوق بیشتری به نسبت نیروهای شاغل در آموزش و پرورش دریافت می‌کنند در حالی که وظایف یک سرایدار و بابای مدرسه در آموزش و پرورش بسیار بیشتر از نیروهای خدمتگزار در سایر دستگاه‌ها است.»

دیوان عدالت اداری حقانیت ما را پذیرفته است- مجدداً قصد داشتید دیوان عدالت را فریب دهید و حق قطعی معلمان را پایمال کنید و انصاف و انسانیت را سلاخی کنید!»

در ادامه آمده که «این معلمان همگی از نخبگان وزارت آموزش و پرورش هستند که بابت تزییع حق خود با رای اجرای دیوان در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۴۰۲ جلوی وزارتخانه- که خانه و پناهگاهشان به شمار می‌آید- به صورت دستجمعی حاضر شدند تا بدانند که چرا مجموعه‌ی اداری با وجود رأی دیوان عدالت باز هم اینگونه به خصومت برخاسته و با تأکید و اصرار بسیار، می‌خواهد حق‌شان را نابود و خودشان را ناامید کند!»

این معلمان در پایان خطاب به زمامدار صحرایی نوشتند که «این شروع وزارت شما است. وای به حال معلمان در روزهای آینده! برای این فاجعه‌ی رقت‌انگیز در این روز تاریک تاریخ وزارتخانه، چه پاسخی دارید؟»

آموزگاران از جمله اقشاری هستند که طی سال‌های گذشته برای حقوق و مطالبات صنفی خود اعتراضات گسترده‌ای برگزار کرده و هدف سرکوب‌های شدید جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در ماه‌های گذشته و پس از آغاز جنبش ملی نیز آموزگاران از جمله اصنافی هستند که با سرکوب شدید روبرو شدند. در هفته‌های گذشته نیز علیه شمار زیادی از آموزگاران معترض در شهرهای مختلف ایران احکام زندان صادر شده است. کانال صنفی معلمان ایران در تلگرام نیز خبر از نامه ۴۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ابراهیم رئیسی برای رسیدگی به مشکلات معلمان را داده است.

در این نامه آمده است: «احتراماً به عنایت به اینکه حضرتعالی حامی همیشگی معلمان بوده‌اید درخواست ورود و صدور دستور صریح و سریع به وزارت آموزش و پرورش در ارتباط با موارد قانونی زیر را خواهان هستیم، مطمئن باشید دستور جنابعالی می‌تواند دل‌های نگران تعدادی از فرزندان نظام جمهوری اسلامی ایران را که سال‌ها به آموزش و پرورش نسل پویای انقلاب اهتمام داشته‌اند به آرامش برساند.»

این نامه افزوده که «لایحه رتبه‌بندی معلمان مصوبه ۱۴۰۰/۴/۹ مجلس شورای اسلامی با شماره ۴۴۱ از تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۱ قابل اجرا می‌باشد.

۱- صدور دستور اکید برای نهایی شدن و تعیین تکلیف رتبه حقیقی بازنشستگان فرهنگی از تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۱ به بعد و صدور احکام کارگزینی این جامعه هدف به دلیل عدم تحقق این بند توسط ادارات کل آموزش و پرورش کشور تا این تاریخ و پس از گذشت ۲۰ ماه (۱۴۰۰/۶/۳۱ تاکنون) پاداش پایان خدمت این عزیزان بر اساس آخرین حکم رتبه بندی بلا اقدام و مشمول مرور زمان شده است با روشن شدن این موضوع

● آموزگاران مأمور در مدارس ایرانی خارج کشور قصد تجمع اعتراضی در مقابل وزارت آموزش و پرورش داشتند که توسط نیروی انتظامی مورد ضرب و جرح و فحاشی قرار گرفتند و تعدادی از آنها بازداشت شدند.

● آموزگاران معترض خطاب به وزیر جدید آموزش و پرورش نوشتند: این شروع وزارت شما است. وای به حال معلمان در روزهای آینده!

● در ماه‌های گذشته و پس از آغاز جنبش ملی نیز آموزگاران از جمله اصنافی هستند که با سرکوب شدید روبرو شدند.

● کانون صنفی معلمان ایران تأکید کرده تکاپوی برخی نمایندگان مجلس برای احقاق حقوق آموزگاران در روزهای اخیر با نزدیک شدن به زمان انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ارتباط دارد.

مأموران جمهوری اسلامی روز گذشته به ده‌ها آموزگاری که قصد تجمع در مقابل وزارت آموزش و پرورش داشتند حمله کرده و با فحاشی آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده و شماری را بازداشت کردند.

بر اساس گزارش منابع صنفی، شماری از آموزگاران مأمور در مدارس ایرانی خارج کشور روز یکشنبه ۱۱ تیر قصد تجمع اعتراضی مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران داشتند که توسط نیروی انتظامی مورد ضرب و جرح و فحاشی قرار گرفتند و تعدادی از آنها بازداشت شدند.

ساعاتی بعد نامه‌ای از سوی آموزگاران معترض منتشر شد که در آن اعلام کردند تجمع آنها در اعتراض به «تزییع» حق‌شان و عدم توجه مقامات وزارت آموزش و پرورش به مطالبات آنها با وجود رأی عدالت اداری به نفع معلمان بوده است.

معلمان معترض در این نامه نوشتند که آنها از چند روز پیش، حراست وزارتخانه را در جریان «حضور دستجمعی» خود قرار داده بودند و این مجموعه به نیروی انتظامی به گونه‌ای اطلاعات داده بوده که مأموران به معلمان «ناگهان حمله کردند، کتک زدند، دشنام‌ها دادند، حرمت شکستند و معلمان را همچون تبهکاران با سر و صورت خونین و خاک آلود و لباس‌های پاره‌شده و شخصیتی لگدمال‌گشته، به بازداشتگاه بردند.»

در این نامه خطاب به رضا مراد صحرایی وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که در حال حاضر در «سفر حج» بسر می‌برد آمده که «شما و حراست شما ولیمه‌ی دلچسبی به ما معلمان دادید که ۴ سال است برای گرفتن حق خود شکایت کرده‌ایم و همگی رای اجرای دیوان داریم! شما و مجموعه‌ی اداری شما با صدور احکام غلط عامدانه- آنهم بعد از آنکه

مهدی هاشمی و اکبر طبری، «خودی»های مجرم و فاسد، آزادند و شهروندان معترض و خانواده‌های دادخواه در زندان!



با دخالت مستقیم اکبر طبری و با پرداخت رشوه‌ای برابر با حدود ۱۵ هزار متر زمین و سه طبقه ویلای لوکس به ارزش ۴۲۰ میلیارد ریال در بابلسر از زندان آزاد شد و از ایران فرار کرد. رسول دانیال‌زاده یکی از مفسدان کلان اقتصادی معروف به «سلطان فولاد ایران» از نزدیکان حسین فریدون برادر حسن روحانی و یکی از بزرگترین بدهکاران بانکی در ایران است که با وجود پرونده قضایی توانست در برابر پرداخت سه واحد لوکس مسکونی در ساختمان لومار و سه واحد در ساختمان فلورانس به اکبر طبری آزاد شود و به آلمان فرار کند. دانیال زاده آبان ۱۳۹۸ در آلمان بازداشت و به ایران بازگردانده شد.

طبری در شهریور ۱۳۹۹ به اتهام «سردستگی شبکه رشوه‌گیری» و «اخذ رشوه‌های متعدد» به ۳۱ سال حبس، به اتهام پولشویی به ۱۲ سال و نیم حبس و به اتهامات دیگری که جزئیات آن به طور کامل اعلام نشد، به بیش از ۱۵ سال زندان محکوم شد. طی دو سال گذشته بارها خبر آزادی طبری از زندان منتشر شده اما هربار قوه قضاییه آنرا تکذیب کرد و شایعه خواند. در یکی از آخرین خبرها وبسایت «اعتمادآنلاین» ۲۱ خرداد امسال خبری را مبنی بر «نقض بخشی از محکومیت و ارسال پرونده او به دادگاه بدوی برای بررسی مجدد» منتشر کرد.

قوه قضاییه: لغو حکم زندان اکبر طبری شایعه است

اکنون در پی سخنان رئیس سازمان زندان‌ها در صداوسیما جمهوری اسلامی، خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه درباره وضعیت چند متهم «خودی» که با اختلاس و رشوه و فساد مالی گسترده به زندان محکوم شده بودند توضیحاتی ارائه کرده است.

خبرگزاری «میزان» نوشته که بابک زنجانی و شهرام جزایری در زندان و در حال طی دوران محکومیت هستند. در مورد مهدی هاشمی همان طور که پیش‌تر نیز اطلاع رسانی شده وی پس از تحمل ۷ سال زندان و پرداخت جزای نقدی و اجرای حکم شلاق هم اکنون طبق قانون و به صورت آزادی مشروط در خارج از زندان است.

خبرگزاری «میزان» همچنین درباره محمدعلی نجفی فعال اصلاح‌طلب، وزیر آموزش و پرورش و وزیر علوم در دولت‌های هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی، و

افراد بر مبنای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفته و در صورت درخواست یک زندانی برای استفاده از این ماده «به صورت موقت اجرای حکم متوقف و او از زندان آزاد می‌شود و مجدداً به پرونده‌اش رسیدگی می‌شود.»

بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «رئیس قوه قضاییه تنها شخصی است که می‌تواند، در خصوص آرای قطعی صادره از مراجع قضایی که برخلاف شرع صادر شده‌اند، در دیوان عالی کشور دستور به اعاده دادرسی دهد.» حال آنکه «رئیس قوه قضاییه» و دستگاه عریض و طویل تحت مسئولیت‌اش هیچ گوش شنوایی برای درخواست‌های زندانیان غیرخودی ندارد چه برسد به زندانیان منتقد و معترض!

پیش‌تر هم غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس کنونی قوه قضاییه از اکبر طبری حمایت کرده و گفته بود که «برای بسیاری از معاونین عالی قوه، رئیس پیشین [صادق لاریجانی] و حتی من احراز نشد که ایشان متخلف است وگرنه حتماً اقدامی می‌کردیم.»

اکبر طبری در زمان ریاست صادق آملی لاریجانی بر قوه قضاییه، معاونت اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه را بر عهده داشت. یک هفته پس از آنکه سیدابراهیم رئیسی به عنوان ریاست قوه قضاییه مشغول به کار شد، در نخستین جایگاهی در قوه قضاییه با صدور حکمی یوسف باقری را بجای اکبر طبری، به عنوان سرپرست معاونت اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه منصوب کرد. چند روز بعد خبر بازداشت اکبر طبری منتشر شد.

پرونده اکبر طبری یکی از تکانه‌دهنده‌ترین پرونده‌های فساد و رشوه و تخلف و فعالیت مافیایی در جمهوری اسلامی بود که به دادگاه کشیده و رسانه‌ای شد.

بر اساس مستندات پرونده اکبر طبری با دریافت رشوه‌های کلان یا از به جریان افتادن پرونده‌ها جلوگیری می‌کرده و یا با استفاده از اختیاراتش دستور صدور قرار منع تعقیب و لغو ممنوع‌الخروجی این افراد را صادر و موقعیت فرار از کشور را برای آنها فراهم کرده است.

مصطفی نیاز آذری که در دی‌ماه ۹۰ به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی کشور بازداشت شده بود از جمله افرادی است که

● رئیس سازمان زندان‌ها آزادی اکبر طبری و مهدی هاشمی را «تبعیض» و «ارفاق» ندانسته و موضوع «مرخصی طولی‌المدت» برای این مقامات پیشین و «خودی»ها را رد کرده است.

● طی دو سال گذشته بارها خبر آزادی طبری از زندان منتشر شده اما هربار قوه قضاییه آنرا تکذیب کرد و شایعه خواند. ● رسانه‌ها و فعالان نزدیک به اصلاح‌طلبان در داخل و خارج از ایران، طی ساعات گذشته با برجسته کردن خبر آزادی «اکبر طبری» تلاش کردند آزادی مهدی هاشمی را در خبرها و گزارش‌های خود کمرنگ کنند!

● اینهمه در حالیست که شهروندان معترض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و مدنی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی و حتی خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران رژیم کشته شده‌اند، برخلاف قوانین خود جمهوری اسلامی به مدت طولانی در «بازداشت موقت» به گروگان گرفته شده و در دوران حبس نیز از حقوق قضایی مانند حق ملاقات، حق تماس و حق برخورداری از مرخصی پزشکی محروم هستند.

قوه قضاییه اعلام کرده که اکبر طبری و مهدی هاشمی در خارج از زندان بسر می‌برند. آزادی فاسدان «خودی» با تخلفات سنگین اداری و مالی در حالی صورت گرفته که شهروندان معترض و فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران و حتا خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران حکومت کشته شده‌اند، مدت‌هاست بر خلاف قوانین خود جمهوری اسلامی در زندان‌ها به گروگان گرفته شده‌اند.

غلامعلی محمدی رئیس سازمان زندان‌ها شامگاه چهارشنبه هفتم تیر در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرده که اکبر طبری معاون اجرایی پیشین قوه قضاییه که به رشوه‌گیری و تخلفات سنگین مالی و اداری محکوم شده بود در زندان نیست! رئیس سازمان زندان‌های قوه قضاییه توضیح داده که اکبر طبری که به ۳۱ سال زندان محکوم شده ولی «نه عفو خورده، نه مرخصی رفته و نه الان در زندان است!»

غلامعلی محمدی تأکید کرده که اکبر طبری «بر اساس اصول و موازین و با تصمیم مرجع قضایی به صورت موقت بیرون از زندان» است.

رئیس سازمان زندان‌ها همچنین درباره مهدی هاشمی فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی که در سال ۹۴ به جرم اختلاس، ارتشاء و مسائل امنیتی به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، گفته که مهدی هاشمی با تصمیم مسئول قضایی آزاد شده است. غلامعلی محمدی آزادی اکبر طبری و مهدی هاشمی را «تبعیض» و «ارفاق» ندانسته و موضوع «مرخصی طولی‌المدت» برای این مقامات پیشین و «خودی»های نظام را رد کرده است.

این ادعا در حالیست که بیش از ۷۱ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی مرکز زیرمجموعه دانشگاه «امام صادق» که نهادی حکومتی است، معتقدند نهادهای قانونی میان مردم و مسئولین برخورد تبعیض‌آمیز دارند و نهادهای قانونی نسبت به افرادی که مسئولیت دولتی دارند، آسان می‌گیرند. طبق این نظرسنجی که به تازگی منتشر شده، حدود ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که روش‌های قانونی برای احقاق حق در ساختار جمهوری اسلامی ناکارآمد است. حالا نیز رئیس سازمان زندان‌ها مدعی شده که آزادی این

تفاهمنامه امنیتی میان جمهوری اسلامی و روسیه؛ از مقابله با «عوامل بی‌ثبات‌کننده» تا «حفاظت از تأسیسات دولتی»



دیدار احمدرضا رادان با ویکتور زولتوف فرمانده گارد ملی روسیه

● مأموریت‌های پلیس ایران در یک وزارتخانه و چند سازمان فدراسیون روسیه همچون وزارت امور داخلی، گارد ملی و سازمان اطلاعاتی تعریف شده است.

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تشریح کرد «گارد ملی روسیه شباهت‌هایی با سازمان یگان ویژه، نیروهای ویژه ضد تروریسم و رهایی‌گروگان فراجا دارد و یگان‌های رزمی را هم شامل می‌شود که آن یگان‌ها هم شباهت‌هایی با یگان تکاوری فراجا دارد.»

بخشی از توافق‌های صورت گرفته میان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و گارد ملی روسیه در زمینه‌های آموزشی و تبادل فناوری و تجربیات و بهره‌گیری از توانمندی‌های یکدیگر در انجام مأموریت‌ها و مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. رادان دیدارهایی با دبیر شورای امنیت روسیه و همچنین معاون اول سرویس اطلاعاتی فدرال داشت.

نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت روسیه از مواضع قاطع دولت جمهوری اسلامی در مورد شورش مسلحانه واکنش‌ها و قتراندی کرد و گفت: «روابط دو کشور در سطح راهبردی ادامه دارد.» خبرگزاری تسنیم گزارش داده در این دیدار طرفین در مورد «همکاری‌های دوجانبه در مبارزه با تروریسم، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، سلاح و مهمات، مقابله مؤثر با جرائم سازمان یافته و تشریک مساعی در زمینه عوامل بی‌ثبات‌کننده امنیت، به توافق رسیدند.»

«تاس» خبرگزاری دولتی روسیه گزارش داده که طرفین برای تبادل تجربیات در مورد شیوه‌های حفاظت از اماکن دولتی تبادل نظر کردند و هیأت ایرانی از جدیدترین مدل‌های سلاح و تجهیزات یگان ویژه روسیه و همچنین واحد آموزش یگان واکنش سریع و تربیت مربیان و سگ‌هایی که در ختنی کردن جنایتکاران مسلح مهارت دارند بازدید کردند. رژیم اسلامی در ایران که همواره از زمان روی کار آمدن از جمله از شیوه‌های امنیتی «شوروی» و روسی در سرکوب و بازجویی مخالفان و دگراندیشان بهره برده، در سال‌های اخیر و هم‌اکنون نیز در مقابله با اعتراضات ضدحکومتی روی کمک‌های روسیه حساب ویژه باز کرده است همچنانکه دولت‌های بلاروس و ونزوئلا نیز از کمک روس‌ها برای سرکوب اعتراضات داخلی بهره برده‌اند.

● چند روز پس از تلاش «مزدوران واگتر» برای شورش مسلحانه در روسیه، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی در جریان سفر سه روزه خود به مسکو با ویکتور زولتوف فرمانده گارد ملی روسیه و نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت این کشور ملاقات کرد و چند تفاهم همکاری در بخش‌های امنیتی امضاء کردند.

● خبرگزاری تسنیم گزارش داده در این دیدار طرفین در مورد «همکاری‌های دوجانبه در مبارزه با تروریسم، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، سلاح و مهمات، مقابله مؤثر با جرائم سازمان یافته و تشریک مساعی در زمینه عوامل بی‌ثبات‌کننده امنیت، به توافق رسیدند.»

● «تاس» خبرگزاری دولتی روسیه گزارش داده که طرفین برای تبادل تجربیات در مورد شیوه‌های حفاظت از اماکن دولتی تبادل نظر کردند و هیأت ایرانی از جدیدترین مدل‌های سلاح و تجهیزات یگان ویژه و همچنین واحد آموزش یگان واکنش سریع و تربیت مربیان و سگ‌هایی که در ختنی کردن جنایتکاران مسلح مهارت دارند بازدید کردند.

چند روز پس از تلاش «مزدوران واگتر» برای شورش مسلحانه در روسیه، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی در جریان سفر سه روزه خود به مسکو با ویکتور زولتوف فرمانده گارد ملی روسیه ملاقات کرد و چند تفاهم همکاری در بخش‌های امنیتی امضاء کردند.

سردار احمدرضا رادان که به دلیل نقض حقوق بشر به دلیل سرکوب مردم در اعتراضات در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد، در همین ارتباط به خبرگزاری ایرنا گفت «توافقات خوبی برای توسعه همکاری‌ها به روسیه در مورد فعالیت‌های سایبری و فضای مجازی و مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و توسعه همکاری‌های همه جانبه در مرزها شکل گرفت.»

وی با تأکید بر ضرورت توسعه همکاری‌های امنیتی بین جمهوری اسلامی ایران و روسیه تأکید کرد «توسعه همکاری‌ها میان کشورهای دوست و همسو، آثار مناسبی در اقدامات انتظامی و امنیتی دوجانبه یا چندجانبه دارد.» رادان با اشاره به برخی «شباهت‌های ساختارهای انتظامی و امنیتی» جمهوری اسلامی و روسیه گفت: «وظایف و

شهردار سابق تهران که به اتهام قتل عمد و مسلحانه همسر دومش بازداشت شد نیز توضیح داده که «او اقدام به اخذ رضایت از شاکی خصوصی خود نموده و با توجه به بخشنامه عفو معیاری ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ و حصول شرایط اعمال عفو، پس از تحمل بیش از ۳ سال زندان مانند بسیاری از افراد دیگر از زندان آزاد و محکومیت وی خاتمه یافته است. گفتنی است نجفی به واسطه جنبه عمومی جرم خود، به ۶ سال و نیم حبس محکوم شده بود که بیش از ۳ سال از این مدت را در زندان بود.»

مرکز رسانه‌های قوه قضاییه همچنین درباره اکر طبری نوشته که او «دارای عناوین اتهامی متعدد بوده که در بعضی از عناوین به ویژه ارتکاب بزه اعمال نفوذ به ۴۵ ماه حبس محکوم شده که این مدت حبس نامبرده با گذراندن دوران محکومیت به صورت کامل خاتمه یافته است. وی در دوران محکومیت نیز از هیچ مرخصی طولی المدتی استفاده نکرده است.» اکر طبری اما اتهامات دیگری هم دارد که خبرگزاری «میزان» درباره آنها نوشته که «در خصوص سایر عناوین اتهامی اکر طبری نیز حکم بر محکومیت صادر، لیکن به دلیل اعتراض و واخواهی او و وکلایش، طبق قانون مراتب در دیوان عالی کشور در حال بررسی مجدد می‌باشد. طبری همچنین جریمه‌های نقدی که به آن محکوم شده بود را پرداخت کرده است. شایان ذکر است؛ نامبرده بعد از تحمل ۴۵ ماه حبس، اکنون پس از تودیع وثیقه سیصد میلیارد تومانی و بر اساس تصمیم مرجع قضایی از زندان خارج شده تا نتیجه نهایی پرونده وی در دیوان عالی کشور مشخص شود.»

خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی که تکذیب آزادی این افراد را با توجه به گزارش‌های متعدد غیرقابل انجام دانسته، به ناچار دست به توجیه علت آزادی این افراد فاسد و مجرمان کلان اقتصادی زده است. در این میان رسانه‌ها و فعالان نزدیک به اصلاح‌طلبان در داخل و خارج از ایران، طی ساعات گذشته با برجسته کردن خبر آزادی «اکر طبری» تلاش کردند آزادی مهدی هاشمی را در خبرها و گزارش‌های خود کم‌رنگ کنند!

همچنین وحید ابوالعالی الحسینی وکیل مهدی هاشمی نیز به سرعت درباره آزادی او از زندان واکنش نشان داده و گفته که «مهدی هاشمی بهرمانی که به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، مطابق قانون پس از گذراندن یک سوم (سه سال و نیم) از دوران حبس خود مستحق برخورداری از آزادی مشروط بود ولیکن نهایتاً در دی ماه ۱۴۰۱ و پس از گذراندن ۷ سال و نیم حبس با آزادی مشروط از زندان آزاد شد.»

افراد «خودی» در جمهوری اسلامی که فسادهای کلان اقتصادی و مالی و اداری انجام داده و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی «مفسد فی الارض» اعلام شده‌اند و اشد مجازات این اتهام طبق قوانین نظام «اعدام» است در حالی به زندان‌های نامتناسب با حجم فساد ارتکابی محکوم می‌شوند که به سرعت به بهانه‌های مختلف از زندان آزاد نیز می‌شوند و به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند.

در مقابل اما شهروندان معترض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و مدنی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی و حتی خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران رژیم کشته شده‌اند، برخلاف قوانین خود جمهوری اسلامی به مدت طولانی در «بازداشت موقت» به گروگان گرفته شده و در دوران حبس نیز از حقوق قضایی مانند حق ملاقات، حق تماس و حق برخورداری از مرخصی پزشکی محروم هستند. بسیاری از شهروندان بازداشت شده در دوران گذراندن حبس از انواع شکنجه و فشارهای روانی بازجوها و مستولان زندان و قوه قضاییه نیز در رنج و عذاب هستند.

تئاتر ایرانی در لس آنجلس



-یک تئاتر کوچک حرفه‌ای در شهر سانتامونیکا لس آنجلس هست که از مراکز مهم فرهنگی این کشور است. من رفتم با مسئولین آن مذاکره کردم و آنها برای ۱۰-۱۵ اجرای تئاتری در آن محل قیمت بسیار خوبی به ما دادند. البته ما فقط تئاتر در آنجا نگذاشتیم بلکه برنامه موسیقی، شعرخوانی، معرفی کتاب گذاشتیم و همایش‌های روانشناسی هم داشتیم. آقای شاهین جامعی نماینده‌های کمی گروه خودش را در آنجا اجرا کرد که همه آنها بدون آگهی بلیت‌هایشان کامل به فروش می‌رسید.

● آیا شما در تبلیغات این نمایش‌ها به عنوان تهیه‌کننده نقش داشتید؟

-در بعضی کارها بله ولی نه در همه. من خردار شده بودم که دوستانی در سان فرانسسکو کارهای نمایشی زیبایی اجرا می‌کنند از جمله مسعود تایید و منیژه معاندی. خانم معاندی از بزرگترین اساتید تئاتر در دانشگاه هنر در ایران هستند که گاهی در آمریکا برنامه می‌گذارند. ما در لس آنجلس در رادیوها و نشریات و برخی تلویزیون‌ها در مورد نمایش‌ها آگهی می‌کنیم. این رسانه‌ها هم با آگاهی از اینکه تئاتر پولی در نمی‌آورد بدون چشم‌داشت مالی برای ما اطلاع‌رسانی می‌کنند. خلاصه اینکه رسانه‌ها ایرانی در این مورد به جامعه تئاتری لطف دارند.

● چند اجرای نمایش در سال در لس آنجلس دارید؟

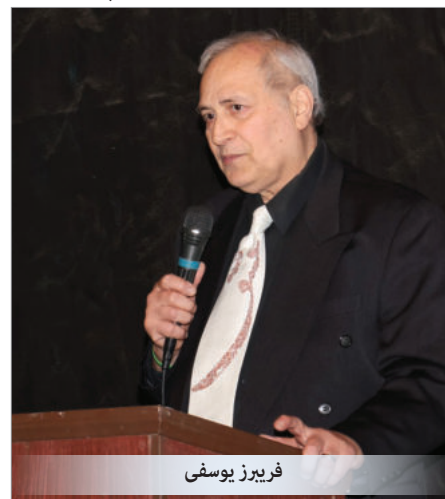
-بعضی مواقع ما هر ماه نمایش جدید تئاتری داریم. تابستان‌ها کمتر ولی بعدش معمولاً در سالن‌های کوچک همیشه هست. البته نمایش «شاعر نقره‌ای» هوشنگ توزیع که من چند بار با ایشان در این زمینه همکاری داشتم در سالن‌های بزرگ ۴۰۰-۵۰۰ نفری اجرا شده. در اورنج کانتی هم اجرا زیاد داریم. نوع جمعیت آنجا کمی متفاوت از لس آنجلس است؛ اینجا جو بیشتر تجاری است و آنجا بیشتر فرهنگی. ● با این تعداد اجرا آیا دست اندرکاران تئاتر درآمد

مناسبی دارند؟

-ببینید، بیشتر بازیگران و به ویژه جوانان شرکت‌کننده در این قبیل فعالیت‌ها برای دل خودشان این کار را می‌کنند و بیشترشان کار اصلی درآمدزا دارند ولی شب‌ها می‌آیند و به فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌پردازند و درآمد آنچنانی از تئاتر ندارند. مثلاً ما اخیراً تئاتری با عنوان «زن، زندگی، آزادی» داشتیم که نه فقط بازیگران رایگان در آن شرکت کردند بلکه ما از تماشاگران پول بلیت هم نگرفتیم و

بسیار کم هستند از جمله گروه نمایش «پارسیان» پرویز صیاد و «کارگاه نمایش ۷۹» هوشنگ توزیع و شهره آغداشلو... البته ناگفته نماند که شهره آغداشلو از فضای کار ایرانی بیرون آمده‌اند ولی هوشنگ توزیع کار را ادامه می‌دهد و البته ایشان هم کارهای انگلیسی می‌کنند. پرویز صیاد کارهای نمایشی خود را کم کرده است. می‌دانید که او مدت نسبتاً طولانی با هادی خرسندی نمایش‌های دو نفره می‌گذاشت که کارهای سیاسی بودند. البته قبل از کووید ۱۹ نمایشی برای خودش نوشت که می‌شود گفت نوعی خداحافظی با دنیای نمایش بود که شامل سرگذشتش در دنیای هنر تا انقلاب بود. نوعی اعلام بازنشستگی. در این نمایش یک تصویر ویدیویی بزرگ از صمد وسط صحنه گذاشته بود و گفتگویی بین او و صمد در حین نمایش انجام می‌شد. البته گاهی خودش هم وارد تصویر می‌شد.

جمع بندی بکنم اینکه پرویز کردان و میری هم در لس آنجلس اجرایی داشتند. این دوستان کارهای پراکنده کردند



فریبرز یوسفی

و نمی‌توان به آنها گروه گفت. اضافه کنم مسعود اسداللهی هم گروه خودش را داشت و کارهای تلویزیونی هم می‌کرد. کار معروف خودش در ایران یعنی سریال «طلاق» را در اینجا به نوعی ادامه داد و خانم زهره رمزی با ایشان همکاری می‌کرد.

● چه فعالیتی تئاتری در لس آنجلس به خصوص در دوره بعد از کووید انجام شده؟

● «بیشتر بازیگران و به ویژه جوانان شرکت‌کننده در این قبیل فعالیت‌ها برای دل خودشان این کار را می‌کنند و بیشترشان کار اصلی درآمدزا دارند ولی شب‌ها می‌آیند و به فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌پردازند و درآمد آنچنانی از تئاتر ندارند. مثلاً ما اخیراً تئاتری با عنوان «زن، زندگی، آزادی» داشتیم که نه فقط بازیگران رایگان در آن شرکت کردند بلکه ما از تماشاگران پول بلیت هم نگرفتیم و همت عالی بود. تازه مسئولین سالن هم با توجه به وضعیت ایران با ما همکاری کردند و با نصف مبلغ سالن را در اختیار ما گذاشتند.»

فریبرز یوسفی یکی از چهره‌های شناخته شده فرهنگی در جامعه ایرانی لس آنجلس است. او که دانش‌آموخته مدرسه عالی تلویزیون و سینما در تهران و لیسانس ارتباطات و فوق لیسانس فیلم و تلویزیون از آمریکا است در برگزاری برنامه‌هایی برای نگهداشت بزرگان هنر و فرهنگ ایران در این شهر نقش فعالی دارد.

فریبرز یوسفی با توجه به علاقه‌ی خاص به تئاتر و زنده بودن اجرای آن در برابر تماشاگر، از حدود ۲۰۱۱ میلادی در زمینه تهیه‌کنندگی و تدارک تئاتر نیز فعالیت مستمر داشته است. کیهان لندن در همین زمینه و اطلاع از وضعیت تئاتر در جامعه ایرانی لس آنجلس با وی گفتگو کرده است.

● آقای یوسفی، چه شد که وارد دنیای تئاتر به عنوان تهیه‌کننده شدید؟

-من از طریق خانم ویدا قهرمانی با شماری از هنرمندان تئاتر در این شهر آشنا شدم. از جمله هوشنگ توزیع، زهره رمزی، علی پورتاش، علی فخرالدین و عبدالعلی همایون... تا اینکه بچه‌های جوان وارد عرصه شدند و اطلاع یافتند که من در زمینه تدارک نمایش‌های تئاتری فعال هستم. یکی از این جوانان به نام عرفان ملکوتی در حدود سال ۲۰۱۱ با من تماس گرفت و در مورد تمرین نمایشی با عنوان «کنسرت نمایش نقاشی» با من صحبت کرد. من تمرین این دوستان را دیدم و از آن بسیار خوشم آمد. قبلاً هم کاری از عرفان ملکوتی در «مرکز فرهنگی ایران» مرتضی برجسته که آنهم کار خوبی بود دیده بودم. ولی «کنسرت نمایش نقاشی» تحولی در زمینه کار این جوان بود. نمایش ترکیبی از کنسرت و نقاشی بود. یکی از دوستان ایشان در مجموعه شمال هشت ترانه بیرون داده بود و عرفان ملکی با شش اپیزود ده دقیقه‌ای تئاتر که زنجیره‌وار وسط این ترانه‌ها گذاشته بود نمایش را ساخته و پرداخته بود. نمایش هم به صورت ظرفی وارد مسائل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان می‌شد. قبل از آن بیشتر کارهایی که در لس آنجلس روی صحنه می‌رفت کارهای کم‌دی بود و البته بخشی هم سیاسی، از جمله کارهای شهره آغداشلو و هوشنگ توزیع، ویدا قهرمانی، عبدالعلی همایون، پرویز صیاد و پرویز کردان. ولی این کار متعلق به نسل جوان ما و متفاوت و مدرن بود.

من این کار را که بسیار پسندیده بودم با خانم سرشار در میان گذاشتم و از او دعوت به دیدن تمرین این نمایش کردم. خانم سرشار هم با دیدن تمرین کار را بسیار پسندید و تمام هزینه‌های تبلیغات این کار را به عهده گرفت. نمایش هم اجرا و با استقبال هم روبرو شد و تمام بلیت‌ها فروش رفت.

● آیا این جوانان یک گروه ثابت بودند؟

-بعدها گروه ثابتی شدند. اسم آنرا هم چون من موسس گروه فرهنگی حافظ بودم گذاشته بودیم «حافظ».

● گفته می‌شود که در لس آنجلس گروه‌های ثابت نمایشی

فریماه فرجامی بازیگر سرشناس سینمای ایران درگذشت



مطالعات و هماهنگی فرهنگی «شورای عالی فرهنگ و هنر» و فصلنامه فرهنگ و زندگی به عنوان ویراستار، محقق و پژوهشگر مشغول به کار شد.

فعالیت هنری فریماه فرجامی با گویندگی نمایش‌های رادیویی آغاز شد و در سال ۱۳۵۵ با نقش آفرینی در نمایش تلویزیونی آدمک مومی ادامه یافت. او از سال ۱۳۵۹ با فیلم «گفت هر سه نفرشان» به کارگردانی و نویسندگی غلامعلی عرفان، بازیگری در سینما را آغاز کرد.

فریماه فرجامی در ادامه با نقش آفرینی در فیلم‌های «خط قرمز»، «تیغ و ابریشم» و «سرب» مسعود کیمیایی، «مادر» علی حاتمی، «بی‌پناه» علیرضا داوودنژاد، «پرده آخر» واروژ کریم‌مسیحی، «اجاره‌نشین‌ها» اثر داریوش مهرجویی، «نرگس» رخشان بنی‌اعتماد، «راز گل سرخ» حسن قلی‌زاده، «ساغر» سیروس الوند، «آب و آتش» فریدون جیرانی، و «زهر غسل» ابراهیم شیبانی در ردیف «ستاره‌های سینمای دهه شصت و هفتاد خورشیدی ایران» قرار گرفت.

فریماه فرجامی از اواخر دهه هفتاد از فضای سینمایی دور شد و تنها در سال ۱۳۹۸ در فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی ایفای نقش کرد.

این بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون دو ماه پیش دچار سکنه مغزی شد و درمان او مدتی در بیمارستان و سپس در خانه ادامه پیدا کرد اما حدود یک هفته پیش بار دیگر سکنه کرد و به کما فرو رفت و در نهایت شامگاه جمعه ۹ تیرماه ۱۴۰۲ درگذشت.

علی دهکردی عضو هیئت مدیره خانه سینما درباره زمان و محل خاکسپاری فریماه فرجامی گفته که «پیگیر خاکسپاری پیکر فریماه فرجامی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا خواهیم بود» اما «خانواده خانم فرجامی نیز در نظر گرفته خواهد شد چرا که ممکن است خاکسپاری در شهر زادگاه یا مقبره‌ای خانوادگی مد نظر این خانواده باشد.»

● فریماه فرجامی دو ماه پیش دچار سکنه مغزی شد و درمان او مدتی در بیمارستان و سپس در خانه ادامه پیدا کرد اما حدود یک هفته پیش بار دیگر سکنه کرد و به کما فرو رفت و در نهایت شامگاه جمعه ۹ تیرماه ۱۴۰۲ درگذشت.

● فریماه فرجامی از چهره‌های مشهور سینمای ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که از سال‌ها قبل از بازیگری دور شده و آخرین حضورش در مقابل دوربین در فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۹۸ بود.

● فریماه فرجامی متولد ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۳۱ در تهران بود و در سال ۱۳۵۶ از مقطع کارشناسی دانشگاه دانشکده هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل شد.

فریماه فرجامی بازیگر سرشناس سینمای ایران و از ستاره‌های دهه شصت و هفتاد خورشیدی شامگاه جمعه ۹ تیرماه ۱۴۰۲ در پی یک دوره بیماری در تهران درگذشت. فریماه فرجامی حدود دو ماه قبل دچار سکنه مغزی شد و از یک هفته پیش به کما فرو رفته و سرانجام شامگاه گذشته در سن ۷۱ سالگی از دنیا رفت.

انجمن بازیگران سینمای ایران با انتشار پیام تسلیتی اعلام کرد: «هنرمند سینما و تئاتر کشورمان سرکار خانم فریماه فرجامی پس از تحمل دوران سخت و طولانی بیماری چشم فرو بست و به آرامش جاودان پیوست.»

فریماه فرجامی از چهره‌های مشهور سینمای ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود که از سال‌ها قبل از بازیگری دور شده و آخرین حضورش در مقابل دوربین در فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۹۸ بود.

فریماه فرجامی متولد ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۳۱ در تهران بود و در سال ۱۳۵۶ از مقطع کارشناسی دانشگاه دانشکده هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل شد. در همان سال در مرکز

→ همت عالی بود. تازه مسئولین سالن هم با توجه به وضعیت ایران با ما همکاری کردند و با نصف مبلغ سالن را در اختیار ما گذاشتند. کارگردان این نمایش هم عرفان ملکوتی بود.

همزمان یک گروه دیگر نمایشی با عنوان «هفت خوان آزادی» با کارگردانی افشین کتانچی و ناکتا پهلوان درباره وضعیت ایران در سال‌های بزرگ ۶۰-۷۰ نثری اجرا کردند. البته با توجه به قیمت بالای سالن و هزینه عوامل متعدد در نمایش، درآمد آنچنانی از چنین اجرایی بزرگی به دست نمی‌آید زیرا هزینه تبلیغات هم هست. خلاصه در کار تئاتر خارج کشور درآمد زیادی در کار نیست. کلاً تئاتر کار عشق است و مانند سینما نیست که پول زیادی از آن درآید. خانم سرشار و آقای خسرو سمنانی در این مورد البته کمک‌هایی به جامعه تئاتر می‌کنند.

اخیراً هم برنامه‌ای در شهر گنبدل در مورد جنبش داخل کشور با حمایت «بنیاد آینه»ی داریوش اقبالی و همکاری آقای سمنانی که «بنیاد امید» و «بنیاد هنرمند» را دارند، برگزار شد که در بخشی از آن ناکتا پهلوان با بازی خود قربانیانی مانند مهسا و نیکا را تجسم می‌بخشید. اخیراً این کار را به صورت یک نمایش ۹۰ دقیقه‌ای درآورده‌اند و در لس آنجلس و اورنج کانتی اجرا کردند که مورد استقبال قرار گرفت.

● اجرای نمایش‌های لس آنجلس را از نظر کیفی چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

-حُب، با داخل کشور و فضای کاملاً حرفه‌ای آنجا نمی‌توان مقایسه کرد زیرا زمان تمرین در اینجا کم است و بازیگران کار اول دارند و وقت کمتری می‌توانند به کار اختصاص دهند. حمایت مالی هم کم است و دکور هم می‌تواند بسیار پرهزینه باشد. اینست که اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم از نظر کیفی اجراهای داخل کشور بهتر هستند.

● آیا کارهای کمدی هم در حال حاضر در لس آنجلس اجرا می‌شود؟

-می‌شود گفت که بعد از کرونا و جنبش اعتراضی اخیر در ایران ما برخلاف پیش از کرونا نمایش‌های کمدی نداریم. تنها کار کمدی را خانم فیروزه خطیبی گذاشته‌اند با عنوان «موش و تله». اکثر کارها بسیار جدی هستند و هنرمندانی از ایران می‌آیند و اینجا اجرا می‌کنند. از جمله افشین هاشمی که کاری تک‌نفره را در یک سالن ۷۰-۸۰ نفری اجرا کرد که موفق بود. برزو ارجمند و احسان کرمی هم از ایران در اینجا اجراهایی داشته‌اند. آنها البته بعد از جنبش مهسا در اینجا ماندگار شدند و در دیگر شهرهای آمریکا نمایش را اجرا کردند. هر دو کار اخیر باید گفت که از نظر اجرا حرفه‌ای‌تر بودند. باید در نظر گرفت که در اینجا جوانان علاقمندان تازه‌کار هستند و امکانات هم محدود است.

ولی جوانانی مانند عرفان ملکوتی که دانش‌آموخته ایران است و اینجا فعالیت می‌کند می‌تواند آینده درخشانی در زمینه تئاتر داشته باشد. کار دیگر او با عنوان «عشاق سینه‌چاک سوزان روشن» بود که اجرایی تک‌نفره و بسیار عمیق بود. «دختران دشت، دختران انتظار» کار بعدی‌اش بود. می‌توان گفت که در اینجا هم داریم به سوی ارتقاء کیفی کارهای نمایشی پیش می‌رویم.

● از جمعیت پانصد هزار نفر ایرانی در لس آنجلس حدوداً چند درصد به تئاتر می‌روند؟

-بسیار ناچیز! سینما و به خصوص کنسرت پاپ هزاران تماشاگر دارد و درواقع کنسرت حرف اول را می‌زند. زنده‌یاد همایون خسروی نوازنده‌ی ویولن سل حرف جالبی داشت که: در این شهر اگر می‌خواهی موفق بشوی یا باید بتوانی برقصانی، یا بخندانی و یا بخورانی! کار کمی جدی تماشاگر آنچنانی ندارد.

حادثه در محل کار همچنان قربانی می‌گیرد بی‌تفاوتی دولت به مرگ روزانه پنج کارگر!



آتش‌سوزی در کارگاه مبل‌سازی خیابان فرهنگ تهران سبب کشته شدن چهار کارگر شد

ناشی از حوادث کار در سال ۱۴۰۱ گفته که «در مجموع ۱۹۰۰ نفر در سال ۱۴۰۱ در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست دادند.»

این رقم به معنای مرگ ۱۵۸ کارگر در هر ماه و به بیان دیگر مرگ ۲/۵ کارگر در هر روز بر اثر حوادث در محل کار است!

علی حسین رعیتی فرد معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما آمار مرگ ناشی از حوادث کار را کمتر از نصف آمار پزشکی قانونی اعلام کرده و در نهم خرداد امسال گفته که «نسبت به سال قبل ۱۳ تا ۱۴ درصد حوادث ناشی از کار کاهش پیدا کرده است. سال گذشته ۷۱۱ نفر از کارگران مشمول قانون کار در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند.»

معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اظهار نظر دیگری مدعی شده که «آمار حوادث کارگری در کشور نسبت به میانگین جهانی پایین‌تر است اما با این وجود باید در تقویت ایمنی محیط کار اهتمام بیشتری به کار برد.»

احسان سهرابی عضو کارگری اسبق شورای عالی حفاظت فنی با رد آمار مورد ادعای معاون وزارت کار گفته که وقتی در مورد حوادث کار در کشور، داده‌های یکدست و متقن نداریم و بیش از هزار نفر اختلاف بین داده‌های وزارتخانه و پزشکی قانونی است، چطور مدعی قیاس با نرخ میانگین جهانی هستیم؟

این فعال حوزه کار گفته قیاس آمارهای جهانی مرگ بر اثر حادثه در محیط کار با آمارهای ایران «یک قیاس کاملاً مع‌الفارق است» چراکه باید «داده‌های دقیق حوادث کار ایران» را «با کشورهایی که تعداد کارگران‌شان مشابه ایران است و پتانسیل صنعتی مشابهی دارند، مقایسه کنند، نه روی هوا برهان قاطع صادر نمایند!»

یک روز بعد در هشتم تیرماه ۴ کارگر در حال انجام کار در کارگاه مبل‌سازی در محله مرتضی‌گرد خیابان فرهنگ تهران بر اثر آتش‌سوزی محل کار کشته شدند. نهم تیرماه هم یک کارگر در معدن سنگ گلشکنان شهر زواره استان اصفهان و یازدهم تیرماه یک کارگر ساختمانی حین کار در یک پروژه ساختمانی در همدان از ارتفاع طبقه ششم سقوط کرده و جان باختند. همزمان در یازدهم تیرماه یک کارگر شاغل در نانویی در شهرستان کازرون استان فارس بر اثر برق‌گرفتگی جان خود را از دست داد.

حوادث در محل کار سالانه جان صدها کارگر را می‌گیرد و صدها کارگر دیگر را مجروح و معلول و ازکارافتاده می‌کند. سال‌هاست کارشناسان روابط کار بر لزوم فعالیت موثر نهادهای نظارتی بر فعالیت کارگاه‌ها تأکید دارند اما بی‌عملی دولت در اینباره سبب افزایش آمار حوادث در محل کار شده است.

قدیمی بودن تجهیزات ایمنی در معادن و دیگر کارگاه‌ها، رعایت نشدن اصول ایمنی کار در ارتفاع و داربست، عدم نظارت بر کارگاه‌ها سه عامل اصلی بروز حادثه در محل کار هستند. در این میان بیمه‌های مربوطه مسئولیت مدنی مرگ کارگران در محیط کار را به پرداخت غرامت و رهایی از مجازات کاهش داده و همین عامل موجب بی‌اعتنایی بیشتر کارفرمایان به ایجاد استانداردهای ایمنی در محیط کار شده است.

مقامات وزارت کار و معاون روابط کار این وزارتخانه که اصلی‌ترین مسئول در برابر بروز حادثه در محل کار هستند حتی از آمارهای حادثه در محیط کار و مرگ ناشی از این حوادث اطلاع دقیقی ندارند یا درباره آنها فراقنی می‌کنند. مسعود قادی پاشا معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی کشور اردیبهشت امسال درباره آمار متوفیان

قدیمی بودن تجهیزات ایمنی در معادن و دیگر کارگاه‌ها، رعایت نشدن اصول ایمنی کار در ارتفاع و داربست، عدم نظارت بر کارگاه‌ها سه عامل اصلی بروز حادثه در محل کار هستند.

سال گذشته در مجموع ۱۹۰۰ کارگر بر اثر حادثه در محیط کار جان باختند؛ یعنی مرگ ۱۵۸ کارگر در هر ماه و مرگ ۲/۵ کارگر در هر روز!

سال‌هاست کارشناسان روابط کار بر لزوم فعالیت موثر نهادهای نظارتی بر فعالیت کارگاه‌ها تأکید دارند اما بی‌عملی دولت در اینباره سبب افزایش آمار حوادث در محل کار شده است.

در هفته‌های گذشته آمار مرگ کارگران بر اثر حوادث در محیط کار افزایش یافته و تنها طی یک هفته ۱۲ کارگر در استان‌های تهران، اردبیل، اصفهان، همدان و فارس جان باختند.

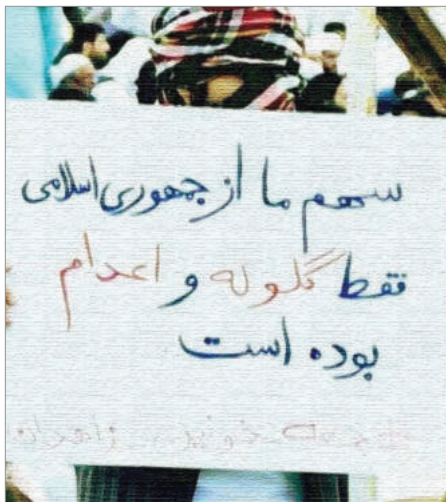
در پنجم تیر در خیابان سنایی مشهد یک کارگر حین کار با دستگاه بالابر دچار برق‌گرفتگی شد و جان سپرد. در همان روز، یک کارگر ساختمانی حین کار در ارتفاع یک ساختمان در حال ساخت در شهر فردیس سقوط کرد و کشته شد. باز در همان روز یک منبع کارگری در استان کرمان از مرگ یکی از کارگران معدن کرومیت ارزوئی به دلیل ریزش معدن خبر داد.

هفتم تیرماه طی حادثه‌ای که در پروژه سد سبلان در مشکین شهر استان اردبیل رخ داد، دو کارگر حین کار بر اثر سقوط یک قطعه فلزی بر روی سرشان جان خود را از دست دادند.

عزیز ارشادیان معاون امداد و نجات «هلال احمر» اردبیل «رعایت نشدن موارد ایمنی در محیط کار» را علت این حادثه اعلام کرد.



گزارش شش ماهه: ۳۵۴ نفر در نیمه نخست سال جاری میلادی اعدام شدند؛ افزایش ۱۲۶ درصدی اعدام‌های مواد مخدر



میزان اعدام، رشد شدیدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. در شش ماه نخست سال ۲۰۲۲، ۲۶۱ نفر و در سال ۲۰۲۱، ۱۲۱ نفر اعدام شده بودند. بدین ترتیب، حکومت ایران در سال جاری میلادی ۳۶٪ بیشتر نسبت به مدت مشابه سال قبل، اعدام کرده است.

از مجموع کل ۳۵۴ اعدام ثبت شده در سال جاری، تنها ۴۳ اعدام در رسانه‌های داخل ایران یا از طریق منابع رسمی اعلام شده و مابقی توسط سازمان حقوق بشر ایران، از طریق دست کم دو منبع مستقل، تایید شدند.

در میان اعدام شدگان شش ماه نخست سال ۲۰۲۳، دست کم ۱۲۲ تن با اتهام «قتل عمد»، ۲۰۶ نفر «جرایم مربوط به مواد مخدر» و ۴ تن با اتهام «تجاوز به عنف» به دار آویخته شدند. همچنین ۱۰ تن از زندانیان با اتهام سیاسی و امنیتی و یا توهین به مقدسات و یک تن با اتهام جاسوسی به اعدام محکوم شده بودند.

اعدام زندانیانی که با اتهامات مربوط به «مواد مخدر» اعدام شده‌اند، در سه سال گذشته به‌طور مستمر و هر ساله، افزایش شدیدی داشته‌اند. امسال در مقایسه با شش ماه اول سال ۲۰۲۲ که ۹۱ نفر به اتهام‌های مرتبط با مواد مخدر اعدام شده بودند، ۱۲۶٪ افزایش را شاهد بوده و ۲۰۶ اعدام با این اتهام به ثبت رسیده است. این آمار در مدت مشابه سال ۲۰۲۱، ۴۰ نفر بود.

در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ اعدام‌های بی‌رویه شهروندان بلوچ همچون دو سال گذشته ادامه یافت و دست کم ۷۱ زندانی بلوچ (۲۰ درصد کل اعدام‌ها) با اتهاماتی همچون «مواد مخدر»، «محاربه» و «قتل عمد» در زندان‌های ایران اعدام شدند.

شهروندان بلوچ در حالی ۲۰ درصد کل اعدام‌ها را تشکیل می‌دهند که این اقلیت اتنیک تنها بین ۲ تا ۶ درصد جمعیت کل ایران را شامل می‌شوند.

شایان ذکر است که سازمان حقوق بشر ایران گزارش‌های اعدامی را که در مطبوعات رسمی اعلام نشده باشند، تنها در صورتی جزو آمار ثبت می‌کند که بتواند بطور مستقل، از طریق دو منبع معتبر و غیر مرتبط با یکدیگر، صحت آن‌ها را تأیید کند. به همین دلیل، تعداد واقعی اعدام‌ها می‌تواند از آمار اعلام شده بالا بیشتر باشد.

● سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به سرعت گرفتن ماشین اعدام جمهوری اسلامی، بار دیگر از جامعه جهانی می‌خواهد تا سکوت خود را بشکنند و با محکوم کردن کشتار شهروندان به دست حکومت، برای نجات جان محکومان به اعدام در ایران تلاش کنند.

● از مجموع کل ۳۵۴ اعدام ثبت شده در سال جاری، تنها ۴۳ اعدام در رسانه‌های داخل ایران یا از طریق منابع رسمی اعلام شده و مابقی توسط سازمان حقوق بشر ایران، از طریق دست کم دو منبع مستقل، تایید شدند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، در شش ماه نخست سال جاری میلادی، دست کم ۳۵۴ نفر در ایران اعدام شدند. ۷۱ شهروند بلوچ در میان اعدام‌شدگان بودند. اتهام ۲۰۶ تن از اعدام‌شدگان مربوط به مواد مخدر گزارش شده است. این تعداد اعدام مرتبط با جرائم مواد مخدر، رشد ۱۲۶ درصدی را نسبت به مدت مشابه در سال قبل نشان می‌دهد.

سازمان حقوق بشر ایران با اشاره به سرعت گرفتن ماشین اعدام جمهوری اسلامی، بار دیگر از جامعه جهانی می‌خواهد تا سکوت خود را بشکنند و با محکوم کردن کشتار شهروندان به دست حکومت، برای نجات جان محکومان به اعدام در ایران تلاش کنند.

محمود امیری‌مقدم، مدیر این سازمان، گفت: «هدف اعدام‌ها ارباب جامعه برای پیشگیری از اعتراضات است. بیشتر اعدام‌ها را قربانیان کم‌هزینه ماشین اعدام، یعنی متهمان مواد مخدر که جزو ضعیف‌ترین اقشار جامعه‌اند، تشکیل می‌دهند. ما به‌ویژه از دفتر جرائم و مواد مخدر سازمان ملل (UNODC) و کشورهایی که هزینه پروژه‌های مشترک این دفتر با جمهوری اسلامی را تامین می‌کنند، می‌خواهیم تا سکوت معنادار خود را در قبال اعدام بیش از ۲۰۶ متهم جرائم مواد مخدر بشکنند و ادامه هرگونه همکاری با جمهوری اسلامی را به توقف اعدام‌های مواد مخدر مشروط کنند.»

اعدام‌های شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ در یک نگاه

- ۳۵۴ شهروند در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ اعدام شدند

- ۲۰۶ تن با اتهام‌های مربوط به مواد مخدر اعدام شدند
- اتهام ۱۲۲ تن قتل عمد بود
- ۴ تن با اتهام تجاوز به عنف اعدام شدند
- ۵ نفر که در ارتباط با اعتراضات سراسری دستگیر شده بودند، اعدام شدند

- دو تن به اتهام سب‌النبی (توهین به مقدسات) اعدام شدند

- یک شهروند دو تابعیتی سوئدی-ایرانی که در ترکیه ربوده شده بود اعدام شد

- یک تن به اتهام جاسوسی اعدام شد
- از مجموع ۳۵۴ شهروند اعدام شده، تنها ۴۳ مورد (۱۲ درصد) در رسانه‌های رسمی اعلام کردند.

- ۶ تن از اعدام‌شدگان زن بودند
- ۷۱ شهروند بلوچ در میان اعدام‌شدگان بودند

- ۲۰ نفر در ملاعام اعدام شدند

بنا بر گزارش سازمان حقوق بشر ایران، در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳، دست کم ۳۵۴ در ایران اعدام شدند. این

وی افزوده «در کشور ما میزان حوادث کار و مرگ و میر ناشی از آن، از استانداردهای جهانی و از داده‌های مشابه در کشورهای مترقی و صنعتی «بسیار بیشتر» است و گواه آن نیز مرگ بیش از ۵ کارگر در هر روز است. متأسفانه فقط به دنبال اعدادسازی و تهیه خوراکی برای رسانه‌ها هستند تا بگویند کارمان را بلدیم! بدون سند و مدرک، عدد غیرواقعی می‌دهند یا ادعا مطرح می‌کنند!»

بر اساس گزارشی که سال گذشته و همزمان با ۲۸ آوریل روز جهانی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای منتشر شد، بیشترین نرخ حوادث کار و فوت ناشی از آن، مربوط به کارگران ساختمانی است؛ سقوط از ارتفاع و داربست یا اصابت جسم سخت مانند میلگرد به سر؛ بعد از آن، کارگران فنی و غالباً پیمانکاری در واحدهای سخت و زیان‌آور مثل کارخانجات ذوب فلز قرار دارند.

کارگران شهرداری که در تاریکی نیمه‌های شب یا نخستین ساعات بامداد جان خود را بر اثر تصادف در خیابان از دست می‌دهند در رده بعدی قرار دارند؛ سیم‌بانان گروه شغلی دیگری هستند که آمار مرگ و میر آن‌ها به بالاست که اکثراً دچار سقوط از ارتفاع و یا برق‌گرفتگی می‌شوند.

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان در رتبه ۱۰۲ قرار دارد که رتبه بسیار پایینی است. آمار دیگری نشان می‌دهد تعداد کارگران حادثه‌دیده‌ی مرد از ۱۸۳۴۹ مورد در سال ۹۶ به ۴۲۸۹۸ مورد در سال ۹۹ رسیده است. ۹۶ درصد حوادث کار در سال ۹۹ مربوط به مردان است. سهم زنان از حوادث کار از ۵۳۷ نفر در سال ۹۶ به ۱۵۹۳ در سال ۹۹ رسیده است؛ در نتیجه حوادث در میان زنان، در همین مدت ۹/۲ برابر شده؛ در حالی که حوادث کار در مردان افزایش ۳/۲ برابری داشته است.

یکی از مهمترین عوامل افزایش آمار حوادث در محل کار، عدم رعایت ایمنی از سوی کارفرمایان است. احمدرضا پرند مدیرکل بازرسی کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده که «۷۰ درصد حوادث محیط‌های کارگری به دلیل نا ایمن بودن محیط کار و ۲۰ تا ۳۰ درصد به علت بی احتیاطی کارگران است.»

مدیرکل بازرسی کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از وظایفی که برای حفظ و صیانت نیروی کار با جدیت دنبال می‌شود پیشگیری از حوادث است تا آسیب مالی و روحی کمتری به کارگران و کارفرمایان وارد شود.

بسیاری از کارشناسان معتقدند طی سال‌های گذشته و در پی افزایش تورم در کشور، هزینه‌ها در کارگاه‌ها و مجتمع‌های صنعتی و تولیدی با افزایش روبرو شده است. در چنین شرایطی کارفرمایان برای جلوگیری از زیان و ورشکستگی ناچار می‌شوند هزینه‌های جاری را کاهش دهند و یکی از این هزینه‌ها مربوط به رعایت و افزایش استانداردهای ایمنی محل کار است. قربانیان این روند بطور مشخص کارگران هستند.

این در حالیست که قوانینی برای اجبار کارفرمایان به رعایت استانداردهای ایمنی وجود دارد اما این قوانین اجرا نشده و نهادهای نظارتی نیز بی‌تفاوت از کنار این قانون‌شکنی عبور می‌کنند. برای نمونه ماده (۹۵) قانون کار نیز تأکید کرده که مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار، بر عهده کارفرما است.

ماده (۶۱) آیین‌نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاه‌ها می‌گوید که کارفرمایان موظف هستند در سال، ۲ دست لباس کار مجانی در اختیار کارگران بگذارند. لباس کار نیز باید متناسب با نوع کار باشد و طوری تهیه شود که کارگر بتواند به راحتی وظایف محوله خود را بدون احتمال بروز حوادث ناگوار انجام دهد.

سوء استفاده حکومت‌های ایران و ترکیه از عناصر «هویت ملی» برای معامله با غرب



دیدار اردوغان و خامنه‌ای در تهران / تیر ۱۴۰۱

خود در برخورد با پرونده هسته‌ای، از گفتمان سیاسی مبتنی بر پیروی از «امام حسین» بهره‌گیری سیاسی می‌کنند اما در عین حال برای عقب‌نشینی از آن مواضع یا به اصطلاح «نرمش قهرمانانه» با هدف مذاکره به صلح «امام حسن» برادر حسین متوسل می‌شوند.

خامنه‌ای از ماجرای صلح «امام حسن» با دشمنانش، مقدمه‌ای و توجیهی برای مذاکره رژیم جمهوری اسلامی با غرب استفاده کرد و این چراغ سبزی برای دولت‌های متوالی نظام از سال ۲۰۱۵ تا کنون برای مذاکره با غرب بود.

به این ترتیب، ایدئولوژی همیشه به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم از اجزاء جدانشدنی استراتژی رژیم تهران بوده تا از آن برای ایجاد روابط با سایر رژیم‌های فرقه‌ای مانند رژیم عراق بعد از سال ۲۰۰۳ و گروه‌های شبه‌نظامی دارای همین ایدئولوژی به منظور کسب مقبولیت و ایجاد جذابیت جهت مدل سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه بهره‌گیری کند.

ترکیه و ترویج گفتمان جهان ترک

رژیم ترکیه نیز یکی از الگوهای است که در آن فرهنگ سیاسی بر سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گفتمانی در ترکیه پدیدار شد که به دنبال الگویی تحت تأثیر عناصر فرهنگی بر سیاست خارجی بود و با شعار چشم‌انداز «جهان ترک» در میان نخبگان این کشور ترویج می‌شد.

این شعار موضوع وحدت فرهنگی را به معنای اقتصادی و سیاسی آن در میان همه کسانی که به زبان ترکی صحبت می‌کنند، ترویج می‌کند. این گفتمان تقریباً شامل سراسر کشورهای اوراسیا می‌شود و در سطح گسترده‌ای در میان نخبگان سیاسی ترک در حال افزایش است.

این گفتمان باعث نهادینه شدن سیاست‌های دولت ترکیه از راه ایجاد بسته‌های همکاری و کمک بین آن و کشورهایمانند ترکمنستان، ازبکستان، آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان و حتی ارتباط با ترک‌های بدون دولت در بالکان و قفقاز از طریق کنفرانس‌های فرهنگی شد. این گفتمان فرهنگی به کانونی دیگر برای تقویت موقعیت سیاسی و سیاست خارجی ترکیه در منطقه اوراسیا تبدیل شده است.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

معنی بررسی همه گفتمان‌ها، ارزش‌ها و مقررات و رفتاری که بیانگر اهداف و نیات سیاسی دولت‌های منطقه‌ای است، اهمیت دارد.

در الگوی رفتاری رژیم ایران بهره‌گیری از فرهنگ و ایدئولوژی به دو روش صورت می‌گیرد:

یکی، از طریق توجیه تصمیمات سیاست خارجی که توسط زمامداران تصمیم‌گیرنده اتخاذ می‌شود.

دیگری، سود بردن از ایدئولوژی اسلامی- فرقه‌ای به عنوان عامل و ابزار قدرت نرم جهت برقراری شبکه‌ای از ارتباطات قوی با دولت‌ها و بازیگران بدون دولت مانند شبه‌نظامیان و نیابتی‌ها تا از این طریق به نمایش گذاشتن برتری هنجاری و ارزش‌های خود را تسهیل کند.

با نگاهی به گفتمان سیاست خارجی رژیم ایران پی می‌بریم که در تمام مسائل راهبردی، این حکومت از یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت و فرهنگ یعنی مذهب نهایت بهره‌گیری را کرده است؛ از مذاکرات پرونده هسته‌ای قبل از امضای توافق سال ۲۰۱۵ با دولت باراک اوباما تا بعد از آن در ادامه مذاکرات هسته‌ای.

رژیم تهران ابتدا پس از افشای فعالیت‌های اتمی‌اش توسط نهادهای بین‌المللی، از آرمان هسته‌ای خود و اینکه با توجه به موقعیت تاریخی و جغرافیایی ویژه این کشور، حرکت به سمت هسته‌ای شدن حق مسلم آن است، تحرکات خود را با شعارهای «ملی» در داخل کشور ترویج و تبلیغ کرد و سپس با تشدید فشارهای غربی، برای توجیه سرپیچی و لجاجت در تفاهم با سازمان‌های بین‌المللی مربوط به پرونده هسته‌ای مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آنها را به زورگویی متهم کرد و برای توجیه مواضع خود به گفتمان‌های فرقه‌ای و مسائلی چون واقعه کربلا و اینکه امام حسین تسلیم زورگویی نشد و مسائلی مانند ظهور امام دوازدهم شیعیان و اینکه مقدمه آن در باورهای رژیم نیازمند ایستادگی و مبارزه در برابر سلطه زور است متوسل شده و حامیان خود را به ایستادگی در برابر آنچه «سلطه جهانی آمریکا» می‌خواند تشویق کرد.

علی خامنه‌ای از گفتمان فرقه‌ای ظهور امام دوازدهم شیعیان در رویکرد سیاسی خود در داخل ایران نیز به عنوان نمادی از انتقام برای اجرای آنچه عدالت می‌نامد، استفاده می‌کند زیرا بازگشت آن امام غایب نویدی برای پیروزی پیروانش بر دشمنان اوست.

زمامداران و کارشناسان رژیم در مواضع تند و ناسازگار

● با نگاهی به گفتمان سیاست خارجی رژیم ایران پی می‌بریم که در تمام مسائل راهبردی، این حکومت از یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت و فرهنگ یعنی مذهب نهایت بهره‌گیری را کرده است؛ از مذاکرات پرونده هسته‌ای قبل از امضای توافق سال ۲۰۱۵ با دولت باراک اوباما تا بعد از آن در ادامه مذاکرات هسته‌ای.

● زمامداران و کارشناسان رژیم در مواضع تند و ناسازگار خود در برخورد با پرونده هسته‌ای، از گفتمان سیاسی مبتنی بر پیروی از «امام حسین» بهره‌گیری سیاسی می‌کنند اما در عین حال برای عقب‌نشینی از آن مواضع یا به اصطلاح «نرمش قهرمانانه» با هدف مذاکره به صلح «امام حسن» برادر حسین متوسل می‌شوند.

● در ترکیه نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گفتمانی پدیدار شد که به دنبال الگویی تحت تأثیر عناصر فرهنگی بر سیاست خارجی بود و با شعار چشم‌انداز «جهان ترک» در میان نخبگان این کشور ترویج می‌شد.

هدی رؤف (ایندپندنت عربی) - رژیم‌های ایران و ترکیه نمونه بارزی از نظام‌هایی هستند که همزمان از فرهنگ، هویت ملی و ایدئولوژی در سیاست خارجی بهره می‌گیرند و از این جهت است که عنصر فرهنگی در تحلیل رفتار سیاست خارجی این دو کشور بسیار مهم است.

اهمیت عناصر فرهنگی در رابطه با این دو کشور تنها به ایجاد شبکه‌ای از روابط، دوستی و تبعیت کشورها و گروه‌هایی که از نظر فرهنگی مشابه آنها هستند، محدود نمی‌شود، بلکه آنها از واقعیت‌های فرهنگی برخی کشورها که دارای الگوهای رفتاری مشابه با این دو کشور هستند استفاده می‌کنند و از الگوهای از پیش ساخته و آماده شده برای دوره زمانی مشخص جهت توجیه سیاست خارجی خود سوء استفاده می‌کنند. این الگو در رفتار رژیم ایران آشکار است. مطالعات و بررسی‌های تأثیر فرهنگ و هویت ملی بر سیاست خارجی در رقابت بین قدرت‌های بزرگ که نظام بین‌الملل را مسموم کرده‌اند، مشخص نیست اما ویژگی‌های این تأثیر در دولت‌های محلی و منطقه‌ای در دوران پس از جنگ سرد به شدت آشکار شده است. بطوری که هویت و فرهنگ ملی به انگیزه محلی و الزاماتی تبدیل شده که اکنون در تعیین سیاست خارجی، چه در مطالعه کشورهای خاص در یک کشور و چه در مطالعات منطقه‌ای، اهمیت بیشتری یافته است. به این ترتیب مطالعه فرهنگ سیاسی به

یکسال بعد از سفر

به تهران؛ جوزپ

بورل خودش و اروپا

را سر کار گذاشته

است؟!



دیدار جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در تهران / تیرماه ۱۴۰۱

بر نمی آید!»
اکنون یکسال گذشته؛ علی شمخانی از شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی برکنار شده و رابرت مالی به دلایل امنیتی فعلاً به مرخصی بدون حقوق فرستاده شده است.

بورل که بعد از شکست آن دور از مذاکرات گفته بود «دیگر کاری از دستم بر نمی آید» حالا که وضعیت پیچیده تر شده است باز هم از مقامات جمهوری اسلامی می خواهد با آژانس همکاری کنند!

اینهمه در حالیست که منابع غربی اعلام کرده اند دولت های اروپایی قصد دارند با عدم لغو تحریم های مربوط به برنامه های موشکی جمهوری اسلامی برجام را برای اولین بار «نقض» کنند تا واکنشی به نقض های مداوم این توافق توسط تهران و همچنین همکاری های تسلیحاتی با روسیه در جنگ علیه اوکراین نشان داده باشند.

خبرگزاری رویترز هفتم تیرماه گزارش داد که تمدید تحریم های جمهوری اسلامی سه دلیل عمده دارد: استفاده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی علیه اوکراین؛ احتمال انتقال موشک های بالستیک ایران به روسیه و محروم کردن ایران از مزایای توافق اتمی زیرا جمهوری اسلامی برجام را نقض کرده است.

رویترز می نویسد حفظ تحریم های اتحادیه اروپا منعکس کننده تلاش های غرب برای جلوگیری از تولید سلاح های هسته ای در ایران است اما محمد مرتدی مشاور تیم مذاکره کننده اتمی جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه گفته قدرت های غربی اساساً «اهرم های فشار خود بر ایران» را از دست داده اند، زیرا با تمام تحریم هایی که قبلاً اعمال کرده اند، چیزی برای تهدید تهران ندارند.

او با ادعای «افول سریع غرب» افزود: «اگر آنها به این سیاست ادامه دهند، ایرانی ها شرکای دائمی خود را در جنوب جهان، در آسیا انتخاب می کنند و غرب بازارهای ایران را برای همیشه از دست می دهد، به ویژه در زمانی که غرب به سرعت در حال افول است و رقبای جهانی در جنوب مانند چین، روسیه، برزیل، ایران، هند و دیگران در حال ظهور هستند. اعمال تحریم ها علیه کشورهایی مانند ایران برای کشورهای غربی روز به روز دشوارتر می شود.»

صورت گرفت که سخنگوی اتحادیه اروپا اعلام کرده بدون هیچ توضیحی سفر هفته آتی بورل به پکن را لغو کرده است و مقامات چینی هیچ تاریخ جایگزینی نیز اعلام نکرده اند.

بر اساس گزارش منابع خبری جمهوری اسلامی، امیرعبداللهیان در این گفتگو با اشاره به سوزاندن قرآن در سوئد خواستار «مقابله جدی و مؤثر اروپا با انواع اسلام هراسی» شده است.

وی با تأکید بر اهمیت حفظ کانال های ارتباطی برای دستیابی به درک مشترک میان ایران و اروپا، ادعا کرده مذاکرات اخیر جمهوری اسلامی با طرفین اروپایی «صریح و سازنده» است.

امیرعبداللهیان نقش بورل و دستیار وی انریکه مورا را سازنده خواند و افزود: «نماینده جدید اتحادیه اروپا در منطقه که پیش از این وزیر خارجه ایتالیا بود، روابط سازنده ای با ما دارد و امیدواریم به روند تعامل مثبت ایران و اروپا کمک کند.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرده ایران همواره حامی صلح و ثبات در جهان از جمله اوکراین بوده و در این چارچوب معتقد است توقف جنگ تنها از طریق ابتکارات سیاسی ممکن است!

وی همچنین از اقدام پلیس ضدتروریسم آلبانی در مورد سازمان مجاهدین تمجید کرده و گفته است «اگرچه دیر هنگام، اما تجربه ای برای کشورهای اروپایی که با حمایت از آنها امنیت مردم خود را به خطر انداخته اند.»
درست تیرماه سال ۱۴۰۱ بود که بورل و دستیارش مورا با هدف «شتاب دادن به مذاکرات اتمی» به تهران سفر کردند. همان موقع نیز طرفین ادعا می کردند مذاکرات «سازنده» است.

منابع اروپایی حتی اعلام کردند این سفر «آخرین تیر ترکش» است. جوزپ بورل بعد از صرف شام با رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا و مورا در بروکسل راهی تهران شد با مقامات ارشد نظام از جمله علی شمخانی که از مدافعان «احیای برجام» است دیدار کرد. پس از آن اعلام شد که دو هفته به جمهوری اسلامی مهلت می دهند و پیشنهاد «تغییر فرمت» مذاکرات نیز مطرح شد. دو ماه بعد یعنی شهریور ۱۴۰۱ با شکست این تلاش ها بورل رسماً اعلام کرد «مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به بن بست رسیده؛ کار دیگری از دستم

● جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا یکسال بعد از سفر به تهران در گفتگوی تلفنی با وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد اهمیت مذاکرات برجام و تنش زدایی در برنامه هسته ای و ضرورت همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی صحبت کرد.

● این مقام ارشد اروپا گفته «من تأکید کردم که همکاری نظامی با روسیه غیرقابل قبول است، زندانیان اروپایی باید آزاد شوند و حقوق بشر رعایت شود.»

● امیرعبداللهیان با تأکید بر اهمیت حفظ کانال های ارتباطی برای دستیابی به درک مشترک میان ایران و اروپا، ادعا کرده مذاکرات اخیر جمهوری اسلامی با طرفین اروپایی «صریح و سازنده» است.

● درست تیرماه سال ۱۴۰۱ بود که بورل و دستیارش مورا با هدف «شتاب دادن به مذاکرات اتمی» به تهران سفر کردند. همان موقع نیز طرفین ادعا می کردند مذاکرات «سازنده» است. منابع اروپایی حتی اعلام کردند این سفر «آخرین تیر ترکش» است. بورل بعد از صرف شام با رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا و مورا در بروکسل راهی تهران شد و با مقامات ارشد نظام از جمله علی شمخانی که از مدافعان «احیای برجام» است دیدار کرد. دو ماه بعد یعنی شهریور ۱۴۰۱ با شکست این تلاش ها بورل رسماً اعلام کرد «مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به بن بست رسیده؛ کار دیگری از دستم بر نمی آید!»

● محمد مرتدی مشاور تیم مذاکره کننده اتمی جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه گفته قدرت های غربی اساساً «اهرم های فشار خود بر ایران» را از دست داده اند، زیرا با تمام تحریم هایی که قبلاً اعمال کرده اند، دیگر چیزی برای تهدید تهران ندارند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز سه شنبه ۴ ژوئیه (۱۳ تیرماه) در گفتگوی تلفنی با وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد اهمیت مذاکرات برجام و تنش زدایی در برنامه هسته ای و ضرورت همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی صحبت کرد.

این مقام ارشد اتحادیه اروپا گفته «من تأکید کردم که همکاری نظامی با روسیه غیرقابل قبول است، زندانیان اروپایی باید آزاد شوند و حقوق بشر رعایت شود.»
گفتگوی تلفنی بورل و امیرعبداللهیان در شرایطی

توافق جمهوری اسلامی و قطر برای صادرات نیروی کار ماهر از ایران

گرافیک از کیهان لندن
KAYHANLONDON



محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستاری کشور گفته بود که «آمار دقیق مهاجرت پرستاران را نمی‌توان اعلام کرد. پرستاران به روش‌های مختلف مهاجرت می‌کنند. برخی از آنها گواهی گوداستندینگ دریافت می‌کنند.»

همزمان در بهمن‌ماه گذشته وزارت بهداشت از درخواست سالانه ۱۲۵۰ پرستار برای دریافت «گوداستندینگ» (گواهی مورد نیاز برای مهاجرت) خبر داده بود.

محمد شریفی مقدم البته توضیح داده بود که «برخی از کشورها نیاز به «گوداستندینگ» ندارند و بسیاری از پرستاران بدون دریافت این گواهی اقدام به مهاجرت می‌کنند. آمار مهاجرت پرستاران حداقل ۲ برابر این میزان است. به عبارتی سالانه حداقل ۲۵۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند.»

میکائیل صدیقی مشاور کانون عالی کارگران ساختمانی کشور نیز همراه گذشته با بیان اینکه ۵۰ درصد کارگران ماهر و استادکاران ساختمانی به دلیل رکود در بخش ساخت‌وساز مسکن بیکار شده‌اند گفته بود این افراد یا به شماغل کاذب مانند دستفروشی مشغول هستند و یا به دیگر کشورها مهاجرت می‌کنند.

تقاضای بالا برای مهاجرت کاری به دیگر کشورها سبب داغ شدن بازار دلالی به اسم مشاوره و خدمات کاریابی در دیگر کشورها شده است. «استخدام کارگر با جای خواب در ترکیه و عراق»، «شرایط مهاجرت کشاورزان به کانادا»، «استخدام آرایشگر و صندوق‌دار در امارات» و ... اینها بخشی از آگهی‌های شغلی است که در کانال‌های تلگرامی، صفحات اینستاگرامی و حتی تراکت‌های کاغذی به وفور به چشم می‌آیند.

بهرام صلواتی مدیر «رصدخانه مهاجرت ایران» معتقد است که «این فراز مهاجرتی بی‌سابقه است و در چند دهه گذشته، حتی بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده» و ایران وارد مرحله مهاجرت «توده‌وار» شده است.»

بهرام صلواتی با بیان اینکه «هفت حلقه مهاجرتی داریم، وقتی این هفت حلقه به هم بیوندند، وارد مهاجرت توده‌وار می‌شویم» گفته که «در دهه ۷۰ عوامل

هشدارهایی از سوی کارشناسان را به همراه داشته است. تورم، کاهش ارزش پول ملی، سطح دستمزدهای ناعادلانه و ناچیز، و دیگر عوامل اجتماعی و سیاسی سبب شده در سال‌های گذشته همواره آمار مهاجرت نیروی کار از کشور صعودی باشد.

در شرایطی که سال‌ها پیش مهاجرت بیشتر اقشار نخبه را در بر می‌گرفت اما حالا موج گسترده‌ای از تقاضای مهاجرت در میان پزشکان، پرستاران، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، استادان، معلمان، مهندسان، کارگران، نقاشان و استادکاران ساختمان، نانوایان و حتی کشاورزان پدید آمده است.

ایرج خسرونی رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ماه گذشته با اشاره به مهاجرت گسترده پزشکان از کشور گفته بود که مشکلات معیشتی و درآمد اندک پزشکان، مهاجرت آنان را افزایش داده است بطوری که در سه سال گذشته حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار پزشک از کشور مهاجرت کرده‌اند.

یحیی ابراهیمی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی دی‌ماه گذشته با اشاره به مهاجرت گسترده پزشکان از کشور گفته بود درصد بالایی از پزشکان در حال مهاجرت به کشورهای حوزه خلیج فارس هستند.

به گفته یحیی ابراهیمی پلکانی کردن کارانه و گرفتن مالیات سنگین سبب شده که حقوق ماهیانه یک پزشک در کشور بیش از سی میلیون تومان نشود. پرستاران نیز از دیگر بخش‌های کادر درمان در کشور هستند که در سال‌های گذشته روند مهاجرت آنها با روندی صعودی همراه بوده است.

بنا بر اعلام منابع پرستاری در ایران از جمله دبیر کل خانه پرستار میزان مهاجرت سالیانه پرستاران از ایران از ۲ هزار در سال به ۳ هزار پرستار رسیده است. دبیرکل خانه پرستاری کشور بهمن‌ماه گذشته با اشاره به اینکه سالانه حداقل ۲۵۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند، گفته که حقوق پرستاران در مقاصد مهاجرتی حداقل چهار هزار دلار است، در حالی که در ایران حدود ۳۰۰ دلار پرداخت می‌کنند.

● معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته در ۶ ماه گذشته بیش از ۴ هزار نفر نیروی کار ایرانی درخواست اعزام به کشور قطر را داشتند که فقط ۵۰۰ نفر از آنها موفق به این کار شده‌اند.

● موج گسترده مهاجرت نیروی کار از کشور به دلیل تورم، کاهش ارزش پول ملی، سطح دستمزدهای ناعادلانه و ناچیز، و دیگر عوامل اجتماعی و سیاسی هشدارهایی از سوی کارشناسان را به همراه داشته است.

● تقاضای بالا برای مهاجرت کاری به دیگر کشورها سبب داغ شدن بازار دلالی به اسم مشاوره و خدمات کاریابی در دیگر کشورها شده است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از توافق میان جمهوری اسلامی و قطر برای اعزام نیروی کار متخصص و ماهر به این کشور خبر داد.

صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی گفته که «در سفر وزیر کار قطر به ایران، برنامه‌های متنوعی از جمله اعزام نیروی کار متخصص و ماهر به کشور قطر در دستور کار قرار گرفت. مقرر شد دفتر روابط کار ما در دوحه فعال شود و متناسب با نیاز شرکت‌های قطری به مرور زمان نیروی متخصص به این کشور اعزام شود.»

محمود کریمی بیرانوند معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته که «در قسمت‌های هوایی، دریایی، هتل‌داری و پزشکی از طرف هیأت قطری درخواست اعزام نیروی کار صورت گرفته است.»

به گفته محمود کریمی بیرانوند در ۶ ماه گذشته بیش از ۴ هزار نفر نیروی کار ایرانی درخواست اعزام به کشور قطر را داشتند که فقط ۵۰۰ نفر از آنها موفق به این کار شده‌اند. کریمی بیرانوند گفته که «بر اساس اعلام هیأت قطری ۱۵۰ دفتر اعزام نیروی کار در این کشور وجود دارد که کارها باید از این طریق انجام شود.»

توافق جمهوری اسلامی با قطر برای اعزام نیروی کار ماهر در حالیست که موج گسترده مهاجرت نیروی کار از کشور

بازداشت عامل سازمان اطلاعات سپاه توسط اسرائیل؛ «بازجویی مأموران رژیم در خاک ایران کار روزانه موساد است»



رسانه‌های اسرائیلی تصاویر و اطلاعات زیادی در مورد عوامل توطئه علیه بازرگانان اسرائیلی در قبرس منتشر کردند

عملیات «علیه اسرائیلی‌ها در قبرس بود که برای این حمله از مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سلاح و همچنین دستورالعمل‌های دقیق نیز گرفته است.

در بیانیه موساد آمده که عباسعلی‌لو در «یک عملیات منحصر به فرد» در ایران دستگیر شده و در بازجویی با جزئیات به ابعاد مختلف برنامه‌ای که برای حمله به شهروندان اسرائیلی تدارک دیده شده بود اعتراف کرده است. همین اعترافات باعث شده که اسرائیل و قبرس در یک عملیات مشترک این طرح‌ها را خنثی کنند.

عباسعلی‌لو اعتراف کرده فردی به اسم حسن شوشتری‌زاده مأمور شناسایی اهداف اسرائیلی و یهودی در قبرس بوده است.

بر اساس گزارش موساد، محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) این عملیات را هدایت می‌کرد. افراد دیگری که در این توطئه دخالت داشتند نیز شناسایی شده‌اند. رضا سراج فرمانده «یگان ۸۰۰» سپاه پاسداران و جواد سرایی از مأموران ارشد سپاه دو نفر از آنها هستند.

روزنامه «اورشلیم پست» با انتشار توثیقی از حساب کاربری وابسته به وزارت خارجه اسرائیل به نقل از یک مقام بلندپایه‌ی موساد نوشت: «ما هر کسی را که به تروریسم علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها دامن می‌زند، از جمله در خاک ایران، به چنگ خواهیم آورد.»

پیش از این الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل در مقاله‌ای که ۲۳ ژوئن (دوم تیرماه) در روزنامه «تلگراف» منتشر شد گفته بود اسرائیل به «پنهانی‌ترین اسرار» جمهوری اسلامی ایران اشراف دارد.

سرهنگ بازنشسته ژاک نریا مشاور سیاست خارجی دولت اسحاق رابین و معاون سابق رئیس ارزیابی اطلاعات نظامی اسرائیل نیز به شبکه «آی ۲۴» گفته «این اولین بار نیست که فردی از موساد در ایران از شخصی بازجویی می‌کند. این کار روزانه موساد در داخل ایران است.»

● موساد اعلام کرده فردی را به نام «یوسف شهبازی عباسعلی‌لو» که عامل یک حمله تروریستی برنامه‌ریزی شده توسط جمهوری اسلامی علیه اسرائیلی‌ها در قبرس بوده، در داخل ایران دستگیر کرده و او به طرح خود اعتراف کرده است.

● توطئه علیه یهودیان و شهروندان اسرائیل در قبرس را محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران هدایت می‌کرد.

● سرهنگ بازنشسته ژاک نریا مشاور سیاست خارجی دولت اسحاق رابین و معاون سابق رئیس ارزیابی اطلاعات نظامی اسرائیل به شبکه «آی ۲۴» گفته «این اولین بار نیست که فردی از موساد در ایران از شخصی بازجویی می‌کند. این کار روزانه موساد در داخل ایران است.»

● پیش از این الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل در مقاله‌ای که در روزنامه «تلگراف» منتشر شد گفته بود اسرائیل به «پنهانی‌ترین اسرار» جمهوری اسلامی ایران اشراف دارد.

● روزنامه «اورشلیم پست» به نقل از یک مقام بلندپایه‌ی موساد نوشت: «ما هر کسی را که به تروریسم علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها دامن می‌زند، از جمله در خاک ایران، به چنگ خواهیم آورد.»

موساد اعلام کرده فردی را به نام «یوسف شهبازی عباسعلی‌لو» که عامل یک حمله تروریستی برنامه‌ریزی شده توسط جمهوری اسلامی علیه اسرائیلی‌ها در قبرس بوده در داخل ایران دستگیر کرده و او در بازجویی‌ها به طرح خود اعتراف کرده است.

خبرگزاری رویترز ۲۹ ژوئن (هشتم تیر) گزارش داد که سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد) هویت فردی را که قصد حمله به تجار اسرائیلی در قبرس را داشته، فاش کرده است. روزنامه «اورشلیم پست» می‌نویسد این فرد «مغز متفکر

اقتصادی تعیین‌کننده بود و موج مهاجرتی جدیدی شکل گرفت. در اواخر دهه ۸۰، تحولات انتخابات ۸۸ باعث شد موج جدید مهاجرت سیاسی و اجتماعی شکل بگیرد. در اواخر دهه ۹۰ و اوایل قرن جدید، ما شاهد پیوست عوامل اجتماعی و اقتصادی هستیم. وقتی حوادث آبان ۹۸ اتفاق افتاد یا موشک به هواپیمای اوکراینی اصابت کرد، ما نتوانستیم پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به این بحران‌ها بدهیم؛ این مطالبات و فشارها به هم پیوند خورد و موجب شد قوی‌ترین حلقه رانشی شکل بگیرد. وقتی این حلقه شکل گرفت، در ادامه بقیه حلقه‌ها هم شکل می‌گیرد. مثلاً سرمایه‌گذاری مهاجرتی خانوارها به وجود آمد، برای مثال شاهد افزایش میل حضور در کلاس‌های زبان هستیم و درخواست مهاجرت دانشجویان بیشتر شده است. حتی برخی از خانواده‌ها برای فرزندانشان در سطح مدارس و مهدکودک‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند! حلقه بعدی این است که ما فضای مهاجرت را به صورت جهانی ببینیم. اگر ما برای سرمایه‌انسانی خیلی ارزش قائل نیستیم، کشورهای دیگر ارزش قائل‌اند. به این سؤال اساسی پاسخ ندادیم که قصد داریم برای اشتغال، رفاه و شادبودن چه کنیم، این مسئله‌ای است که در حال حاضر با آن مواجه هستیم. ما برای این سرمایه‌های انسانی چند دهه برنامه‌ریزی کردیم. هم‌اکنون اگر می‌بینید مهاجرت به ترکیه، امارات، قطر، عربستان، عمان، آلمان، اتریش و کانادا زیاد شده به این علت است که آنها برنامه‌های متنوعی برای سرمایه‌های انسانی دارند.»

کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا، اتحادیه اروپا شامل فرانسه، سوئد، هلند، آلمان، استرالیا و ترکیه جزو مقصدهای اصلی ایرانیان برای مهاجرت هستند. با اینهمه طی سالهای گذشته بخش زیادی از کارگران و نیروهای متخصص به کشورهای اطراف ایران از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق و کشورهای شرق آسیا مهاجرت کرده‌اند.

از سوی دیگر آمارهای حکومتی نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در ایران رو به افزایش است. مرکز آمار ایران گزارش داده که در فصل پایانی سال ۱۴۰۱ بیش از ۲ میلیون و ۵۲۶ هزار بیکار در کشور وجود داشته است که به معنای ثبت نرخ بیکاری ۹/۷ درصدی در پایان سال ۱۴۰۱ بوده است. این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (زمستان ۱۴۰۰) ۳/۰ درصد افزایش یافته است.

داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر در سال گذشته برابر با ۲۵ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر بوده که از این میزان حدود ۲ میلیون و ۵۲۶ هزار نفر بیکار بوده‌اند. رقم اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران برای نرخ بیکاری در زمستان گذشته بیانگر شکسته شدن رکوردی سه ساله است. پیش از این در زمستان ۱۳۹۹ نیز نرخ بیکاری برابر با همین میزان به ثبت رسیده بود.

کارشناسان معتقدند نرخ واقعی بیکاری در ایران بیش از رقم اعلام شده از سوی منابع حکومتی است چون افراد دارای مشاغل پاره‌وقت و غیر کامل را به عنوان افراد شاغل محاسبه می‌کند.

همین آمارهای غیردقیق اما بیانگر کاهش نرخ مشارکت در کشور نیز است. بر اساس تعاریف افراد بالغ جوئی کار در هر کشور جمعیت فعال شناخته می‌شوند. نسبت این جمعیت به کل جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر نرخ مشارکت اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که در زمستان سال قبل روندی نزولی داشته است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی در زمستان سال قبل برابر با ۴۰/۵ درصد بوده که کمترین سطح را در سال گذشته داشته و بیانگر شیب نزولی در سال گذشته بوده است.

مجوز ورود زنان به ورزشگاه برای تماشای فوتبال مردان صادر شد؛ البته مشروط و با تصمیم‌گیری دو نهاد اطلاعاتی!



موضوع بوده است.

سحر خدایاری معروف به «دختر آبی» شنبه ۲۱ اسفندماه ۹۷ برای تماشای بازی تیم مورد علاقه‌اش استقلال (تاج) و العین وارد ورزشگاه آزادی شد اما پس از شناسایی توسط مأموران نیروی انتظامی یک شب بازداشت و با قید وثیقه‌ی ۵۰۰ میلیونی آزاد شد اما در دادگاه به شش ماه زندان محکوم شد. سحر در اعتراض به حکم شش ماه زندان به جرم «تلاش برای ورود به ورزشگاه» در مقابل دادرسی تهران دست به خودسوزی زد و ۴ صبح روز دوشنبه ۱۸ شهریور ماه در بیمارستان سوانح و سوختگی «مطهری» درگذشت. درگذشت سحر موجی از اندوه در افکار عمومی به ویژه کاربران شبکه‌های اجتماعی پدید آورد.

مقامات حکومتی آماده نبود «زیرساخت» را علت ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه‌های فوتبال عنوان می‌کردند. از جمله انسبیه خزلی معاون امور زنان رئیس‌جمهور گفته که «اگر زیرساخت مناسب باشد، هیچ منعی وجود ندارد ولی باید شرایطی فراهم شود که ارزش و کرامت زن خدشه دار نشود. البته این موضوع باید در جایگاه و حد خود بدان پرداخته می‌شد نه چنانکه شاهد بودیم به عنوان یک ابزار برای تحریک جامعه چندان به آن بال و پر داده شود و التهاب آفرینی انجام دهند که موجب جریان‌های ناگواری مثل دختر آبی باشیم.»

این‌درحالیست که زنان بارها برای مراسم‌های مذهبی و حکومتی که در استادیوم‌های فوتبال برگزار شده در کنار مردان حضور یافته و هیچ یک از مسئولان نگران نبود «زیرساخت» نبوده‌اند. روزنامه «شرق» در این‌باره به برگزاری چند روز پیش مراسم «عید قربان» در استادیومی در مشهد اشاره کرده و نوشته که «چطور یکی، دو روز قبل در جریان مراسم عید قربان، جشنی به اسم «جشن محفلی‌ها» در ورزشگاه امام رضا با حضور پرشور خانواده‌ها برگزار می‌شود و کسی نگران زیرساخت نیست؛ ولی برای فوتبال، اسم این ورزشگاه خط می‌خورد؟ این دوگانگی که در برنامه‌های مشابه، زنان در کنار خانواده‌هایشان می‌توانند روی سکوی ورزشگاه بنشینند؛ ولی برای تماشای فوتبال حق ورود به ورزشگاه را ندارند، از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا در این شهر هم «زیرساخت» درست مثل ورزشگاه آزادی، فقط برای برنامه‌های غیرورزشی مهیاست؟»

اکنون در حالی شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی زیر فشارهای فیفا و برای رضایت افکار عمومی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌ها را صادر کرده که تعیین تیمی متشکل از چند نهاد دولتی و امنیتی و اطلاعاتی برای «برنامه‌ریزی» در این‌باره بیش از هر چیز مقدمه بهانه‌تراشی‌هایی همچون «فراهم نبودن زیرساخت» و یا اجازه حضور «گزینه‌ی» زنان در استادیوم‌ها خواهد بود.

فوتبال (فیفا) در این‌باره شد. فیفا از پنج سال پیش در نامه‌هایی از جمهوری اسلامی خواسته که اجازه ورود زنان به ورزشگاه‌ها را صادر کند. سال گذشته در پی فشارهای فیفا اجاره‌گزینه‌ی و سازمانیافته زنان به چند استادیوم داده شد. اما در آخرین دیدار تیم ملی فوتبال ایران در مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ که با لبنان و در شهر مشهد انجام شد، دختران و زنانی که برای ورود به ورزشگاه و تماشای بازی بلیت تهیه کرده بودند پشت در استادیوم ماندند و نیروهای آتش به اختیار با اسپری فلفل با آنها درگیر شدند. حواشی پیش آمده برای زنان در بازی ایران-لبنان در مشهد با اعتراضات زیادی همراه شد و حتی موضوع ممنوعیت حضور ایران در رقابت‌های جام جهانی قطر نیز از سوی منتقدان مطرح گشت.

وریا غفوری کاپیتان «استقلال» (تاج) نیز در واکنش به اتفاقات پیش آمده برای بانوان در مشهد در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «به عنوان یک فوتبالیست واقعا شرم‌نده می‌شوم که در دورانی بازی می‌کنم که مادران و خواهران حق ورود به ورزشگاه را ندارند.»

مجتبی جباری کاپیتان پیشین باشگاه «استقلال» (تاج) و بازیکن تیم ملی هم با انتشار یک پیام در صفحه اینستاگرامش اعلام کرد تا زمان حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، دیگر برای تماشای فوتبال به استادیوم نمی‌رود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌ای این رویدادها را محکوم کرده و از «فیفا» خواسته بود تا فوراً از مقامات رژیم جمهوری اسلامی بخواهد ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی را رفع کنند. هرچند تیم ایران در جام جهانی قطر حضور پیدا کرد اما در مقابل با آغاز اعتراضات سال گذشته، بار دیگر جمهوری اسلامی به این بهانه حضور نیم‌بند و گزینه‌ی زنان در ورزشگاه فوتبال را ممنوع کرد.

برای نمونه در فروردین‌ماه سال جاری باشگاه ملوان بندرانزلی در نامه‌ای رسمی به مساعد بودن زیرساخت‌های ورزشگاه سیروس قایقران برای ورود خانواده‌ها و زنان تأکید کرد اما فدراسیون فوتبال با بیان اینکه «حضور بانوان از استادیوم آزادی آغاز و سپس با صدور دستورالعمل برای شهرستان‌ها در استادیوم‌های دیگر اجرا خواهد شد» مانع حضور زنان در استادیوم انزلی شد.

سال‌هاست زنان در تلاش هستند تا سد ممنوعیت ورود به استادیوم‌های فوتبال را بشکنند و در این مسیر با اتفاقات تلخ و تحقیرهای زیادی روبرو بودند. در سال‌های گذشته دو اتفاق، یکی، خودسوزی سحر خدایاری معروف به «دختر آبی» در اعتراض به ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه‌ها و دیگری، اتفاقات تلخ ورزشگاه مشهد و پذیرایی با اسپری فلفل از زنان مشتاق به تماشای فوتبال از تلخ‌ترین اتفاقات پیرامون این

● رئیس فدراسیون فوتبال ایران با اعلام اینکه شورای عالی امنیت ملی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌ها برای تماشای فوتبال مردان را داده گفته که کارگروهی تعیین شده که در این‌باره تصمیم‌گیری می‌کند.

● موضوع حضور زنان در ورزشگاه برای تماشای فوتبال سال‌هاست از سوی بخشی از جامعه مطرح و با مخالفت شدید حکومت و طرفدارانش روبرو بوده است.

● فیفا از پنج سال پیش در نامه‌هایی از جمهوری اسلامی خواسته بود که اجازه ورود زنان به ورزشگاه‌ها را صادر کند.

● اکنون در حالی شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی زیر فشارهای فیفا و برای رضایت افکار عمومی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌ها را صادر کرده که تعیین تیمی متشکل از چند نهاد دولتی و امنیتی و اطلاعاتی برای «برنامه‌ریزی» در این‌باره بیش از هر چیز مقدمه بهانه‌تراشی‌هایی همچون «فراهم نبودن زیرساخت» و یا اجازه حضور «گزینه‌ی» زنان در استادیوم‌ها خواهد بود.

رئیس فدراسیون فوتبال ایران اعلام کرده که شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌های فوتبال برای تماشای بازی مردان را تصویب کرده است.

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران نهم تیرماه با اعلام اینکه شورای عالی امنیت ملی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌ها برای تماشای فوتبال مردان را صادر کرده، گفته است که کارگروهی تعیین شده که تصمیم‌گیری درباره نحوه اجرای این مصوبه را بر عهده دارد.

بر اساس توضیحات مهدی تاج، وزارت کشور، وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون فوتبال و دو دستگاه اطلاعاتی برای چگونگی ورود زنان به ورزشگاه برنامه‌ریزی خواهند کرد.

رئیس فدراسیون فوتبال گفته که دیگر «آمدن و نیامدن» زنان به ورزشگاه‌ها مطرح نیست و «در ورزشگاه‌هایی مثل گل گهر، سپاهان، ذوب آهن و غدیر اهواز که مناسب است بانوان حضور پیدا خواهند کرد. ورزشگاه آزادی هم باید آماده شود.» مهدی تاج درباره دو نهاد اطلاعاتی که قرار است در برنامه‌ریزی جهت ورود زنان به ورزشگاه‌ها نقش داشته باشند توضیح بیشتری نداده اما مشخص است که نه تنها همچنان نگاه «امنیتی» و «ایدئولوژیک» برای تماشای فوتبال مردان از سوی زنان در ورزشگاه مطرح است بلکه این «مجوز» شامل همه ورزشگاه‌ها نیز می‌شود.

موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات مردان به ویژه فوتبال سال‌هاست از سوی بخشی از جامعه مطرح و با مخالفت شدید حکومت و طرفدارانش روبرو بوده است. اصرار مقامات حکومتی برای ادامه ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های فوتبال سبب واکنش فدراسیون جهانی

خطر انحلال تیم «تاج»؛ بانک‌ها اموال باشگاه را بجای بدهی می‌گیرند؟



اولین قهرمانی تیم «تاج» در جام قهرمانی باشگاه‌های آسیا ۱۹۷۰

درآمدزایی ناتوان ماند، مجدداً درخواست تسهیلات از «بانک شهر» را مطرح کرده و با افزایش مبلغ رهن ورزشگاه مرغوبکار ۲/۵ میلیون دلار تسهیلات مجدد گرفت و در ادامه نیز شنیده می‌شود برای پرداخت بدهی احمد موسوی (بازیکن سابق تیم) و پیش‌پرداخت کادر فنی و بازیکنان جدید مجدداً از «بانک شهر» درخواست وام دیگری صورت گرفته شد.

حالا اگر برای تسویه بدهی فصل گذشته بازیکنان و پیش‌پرداخت بازیکنان این فصل مجدداً از این بانک تسهیلات گرفته شود به معنی آن است که مرغوبکار کاملاً از دست رفته، چرا که باشگاه از پرداخت اقساط ماهیانه ۱۸ میلیارد تومانی ناتوان است.

به نظر می‌رسد در ادامه این روند تا پایان فصل «استقلال» مجبور به وثیقه گذاشتن تها دارایی باقیمانده‌اش یعنی کمپ حجازی شود و این یعنی حرکت جدی به سمت ورشکستگی و انحلال باشگاه.

باشگاه تاج تهران که پیش از انقلاب اسلامی پس از تیم رئال مادرید در اسپانیا ثروتمندترین باشگاه دنیا محسوب می‌شد حالا به ورطه‌ای افتاده که به گفته منابع حکومتی ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد در حالی که تنها ۲۵۰ میلیارد درآمد داشته است.

بازیکنان تیم فوتبال «استقلال» اردیبهشت ۱۳۰۰ در نامه‌ای به مسعود سلطانی‌فر وزیر وقت ورزش و جوانان کابینه حسن روحانی اعلام کرده بودند مسئولان این باشگاه بی‌کفایت و عوام‌فریب هستند. این در حالیست که مدیران و مسئولان باشگاه «استقلال» (تاج) و پرسپولیس و سایر تیم‌ها بطور مشخص توسط نهادهای امنیتی انتخاب می‌شوند.

دکتر حمیدرضا صدر در کتاب «روزی روزگاری فوتبال» که بخشی از آن به جامعه‌شناسی این رشته‌ی ورزشی در ایران پرداخته می‌نویسد: «خسروانی تلاش زیادی کرد امکانات ورزشی پرشماری را که در سراسر کشور داشت از دست ندهد. او سیاست اهدای باشگاه به دربار را پیش گرفت. باشگاه او دارای کاخ ورزشی تاج بود، که پس از انقلاب محل اداره‌ی کل تربیت بدنی استان تهران شد. مجموعه ورزشی دیهیم و نازی‌آباد را داشت، مجموعه ورزشی بانوان که پس از انقلاب مجموعه حجاب نام گرفت را داشت. چندین کلوب تنیس در شهرهای بزرگ کشور و همچنین تأسیسات تاج لس آنجلس و تاج ترکیه را داشت [...] باشگاه تاج پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نهاد حکومت قلمداد شد و به سرعت به تسخیر کمیته‌ی انقلاب درآمد. ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ باشگاه تاج و هم‌هی متعلق‌اتش ملی اعلام شدند و نام تاج به استقلال تغییر یافت.»

حالا با «مدیریت انقلابی» در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است.

روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران که زیر نظر علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای منتشر می‌شود گزارش داده مدیران این باشگاه از جمله سردار پاسدار مصطفی آجرلو و علی فتح‌الله‌زاده خوبی به علت ناتوانی در تأمین مخارج تیم فوتبال ته‌مانده املاک باشگاه شامل «ورزشگاه مرغوبکار» در نازی‌آباد تهران و کمپ «ناصرحجازی» در غرب تهران را وثیقه «بانک شهر» گذاشته‌اند اما به علت عدم پرداخت اقساط ماهانه، آن بانک قصد مصادره این املاک را دارد.

در این گزارش که دهم تیرماه منتشر شده آمده است «اگرچه استارت گرفتن وام به‌منظور پرداخت بدهی‌های باشگاه استقلال را مصطفی آجرلو زده و او اولین بار از بانک شهر وامی میلیاردی را به این منظور دریافت کرد، اما مدیرعامل سابق آبی‌ها بجای وثیقه ملکی، یک سپرده بانکی به مبلغ ۱۲۳ میلیارد تومان را وثیقه تسهیلات ۱۵۰ میلیارد تومانی قرار داد.»

علی فتح‌الله‌زاده و زمان (از اعضای اقتصادی هیات مدیره) ناتوان از تزریق منابع مالی به باشگاه وثیقه ۱۲۳ میلیارد تومانی را خارج و بجای آن ورزشگاه مرغوبکار را در

● روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران که زیر نظر علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای منتشر می‌شود دهم تیرماه گزارش داده مدیران این باشگاه از جمله سردار پاسدار مصطفی آجرلو و علی فتح‌الله‌زاده خوبی به علت ناتوانی در تأمین مخارج تیم فوتبال ته‌مانده املاک باشگاه شامل «ورزشگاه مرغوبکار» در نازی‌آباد تهران و کمپ «ناصرحجازی» در غرب تهران را وثیقه «بانک شهر» گذاشتند اما به علت عدم پرداخت اقساط ماهانه آن بانک قصد مصادره این املاک را دارد.

● «اگرچه استارت گرفتن وام به‌منظور پرداخت بدهی‌های باشگاه استقلال را مصطفی آجرلو زده و او اولین بار از بانک شهر وامی میلیاردی را به این منظور دریافت کرد، اما مدیرعامل سابق آبی‌ها بجای وثیقه ملکی، یک سپرده بانکی به مبلغ ۱۲۳ میلیارد تومان را وثیقه تسهیلات ۱۵۰ میلیارد تومانی قرار داد.»

● حالا اگر برای تسویه بدهی فصل گذشته بازیکنان و پیش‌پرداخت بازیکنان این فصل مجدداً از «بانک شهر» تسهیلات گرفته شود به معنی آن است که مرغوبکار کاملاً از دست رفته، چرا که باشگاه از پرداخت اقساط ماهیانه ۱۸ میلیارد تومانی ناتوان است.



اولین قهرمانی تیم «تاج» در جام قهرمانی باشگاه‌های آسیا ۱۹۷۰

رهن «بانک شهر» قرار دادند. در واقع بعد از آنکه عضو اقتصادی و رئیس هیات‌مدیره، سرپرست و مدیرعامل باشگاه شد و از آوردن اسپانسر و

باشگاه «تاج» که با مدیریت تیمسار پرویز خسروانی پیش از انقلاب اسلامی یکی از ثروتمندترین باشگاه‌های جهان بود ۴۴ سال پس از آنکه جمهوری اسلامی آن را مصادره کرد،

«نسل Z به تحقق حقوق زنان از جمله هنرمندان زن کمک خواهد کرد»



پری عیسی‌زاده

کشوری در دنیا وجود ندارد که موسیقی در آن به شکلی اجرا نشده باشد، قدیمی‌ترین ساز کشف شده ۴۰ هزار سال قدمت دارد. من موسیقی را از نیازهای ضروری بشر می‌دانم. زنان همچنان به کلاس‌های موسیقی و آواز همانطور که تا حال بوده خواهند رفت و خواهند خواند و کسی نمی‌تواند انسان‌ها را از موسیقی ممنوع کند، چنین چیزی امکان ندارد و ما این را تا کنون دیده‌ایم و از این به بعد هم خواهیم دید.

- طی این ۴۴ سال مهاجرت و کوچ اجباری، زنان هنرمند با چه فراز و فرودهایی این مسیر را طی کرده‌اند؟

- متأسفانه در این سال‌ها شاهد فرار مغزها و ایده‌ها از ایران بودیم و فرار هنرمندان هم از این نوع است که بیشتر به هنر و کشور آسیب می‌رساند. اینها سرمایه‌های معنوی و فرهنگی هستند که به خاطر فشارهایی که به آنها وارد شده مجبور به ترک وطن شده‌اند. تأثیری که مهاجرت بر افراد می‌گذارد بسیار متفاوت است و بستگی به شرایط مهاجرت، سختی‌های زندگی در ایران، ویژگی‌های هنرمند از لحاظ روحیه و سن و سال و مسائل دیگر دارد.

اینکه این تأثیرات چقدر مخرب بوده‌اند بسیار فریست، البته سال‌ها نبرد و جنگ هنرمندان برای اینکه بتوانند اثر هنری خود را تولید و ارائه کنند می‌تواند آزاردهنده باشد و بر روی آنها اثر منفی بگذارد.

وقتی هنرمندان به یک کشور جدید می‌آیند چالش‌های جدیدی را هم دارند مثل دوری از وطن و خانواده، دوری از مخاطب و منابع الهام‌بخش‌شان که این عوامل می‌تواند اثر منفی بگذارد، البته وجود اینترنت و دسترسی به مخاطب از راه دور، مشکلات را نسبت به سال‌های پیش، بسیار آسان‌تر کرده. فعالیت در یک جامعه آزاد و بدون محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌تواند انگیزه و خلاقیت هنرمند را تقویت کند. در صورتی که شرایط تغییر کند، و حتم دارم اینگونه خواهد شد، و هنرمندان بخواهند به ایران عزیزمان برگردند،

- رژیم آخوندی از همان ابتدای روی کار آمدن رفتار دشمنانه‌ای با اهالی هنر و به‌خصوص موسیقی داشتند؛ با زنان، رفتار و منشی از بالا به پایین آمرانه، غیردموکراتیک و تبعیض‌آمیز داشتند. می‌توان گفت زنان هنرمند به ویژه خوانندگان مورد بیشترین اجحاف و تبعیض قرار گرفته و می‌گیرند، اما مادر این ۴۴ سال به هیچ وجه شاهد عقب‌نشینی زنان نبودیم؛ برعکس رژیم مرتب عقب‌نشینی می‌کرد. زمانی که من از ایران بیرون آمدم، داشتن یک نوار موسیقی هم جرم محسوب می‌شد و هنرمندان برای اینکه مورد مزاحمت قرار نگیرند و به کلاس‌هایشان برسند و مثلاً نواختن سازی را یاد بگیرند سازه‌های کوچکی را درست می‌کردند، مثلاً یک سه تار کتابی درست کرده بودند که می‌توانستند زیر پالتو و کت‌شان پنهان کنند! در کل می‌توان گفت این محدودیت‌ها تأثیرات معکوس داشته؛ امروز بیشتر از هر زمان دیگری جوانان ما دارند ساز و موسیقی یاد می‌گیرند، کلاس می‌روند، آواز می‌خوانند، در خانه‌های خود ساز دارند. در حالی که در سال‌های پایانی دوران پهلوی تا این اندازه استقبال از موسیقی در بین جوانان ندیده بودم. در حال حاضر تمامی ژانرهای موسیقی در ایران به شکل رسمی و غیررسمی در حال اجراست و آثار هنری تولید و ارائه می‌شوند. زنان و دختران با وجود ممنوعیت‌های حکومتی، آثار هنری خود را بدون کمک و حمایت رژیم ضبط و به صورت آنلاین ارائه می‌کنند. زنان در ایران نشان داده‌اند که در خواسته‌هایشان مُصر هستند و از اهدافشان در زمینه آزادی و برابری عقب‌نشینی نمی‌کنند. در این روزها شاهد بودیم که مردان هنرمند هم به کمک آمدند و در کنسرت‌هایی که به زنان اجازه خواندن یا ساز زدن ندادند شرکت نکردند. من به آینده و تغییر هم امیدوار و هم کاملاً مطمئن هستم ضمن اینکه بسیار تأسف می‌خورم که در طول این سال‌ها اینهمه استعداد و انرژی بی‌هوده هدر رفته. من به عنوان یک روانشناس می‌گویم که موسیقی را نمی‌توان ممنوع کرد، هیچ

● پری عیسی‌زاده خواننده، ترانه‌سرا و آهنگساز آثار فولکلور ایرانی ساکن سوئد: پس از انقلاب ۵۷ «زمانی که من از ایران بیرون آمدم، داشتن یک نوار موسیقی هم جرم محسوب می‌شد و هنرمندان برای اینکه مورد مزاحمت قرار نگیرند و به کلاس‌هایشان برسند و مثلاً نواختن سازی را یاد بگیرند سازه‌های کوچکی را درست می‌کردند، مثلاً یک سه تار کتابی درست کرده بودند که می‌توانستند زیر پالتو و کت‌شان پنهان کنند!»

● «با توجه به اراده قوی و تلاش خارق‌العاده جوانان برای تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران، این نسل به تدریج می‌تواند تأثیر بیشتری بر آینده از جمله آزادی زنان و آواز زنان در ایران بگذارد.»

فیروزه نوردستروم - پری عیسی‌زاده خواننده، ترانه‌سرا و آهنگساز آثار فولکلور ایرانی ساکن سوئد در یک خانواده هنرمند و هنردوست در دزفول به دنیا آمد و رشد کرد. پدرش که با موسیقی مقامی جنوب و ردیف موسیقی ایرانی آشنایی کامل داشت از همان دوران کودکی آموزگار او در آوازخوانی بود و از وی پشتیبانی می‌کرد.

پری عیسی‌زاده چند سال پیش از وقوع انقلاب ۵۷ همراه با خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد ولی چند ماه پس از انقلاب به ایران برگشتند. در نهایت او در سال ۱۳۶۴ ایران را به مقصد سوئد ترک کرد و در دانشگاه استکهلم تحصیلاتش را در رشته روانشناسی به پایان رساند.

یکی از اولین اجراهای پری عیسی‌زاده در سوئد با ارکستر فیلارمونیک سلطنتی در کنسرت «هال استکهلم» بود. وی با ارکستر خود به نام «پریراد» علاوه بر شرکت در فستیوال‌ها و اجرای کنسرت، تئاترموزیکال نیز برای کودکان تهیه و اجرا می‌کند. پس از تئاتر «دختر قالبیاف و قالی پرند» که بسیار مورد توجه قرار گرفت و چندین سال در مدارس، بیمارستان‌های کودکان و خانه‌های پناهجویان اجرا می‌شد، اینک تئاترموزیکال «من توام» را به نویسندگی خودش و کارگردانی الیزابت یونگر کارگردان اپرا در سوئد ارائه می‌دهد.

پری عیسی‌زاده همچنین چند آلبوم در پرورنده هنری خود دارد از جمله «از دزفول تا دارلنا» با آثار فولکلور ایرانی و سوئدی و آلبوم «از دزفول تا کابل» با بازخوانی آثار و آوازه‌ها و ترانه‌های قدیمی از دزفول، شوشتر، آثار لری و کردی و همچنین کارهای قدیمی از افغانستان با تنظیم احسان توکل که به تازگی ارائه شده است.

آلبوم جدیدی که در این میان از کارهای دیگر این هنرمند متمایز است، «من توام» نام دارد و بر روی اشعار خودش و شاعران دیگر تنظیم شده است. چندی پیش پری عیسی‌زاده به عنوان بازیگر مهمان در نمایش «زن، زندگی، آزادی» با موضوع خشونت علیه زنان در ایران که کاری از گروه تئاتر «کاروان» به کارگردانی هلن همتی هامارشتروم است نیز شرکت داشت. کیهان لندن با این هنرمند و روانشناس مقیم سوئد گفتگویی انجام داده است.

- خانم عیسی‌زاده، با وقوع انقلاب اسلامی و ممنوع شدن آواز زنان بسیاری از هنرمندان زن ایرانی مجبور به ترک کشور شدند؛ با توجه به اینکه شما این تجربه را پشت سر گذاشتید فکر می‌کنید این روند در درازمدت موجب تضعیف روحیه و کاهش کیفیت تولید آثار هنری هنرمندان می‌شود؟

مختص و نیروی کار در این کارخانه آگهی منتشر شده است. برخی به صراحت می‌گویند که این تأسیسات بطور کامل با وزارت دفاع روسیه در زمینه طراحی و تولید پهپاد هماهنگ است. در آگهی‌های مربوط به استخدام نیرو برای کار در این کارخانه نیز تأکید شده که نیروی متخصص باید با «فرآیندهای مهندسی معکوس» آشنا باشد.

مهندسی معکوس به جمهوری اسلامی این قابلیت را داده است تا با بررسی و آنالیز پهپادها و تجهیزات و قطعات خارجی بتواند نمونه‌های مشابه از پهپادها را طراحی کند.

پیش از این کاخ سفید بر اساس عکس‌های ماهواره‌ای گزارش داده بود در منطقه آلابوگا روسیه دو کارخانه در تولید پهپاد فعال‌اند. جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا گفته بود «ما همچنین نگران هستیم که روسیه با ایران برای تولید پهپادهای ایرانی از داخل روسیه همکاری می‌کند.»

ساموئل بندت کارشناس تسلیحات می‌گوید: «اگر روسیه بخواهد کاری مخفیانه با ایران انجام دهد، این کارخانه مکان مناسبی است زیرا در ساحل رود ولگا قرار دارد و می‌تواند تجهیزات لازم را با کشتی از ایران منتقل کند. همچنین این ناحیه



تصویر ماهواره‌ای از منطقه ویژه اقتصادی آلابوگا روسیه، ساختمان‌هایی را نشان می‌دهد که آمریکا اعلام کرد آنجا پهپاد ساخته می‌شود

با کاران که یکی از قطب‌های اصلی فناوری و تولید تجهیزات پیشرفته روسیه است فاصله کمی دارد.» شرکت «آلباتروس» خود را سازنده پهپاد برای مصارف کشاورزی و نقشه‌برداری معرفی کرده است اما ایلپا و رونکوف یکی از بنیانگذاران این شرکت در مصاحبه‌هایی به تأمین تجهیزات نظامی نیز اعتراف کرده. او همچنین به خرید فیبر کربن از شرکت «آلابوگا فیبر»، یک شرکت همسایه که بعداً توسط ایالات متحده به دلیل نقش‌اش در برنامه‌های نظامی روسیه تحریم شد، اذعان کرده است. ورونکوف گفته است که ۷۰ درصد قطعات آلباتروس ساخت روسیه است، در حالی که سایر قطعات مانند موتور از چین تأمین می‌شود. وبسایت سازنده این پهپادها، دوربین و لوازم الکترونیک و سایر تجهیزات شرکت‌های اروپایی، آمریکایی و آسیایی را تبلیغ می‌کند. در این میان اعلام شده است که دولت‌های اروپایی قصد دارند با عدم لغو تحریم‌های مربوط به برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی برجام را برای اولین بار «نقض» کنند تا واکنشی به نقض‌های مداوم این توافق توسط تهران و همچنین همکاری‌های تسلیحاتی با روسیه در جنگ علیه اوکراین نشان داده باشند. خبرگزاری رویترز هفتم تیرماه گزارش داد: که تهدید تحریم‌های جمهوری اسلامی سه دلیل عمده دارد: استفاده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی علیه اوکراین؛ احتمال انتقال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه و محروم کردن ایران از مزایای توافق اتمی زیرا جمهوری اسلامی برجام را نقض کرده است.

فایننشال تایمز:

ساخت پهپادهای نظامی در تاتارستان روسیه با همکاری جمهوری اسلامی در پوشش یک کارخانه مرتبط با صنایع کشاورزی

● شرکت «آلباتروس» (Albatross) در یک تأسیسات کلیدی برای همکاری روسیه و ایران فعالیت می‌کند. در آنجا پهپادهای شناسایی برای وزارت دفاع روسیه تولید می‌شود و تا کنون تقریباً ۵۰ فروند آن برای نبرد در شرق

اوکراین تحویل داده شده است.

● این کارخانه یکی از مراکز همکاری‌های رو به گسترش جمهوری اسلامی ایران و روسیه در زمینه فناوری‌های تولید پهپاد است و به نظر می‌رسد متخصصان ایرانی نیز در آن مرکز فعالیت می‌کنند. بر اساس اطلاعاتی که از این مرکز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده جزواتی به زبان فارسی نیز در آنجا دیده شده. همچنین برای جذب متخصص و نیروی کار در این کارخانه آگهی منتشر شده است.

روزنامه «فایننشال تایمز» روز پنجشنبه ۶ ژوئیه (۱۵ تیرماه) گزارش داد شراکت پنهانی روسیه با ایران شامل همکاری نزدیک در یک کارخانه جدید در تاتارستان روسیه است، جایی که مسکو یک کارخانه سازنده پهپاد کشاورزی را برای تأمین تسلیحات جنگی خود در اوکراین تغییر کاربری داده و پهپادهای نظامی تولید می‌کند. شرکت «آلباتروس» (Albatross) در یک تأسیسات کلیدی برای همکاری روسیه و جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند. در آنجا پهپادهای شناسایی برای وزارت دفاع روسیه تولید می‌شود و تا کنون تقریباً ۵۰ فروند آن برای نبرد در شرق اوکراین تحویل داده شده است. این کارخانه یکی از مراکز همکاری‌های رو به گسترش جمهوری اسلامی ایران و روسیه در زمینه فناوری‌های تولید پهپاد است و به نظر می‌رسد متخصصان ایرانی نیز در این مرکز فعالیت می‌کنند. بر اساس اطلاعاتی که در این زمینه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، جزواتی به زبان فارسی نیز در آنجا دیده شده. همچنین برای جذب

می‌توانند از تجربیات و دانشی که در زمان فعالیت در خارج کشور کسب کرده‌اند بهره‌برداری کنند و در بهبود کیفیت و تنوع آثار خود تأثیرگذار باشند.

زنان فعال در عرصه موسیقی که همواره بر حقوق خود پافشاری و مبارزه کرده‌اند، در وضعیت کنونی با ارائه چه شیوه‌هایی می‌توانند مطرح باشند؟

ایران کشوری با تاریخ و فرهنگ غنی است که سال‌هاست با چالش عظیمی در مورد آزادی و برابری زنان روبرو بوده و هست، در این میان زنان هنرمند به‌خصوص خوانندگان زن مورد تبعیض مضاعف قرار گرفته‌اند. این محدودیت‌ها تأثیر منفی و عمیقی بر جامعه و همچنین بر فرهنگ و صحنه موسیقی ایران گذاشته است، از جمله تحریف در نمایندگی فرهنگی چرا که تعداد زنان با استعدادی که می‌توانستند به پیشرفت و توسعه آن کمک کنند محدود بوده اما دیدیم که زنان ایرانی با وجود ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها مقاومت کردند و راهکارهای جایگزینی برای بیان استعداد موسیقایی و صدای خود پیدا کرده‌اند مثلاً از طریق بهره‌برداری از پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی توانستند اجرای موسیقی خود را با مخاطبان بیشتر چه در داخل و چه در خارج از ایران به اشتراک بگذارند، به عقیده من مثل یک غلتکی است که به راه افتاده؛ یعنی مقاومت زنان در مقابل رژیم که آنها را از بسیاری از حقوق انسانی محروم کرده، پیش می‌رود؛ هیچ رژیم نمی‌تواند این جریان را متوقف کند و آواز خواندن زنان نیز بخشی از این موضوع است همانطور که هرگز نمی‌تواند جلوی تحصیل زنان و آگاهی آنها از حقوق اجتماعی‌شان را بگیرند، همانطور هم نمی‌تواند سد راه ورود آنها به حوزه موسیقی شوند.

با توجه به اینکه نسل جدید ظاهراً سرکش‌تر است و برای کسب حقوق خود عزم خود را جزم کرده، آینده زنان ایرانی در عرصه موسیقی و آواز را چگونه می‌بینید؟

همیشه نسل جوان به دلیل تفاوت‌های روحی و تفاوت‌هایی در مغز که خاص سنین جوان‌تر است، از نسل‌های قبل‌تر از خود، پر جرات‌تر بوده و معمولاً بدون ترس فعالیت می‌کند. به این ویژگی‌ها شرایط دیگری مثل محدودیت‌ها و فشارهای اجتماعی، بالا بودن سطح تحصیلات مادران و پدران جوانان امروز در ایران و بالا بودن سطح آگاهی این جوانان با توجه به ارتباطات آنلاین با جهان را باید افزود. از سوی دیگر وقتی تجربه تلخ شکست دو نسل قبل از آنها در انقلاب ۵۷ را به خاطره جمعی آنها اضافه کنیم، می‌بینیم نسل شجاعی به وجود آمده که در این ۹ ماه اخیر توجه همه دنیا را به سمت خود جلب کرده است؛ آنها به عنوان مبارزان حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و تساوی جنسیتی از وسایل ارتباط جمعی نظیر شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و پادکست‌ها و ویدئوها استفاده می‌کنند تا صدای خود را به گوش دیگران برسانند.

آنها از این طریق خواست‌های خود را مطرح می‌کنند. با توجه به اراده قوی و تلاش خارق‌العاده جوانان برای تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران، این نسل به تدریج می‌تواند تأثیر بیشتری بر آینده از جمله آزادی زنان و آواز زنان در ایران بگذارد. تردیدی نیست که نسل Z به کسب حقوق خود از جمله برابری جنسیتی و ایجاد شرایط برابر برای زنان و هنرمندان زن در همه عرصه‌ها از جمله موسیقی هم کمک خواهد کرد. آنها با ترکیب استفاده از فناوری، خلاقیت هنری و فعالیت‌های اجتماعی در آینده نقش بسیار مهمی را در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ایفا خواهند کرد. البته این را هم اضافه کنم که نسل‌های قبل هم باید همراهی کنند و این کار خطیر فقط بر دوش و وظیفه جوانان نیست بلکه به همراهی همه گروه‌های سنی، اقشار و گروه‌های اجتماعی نیاز است.

نخستین گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران؛ مقامات جمهوری اسلامی همکاری نکردند



در بازداشت گشت ارشاد نگرفته و عدالت درباره آنها رعایت نشده است.

در بخشی از این گزارش نیز با اشاره به ادعای مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر «عفو ۲۰ هزار نفر از معترضان بازداشت‌شده» آمده که این رقم نشان می‌دهد شمار بازداشت‌شدگان در اعتراضات سال گذشته ایران قطعا بیش از این تعداد بوده است. در ادامه به سرکوب شهروندان از جمله روزنامه‌نگاران اشاره و مطرح شد که در حال حاضر ۱۷ روزنامه‌نگار در ایران زندانی هستند و نیلوفر حامدی و الهه حامدی، دو روزنامه‌نگاری که در پوشش خبری قتل مهسا امینی مطلب نوشتند، با گذشت ۹ ماه از بازداشت همچنان در زندان هستند.

این گزارش افزوده که ۲۶ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات اخیر در ایران از سوی جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می‌برند. هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل تأکید کرده که مسموم ساختن دانش‌آموزان که حقوق هزاران دانش‌آموز دختر از جمله حق تحصیل آنها را تحت شعاع قرار داده از سوی این کمیته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سرکوب و نقض حقوق زنان، و پلمب کسب و کارها به بهانه مبارزه با «بی‌حجابی» و همچنین ادعای استفاده از تکنولوژی نوین برای شناسایی افراد «بی‌حجاب» از سوی جمهوری اسلامی و لایحه جدید «حجاب و عفاف» از دیگر موضوعات مورد اشاره از سوی کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل است.

سارا حسین در بخشی از سخنان خود از جمهوری اسلامی خواست تا اجازه سفر به اعضای کمیته حقیقت‌یاب به ایران و دسترسی بدون مانع به کسانی را بدهد که خواهان ملاقات با این هیأت هستند. او همچنین خواستار پایان روند «اعدام» شهروندان معترض و ایجاد سازوکار آزادی شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات شد.

در نشست امروز شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد همچنین نمایندگان کشورهای مختلف سخنانی درباره

چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۲ برابر با ۵ ژوئیه ۲۰۲۳ نخستین گزارش از تحقیقات خود را در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو ارائه داد.

در گزارش ارائه شده از سوی این هیئت با اشاره به «اعدام تکانه‌دهنده» هفت شهروند معترض بازداشت‌شده در اعتراضات تأکید شده که اعتراف بازداشت‌شدگان همگی زیر شکنجه صورت گرفته است. سرکوب شهروندان معترض، مسموم ساختن دانش‌آموزان در ماه‌های گذشته و همچنین سرکوب به بهانه «حجاب» از محورهای این گزارش است. سارا حسین رئیس هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل گزارش اولیه این هیئت را به شورای حقوق بشر ارائه داد. همچنین کشورهای عضو نیز در سخنانی به اعلام نظر درباره نقض حقوق بشر در ایران پرداختند.

بر اساس نخستین گزارش هیئت حقیقت‌یاب، مقامات جمهوری اسلامی با این هیئت همکاری نکرده و پاسخ روشنی به پرسش‌های مطرح شده از سوی هیئت نداده‌اند. به گفته سارا حسین این هیئت خواستار آن بوده که سخنان و مستندات طرفین را بشنود و ادعاهای جمهوری اسلامی را نیز بررسی کند.

سارا حسین همچنین گفته که روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه برابر با ۴ ژوئیه در ژنو با نمایندگان هیئت ویژه‌ای که ابراهیم رئیسی چند ماه پیش برای بررسی ابعاد اعتراضات سال گذشته منصوب کرده بود دیدار کرده و ادعاهای هیئت منتخب جمهوری اسلامی نیز در کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با وجود عدم همکاری جمهوری اسلامی با هیئت حقیقت‌یاب، اعضای آن با اتکا به منابع کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل گزارش مستندی درباره وقایع پس از کشته شدن مهسا امینی تهیه و به اطلاع اعضای شورای حقوق بشر می‌رساند.

سارا حسین در بخشی از سخنانش تأکید کرده که خانواده مهسا امینی پاسخ قانع‌کننده‌ای درباره کشته شدن دخترشان

بر اساس نخستین گزارش هیئت حقیقت‌یاب، مقامات جمهوری اسلامی با این هیئت همکاری نکرده و پاسخ روشنی به پرسش‌های مطرح شده از سوی هیئت نداده‌اند.

سارا حسین رئیس هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل از جمهوری اسلامی خواست تا اجازه سفر به اعضای کمیته حقیقت‌یاب به ایران و دسترسی بدون مانع به کسانی را بدهد که خواهان ملاقات با این هیأت هستند.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل تأکید کرده که مسموم ساختن دانش‌آموزان که حقوق هزاران دانش‌آموز دختر از جمله حق تحصیل آنها را تحت شعاع قرار داده از سوی این کمیته مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سرکوب و نقض حقوق زنان، و پلمب کسب و کارها به بهانه مبارزه با «بی‌حجابی» و همچنین ادعای استفاده از تکنولوژی نوین برای شناسایی افراد «بی‌حجاب» از سوی جمهوری اسلامی و لایحه جدید «حجاب و عفاف» از دیگر موضوعات مورد اشاره از سوی کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل بود.

نمایندگان آمریکا، کانادا، استرالیا، اسپانیا، آلبانی، رومانی، فلاندر، آلمان، فرانسه، هلند، ایسلند، کستاریکا و اسرائیل از جمله نمایندگان هستند که بر نقض حقوق شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی تأکید کرده و انتقاد خود را به اقداماتی چون اعدام شهروندان معترض، شکنجه و آزار بازداشت‌شدگان، خشونت علیه زنان و دختران و مسموم ساختن دانش‌آموزان مطرح کردند.

در آنسو اما نمایندگان کوبا، سوریه، روسیه، بلاروس، لائوس، نیکاراگوئه، ونزوئلا، زیمبابوه و کره شمالی در حمایت از جمهوری اسلامی سخن گفتند. نماینده روسیه حتا به اخراج جمهوری اسلامی از کمیته مقام زن سازمان ملل و محکومیت نقض حقوق بشر در ایران توسط کشورهای غربی اعتراض کرد.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره موارد نقض حقوق بشر و خشونت حکومتی در اعتراضات اخیر ایران امروز

اسکای نیوز: بریتانیا به همراه کانادا، اوکراین و سوئد به دلیل سرنگونی هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» جمهوری اسلامی را به دادگاه می‌کشاند



پرواز «پی‌اس ۷۵۲» هواپیمایی اوکراین بامداد ۱۸ دی ۱۳۹۸ به فاصله کوتاهی پس از پرواز از فرودگاه بین‌المللی تهران با شلیک دو موشک پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد و تمامی ۱۷۶ مسافر و خدمه آن کشته شدند

همچنین بریتانیا و سوئد و افغانستان بودند. این کشورها در بیانیه مشترک خود اعلام کردند: «اقدامات حقوقی فعلی نشان‌دهنده تعهد بی‌چون و چرای ما برای دستیابی به شفافیت، عدالت و پاسخگویی برای خانواده‌های قربانیان است.»

بعد از ساقط کردن هواپیمای مسافربری، مقامات جمهوری اسلامی پس از سه روز تکذیب سرانجام اعتراف کردند هواپیما با موشک سقوط کرده اما ادعا کردند شلیک‌ها «غیرعمدی» بوده است؛ ادعایی که نتوانستند آن را اثبات کنند.

مقامات ارشد جمهوری اسلامی حتا مدعی شده‌اند که ایالات متحده مقصر این سقوط بوده است چرا که آنها بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» به پایگاه عین‌الاسد در عراق حمله کردند و بعد از آن نگران تلافی آمریکا بودند.

در گزارش نهایی که در سال ۲۰۲۱ جمهوری اسلامی منتشر کرد ادعا شده بود «ایران‌تور» رادار مسئول این سقوط بوده است. مقامات اوکراینی می‌گویند جمهوری اسلامی به دنبال سرپوش گذاشتن بر دلایل اصلی سرنگونی هواپیماست. اوکراین اصرار دارد که این اقدام «عمدی» بوده است.

در این میان، جمهوری اسلامی فرمانده پدافند هوایی آن ناحیه را که گفته شد مسئول سرنگونی این هواپیما بوده به ۱۳ سال حبس محکوم کرد. اما کشورهای که درگیر این پرونده هستند اعلام کردند این محاکمه ساختگی و پر از ابهام بوده است. بر اساس پرونده‌ای که به دادگاه بین‌المللی ارسال شده است، بریتانیا، اوکراین، کانادا و سوئد استدلال می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران «تمام اقدامات عملی را برای جلوگیری از ارتکاب غیرقانونی و عمدی یک جرم انجام نداد» و «در انجام تحقیقات جنایی بی‌طرف، شفاف و منصفانه کوتاهی کرده است.»

این پرونده همچنین ادعا می‌کند که رژیم ایران مدارک مربوط به سرنگونی هواپیما را مخفی کرده یا از بین برده است.

● دولت بریتانیا قصد دارد برای محاکمه جمهوری اسلامی در دادگاه بین‌المللی به دلیل شلیک موشکی و سرنگون کردن هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» به دولت‌های اوکراین، کانادا و سوئد بپیوندد.

● این کشورها زیر عنوان «گروه واکنش و هماهنگی بین‌المللی برای قربانیان PSV۵۲» با صدور بیانیه‌ای مشترک مدعی شدند که درباره این پرونده با جمهوری اسلامی ایران به توافق نرسیده و دادخواستی را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرده‌اند.

● این کشورها در بیانیه مشترک خود اعلام کردند: «اقدامات حقوقی فعلی نشان‌دهنده تعهد بی‌چون و چرای ما برای دستیابی به شفافیت، عدالت و پاسخگویی برای خانواده‌های قربانیان است.»

اسکای نیوز روز چهارشنبه ۵ ژوئیه (۱۴ تیرماه) گزارش داد که دولت بریتانیا قصد دارد برای محاکمه جمهوری اسلامی در دادگاه بین‌المللی به دلیل شلیک موشکی و سرنگون کردن هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» به دولت‌های اوکراین، کانادا و سوئد بپیوندد.

این کشورها زیر عنوان «گروه واکنش و هماهنگی بین‌المللی برای قربانیان PSV۵۲» با صدور بیانیه‌ای مشترک مدعی شدند که درباره این پرونده با جمهوری اسلامی ایران به توافق نرسیده‌اند و دادخواستی را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرده‌اند.

این کشورها از دادگاه می‌خواهند که رژیم ایران وادار به پاسخگویی و عذرخواهی و پرداخت غرامت به خانواده قربانیان شود.

پرواز «پی‌اس ۷۵۲» با ۱۷۶ سرنشین هشتم ژانویه سال ۲۰۲۰ با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد و تمام مسافران و خدمه آن کشته شدند. کشته‌شدگان عمدتاً شامل اتباع ایران و کانادا و اوکراین و

نقض حقوق بشر و گزارش ارائه شده مطرح کردند. نمایندگان برخی کشورهای همسو با جمهوری اسلامی نظراتی در حمایت از این حکومت دادند. نمایندگان آمریکا، کانادا، استرالیا، اسپانیا، آلبانی، رومانی، فلاندر، آلمان، فرانسه، هلند، ایسلند، کستاریکا و اسرائیل از جمله نمایندگانی هستند که بر نقض حقوق شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی تأکید کرده و انتقاد خود را به اقداماتی چون اعدام شهروندان معترض، شکنجه و آزار بازداشت‌شدگان، خشونت علیه زنان و دختران و مسموم ساختن دانش‌آموزان مطرح کردند.

نماینده اتحادیه اروپا در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل با ذکر نام معترضان اعدام شده پس از قتل مهسا امینی از اعدام و سرکوب معترضان انتقاد کرد و از جمهوری اسلامی خواست که با کمیته حقیقت‌یاب همکاری کند.

در آنسو اما نمایندگان کوبا، سوریه، روسیه، بلاروس، لائوس، نیکاراگوئه، ونزوئلا، زیمبابوه و کره شمالی در حمایت از جمهوری اسلامی سخن گفتند. نماینده روسیه حتا به اخراج جمهوری اسلامی از کمیته مقام زن سازمان ملل و محکومیت نقض حقوق بشر در ایران توسط کشورهای غربی اعتراض کرد و ادعای غیرواقعی مقامات جمهوری اسلامی درباره اثرات تحریم بر عدم دسترسی ایران به واکسن کرونا را تکرار کرد. این در حالیست که واکسن کرونا به درخواست علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به ایران وارد نشد و سبب بیماری و مرگ صدها هزار بیمار گشت.

همچنین کاظم غریب‌آبادی معاون بین‌الملل و حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی در این نشست مدعی شد که گزارش ارائه شده از سوی کمیته حقیقت‌یاب «اقدامی با انگیزه سیاسی و غیرقابل قبول» است.

کاظم غریب‌آبادی همچنین به شهروندان معترض در ایران تاخت و مدعی شد اعتراضات مردمی سال گذشته «یک اغتشاش تمام‌عیار و نه تجمعات مسالمت‌آمیز» بوده است. او افزود که «همچنان برخی از کشورهای خاص و سازوکارهای حقوق بشری از اغتشاش‌های سال گذشته به عنوان تجمعات مسالمت‌آمیز یاد می‌کنند.»

کاظم غریب‌آبادی در ادعایی کاملا دروغ گفت در طول اعتراضات ماه‌های گذشته «اینترنت قطع نشد و فقط واتس‌آپ قطع بود و تقریباً همه بازداشت‌شدگان عفو شدند». این در حالیست که همچنان رسانه‌ها و کارشناسان درون ایران از قطع و اختلال اینترنت و زیان‌گسترده این اقدام سرکوبگرانه بر کسب‌وکارها و اقتصاد کشور گزارش می‌دهند.

نماینده جمهوری اسلامی همچنین گفت که نمایندگان دیگر کشورها باید هنگام صحبت درباره حکومت ایران از عبارات محتارانه و دیپلماتیک استفاده کنند و نباید از واژه «رژیم» استفاده کنند.

سارا حسین رئیس هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل در پایان این نشست تأکید کرد که «ما متعهد به کار مستقل بر اساس منشور سازمان ملل هستیم و از هیچ کشور یا دولتی دستور نمی‌گیریم.»

شورای حقوق بشر سازمان ملل سوم آذرماه برابر با ۲۴ نوامبر در یک نشست ویژه و اضطراری در ژنو به تشکیل یک کمیته بین‌المللی حقیقت‌یاب برای بررسی و مستندسازی موارد گسترده سرکوب‌های سیاسی در ایران، رأی مثبت داد.

سارا حسین از بنگلادش، شهین صدرعلی از پاکستان و ویوین کریستینویچ از آرژانتین سه عضو اصلی این کمیته هستند. سارا حسین ریاست این کمیته را بر عهده دارد.

گزارش دیگر کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار است در ماه مارس ۲۰۲۴ برابر با اسفند ۱۴۰۲ یا اوایل فروردین ۱۴۰۳ ارائه شود.

بازتاب چهره خشن فقر در جرائم نوظهور؛ از راهزنی در جاده‌ها تا آدم‌ربایی و گروگانگیری



● راهزنی و همچنین سرقت خودروهای عبوری در ماه‌های اخیر در جاده‌های کشور رواج یافته است.
● در روزهای گذشته دستکم چهار فقره آدم‌ربایی و گروگانگیری در رسانه‌های داخلی گزارش شده است.
● گزارش دیگری حکایت از ربودن دختران دانش‌آموز با موهای بلند دارد. هدف از ربودن این دختران بریدن موهای آنها برای فروش بوده است!
● آدم‌ربایی و راهزنی، در کنار فروش اعضای بدن، فروش فرزند، رحم اجاره‌ای، تن‌فروشی، گورخوابی و اتوبوس‌خوابی از جمله آثار گسترش فقر در جامعه ایران است.

بروز پدیده «راهزنی» و سرقت از اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها مدت‌هاست که برخی جاده‌های ایران را به شدت ناامن کرده است. ناامنی در شهرها نیز افزایش یافته و در یک مورد گزارش‌هایی از ربودن زنان و دختران و بریدن موهای آنها برای فروش حکایت دارد.

پدیده‌های نوظهور و تکانه‌دهنده‌ای در ایران به دلیل فقر رواج یافته و در روزهای گذشته گزارش‌ها از ناامن شدن برخی جاده‌های کشور به دلیل راهزنی حکایت دارند.

خبرگزاری «مهر» امروز چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲ در گزارشی از پدیده راهزنی و همچنین سرقت اتومبیل‌های عبوری در ماه‌های اخیر در جاده‌های کشور از جمله در استان کرمان خبر داده است.

یکی از رانندگان اتوبوس تهران-ایرانشهر خبر از حمله راهزنان به اتوبوس‌اش داده است. او گفته که «ساعت یک و نیم شب ۱۲ تیرماه در محدوده پل هشتصد متری حوزه استحفاظی شهرستان ریگان از توابع استان کرمان در حال رانندگی بودم که عده‌ای از افراد با پرتاب سنگ و شکستن شیشه‌های اتوبوس قصد توقف اتوبوس را در این مسیر داشتند.»

این راننده افزوده «اما چون پیش از این شنیده بودم که رانندگان اتوبوس‌های دیگری در موقعیت مشابه مورد خفت‌گیری واقع شده‌اند و سارقان با این حربه اتوبوس آنها را متوقف کرده و اموال مسافران را دزدیده‌اند از توقف خودداری کرده و با سرعت به راهم ادامه دادم تا زمانی که دیگر آنها را ندیدم.»

به گفته این راننده اگر سنگ‌های پرتاب شده باعث شکسته شدن شیشه اتوبوس شود و به صورت راننده برخورد کند، قطعاً اتفاق ناگواری برای همه مسافران رخ می‌دهد. با این حال راهزنان با چنین حرکتی، قصد به یغما بردن اموال مسافران را دارند و تا کنون چندین بار گزارش شده که روال دزدی راهزنان در آن منطقه به همین صورت بوده است.

او افزوده که عمده رانندگان زمانی که به اولین مرکز نیروی انتظامی می‌رسند موضوع را گزارش می‌کنند و طبیعتاً نیروی انتظامی هم تلاش خود را برای دستگیری سارقان آغاز می‌کنند «اما این اتفاق برای ما احساس ناامنی در این منطقه به وجود آورده است.»

حسین ترکیان رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان نیز روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۲ از دستگیری هفت نفر که در

شناسایی متهمان و مخفیگاه آنان واقع در خیابان شریعتی تهران شدند که پس از هماهنگی با مقام قضائی با انجام یک عملیات منسجم و غافلگیرانه سرکرده باند و ۴ نفر از اعضا باند آدم‌رباها که همگی اتباع کشورهای همسایه بودند دستگیر و ۱۵ گروگان بدون هیچ‌گونه خسارت مالی و جانی از بند گروگان‌گیران رها و به پلیس آگاهی منتقل کردند.

گزارش دیگری با عنوان «دختران نوجوان با موی بلند قربانی دزدی عجیب در تهران» نیز حکایت از ربودن دختران دانش‌آموز با موهای بلند دارد. هدف از ربودن این دختران بریدن موی آنها برای فروش بوده است.

ستایش، دختر ۱۰ ساله و یکی از قربانیان، گفته «از مدرسه به سمت خانه می‌آمدم، مدل ماشین را بلد نبودم؛ اما شیشه‌های دودی داشت. با نشان دادن چاقو من را سوار ماشین کردند... یک خانم و یک آقا بودند. وقتی سوار شدم، دو دختر دیگر هم در ماشین بودند و فقط گریه می‌کردند. مرد سیاه و بزرگ با چاقوی بزرگ تهدید می‌کرد کسی حرف نزنند. چند محله که دور شدیم کاغذی را برد تا چند نفر امضا کنند و دوباره سوار ماشین شد، کمی که گذشت همان مرد کیسه‌ای دسته‌دار برداشت و موی هر سه نفر ما را با قیچی برید و آن را گره زد. داخل ماشین پر از کیسه مو بود... موهای مشک، طلایی، قرمز، همه رنگ بود.»

ستایش گفته که «کیسه دسته‌داری برداشت و موی هر سه نفر ما را با قیچی برید و آن را گره زد. داخل ماشین پر از مو بود... موهای مشک، طلایی، قرمز، همه رنگی بود. با چاقوی بزرگی تهدیدمان کرد تا کسی حرف نزنند.» به گفته ستایش، ماشین پر از کیسه‌هایی حاوی موهای رنگی بوده و دو دختر دیگر که از سرنوشت آنها خبری نیست نیز داخل خودرو بودند.

اتوبوس‌های «بی‌آرتی» اقدام به جیب‌بری می‌کردند خبر داد.

وی با بیان اینکه متهمان دستگیرشده به ۶۵ فقره جیب‌بری و سرقت تلفن همراه در اتوبوس‌های بی‌آرتی اعتراف کردند، گفت که «با راهنمایی متهمان ۲ مال‌خرد اموال مسروقه نیز دستگیر و تمامی این افراد به همراه پرونده برای انجام اقدامات قانونی تحویل مرجع قضائی شدند.»

همزمان سردار رهام‌بخش حبیبی فرمانده نیروی انتظامی استان فارس خبر داد که فردی ۳۵ ساله با یک قبضه اسلحه گرم وارد یک داروخانه در شهرک صدرای شیراز شد و به قصد اخاذی، پنج نفر از کارکنان داروخانه و شهروندان حاضر را به گروگان گرفت.

سردار رهام‌بخش حبیبی افزوده که پس از درگیری پلیس با فرد گروگانگیر، او کشته شد و گروگان‌ها در سلامت آزاد شدند.

در قرچک استان تهران نیز ۱۵ شهروند در پی آدم‌ربایی به گروگان گرفته شدند. سردار دلاور القاصی مهر فرمانده انتظامی شرق تهران درباره این حادثه گفته که «در پی گزارش یک فقره فقدان مشکوک به آدم‌ربایی در شهرستان قرچک، پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.»

فرمانده انتظامی شرق تهران افزوده که «شاکي پس از چند روز مجدداً به پلیس آگاهی قرچک مراجعه و اعلام داشته که با وی طی دو مرحله تماس تلفنی، در ازای آزادی برادرش درخواست مبلغ به ترتیب ۲ هزار و ۶ هزار دلار وجه نقد کرده‌اند که بعد از تهیه، وجه درخواستی را تحویل آنان داده است.»

این مقام نیروی انتظامی گفته که مأموران پلیس آگاهی با انجام اقدامات فنی و پلیسی و اطلاعاتی موفق به





تأیید حکم اعدام عباس دریس از بازداشت شدگان اعتراضات ۹۸ در دیوان عالی کشور

بستند و مردم مسلح نیز به مقابله با آنها پرداختند. جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان به سلاح‌های سنگین نظامی و دوشکا متوسل شد. به استناد برخی گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شهروند در جریان این کشتار جان باختند.

عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران» بودند پس از کشتار مردم در نزارهای ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محرابه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو» تبدیل شد. دادگاه انقلاب بر اساس اعتراضات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.

وکیل این زندانی سیاسی پیشتر تأیید کرده بود که اعتراضات موکل‌اش در وزارت اطلاعات انجام شده و او در دادگاه و در حضور قاضی اتهامات را رد کرده و گفته در جریان آنچه در نزارهای ماهشهر رخ داده به کسی شلیک نکرده و کسی را نکشته است. اما دادگاه بی‌اعتنا به این موضوع و با تکیه بر اعتراضات اجباری و زیر شکنجه‌ی این شهروند او را به اعدام محکوم کرد.

عباس دریس (شلیشات) متولد سال ۱۳۵۹، متأهل و دارای فرزند است که تا پیش از بازداشت توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کارگری مشغول بوده و سابقه فعالیت سیاسی نیز نداشته است. کفایه حزباوی همسر عباس دریس در زمان پیگیری پرونده همسرش پس از پیگیری‌های بسیار درباره پرونده او به نهادهای قضایی تهران مراجعه کرد و به او گفتند همسرش اعدام خواهد شد. کفایه حزباوی به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد.

فرشته تابانیان در اینباره گفته بود که «به همسر عباس دریس در تهران به دروغ گفتند که حکم اعدام او صادر شده و او به دلیل عدم آگاهی حقوقی، تصور کرده که حکم صادر شده متأسفانه ظرف یک هفته به دلیل سکنه جان باخت.» کاربران ایرانی هفدهم آذرماه ۱۴۰۰ برای حمایت از این شهروند زندانی توفان توئیتری به راه انداختند که طی آن کاربران با استفاده از هشتگ‌های #عباس_دریس، #اعدام_نکنید و #SaveAbbas خواهان لغو مجازات اعدام او شدند. اکنون با تأیید حکم اعدام عباس دریس در دیوان عالی کشور این شهروند در خطر اجرای حکم اعدام و قتل حکومتی قرار دارد.

● وکیل عباس دریس نوشته شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم اعدام موکل‌اش را به اتهام محاربه و «بدون توجه به ایرادات» تأیید کرده است.

● عباس دریس و برادرش در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها به «محرابه» تغییر کرد!

● دادگاه انقلاب بر اساس اعتراضات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرده است.

● کفایه حزباوی همسر عباس دریس پس از شنیدن احتمال اعدام همسرش به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد.

وکیل عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری سال ۹۸ اعلام کرده حکم «اعدام» موکل‌اش در دیوان عالی کشور تأیید شده است. عباس دریس که از سوی نهادهای امنیتی و قوه قضاییه به «محرابه» متهم شده در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارد.

فرشته تابانیان وکیل عباس دریس روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه با انتشار توئیتی از تأیید حکم اعدام موکل خود در دیوان عالی کشور خبر داد.

این وکیل دادگستری نوشته که شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور حکم اعدام عباس دریس را به اتهام محاربه و «بدون توجه به ایرادات» تأیید کرد.

فرشته تابانیان افزوده که «از این حکم اعاده داری خواهم کرد. متأسفانه حتی این حکم به من ابلاغ نشد و من از طریق ابلاغ استحضاری شعبه اول دادگاه انقلاب ماهشهر متوجه شدم.»

اکانت توئیتری «برادران دریس» که از سوی خانواده عباس دریس اداره می‌شود نیز در توئیتی نوشته که «حکم اعدام عباس دریس در شرایطی توسط دیوان عالی کشور تأیید شد که وکلای مدافع پرونده پیشتر به تمامی ایرادات حقوقی پرونده در خصوص انتساب اتهام محاربه به عباس دریس اعتراض کرده بودند.»

خانواده این زندانی سیاسی در پایان تأکید کرده‌اند که «عزمی جمعی برای نجات عباس دریس نیاز است.»

در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۹ آبان در ماهشهر اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم به ویژه در شهرک «چمران» برگزار شد و مردم توانستند جاده خروجی ماهشهر را ببندند. مأموران جمهوری اسلامی معترضان را در نزارهای نزدیک شهرک جراحی به رگبار

→ آدم‌ربایی و راهزنی، در کنار فروش اعضای بدن، فروش فرزند، رحم اجاره‌ای، تن‌فروشی، گورخوابی و اتوبوس‌خوابی از جمله آثار گسترش فقر در جامعه ایران است.

در هفته جاری گزارش دیگری درباره وقوع قتل در پی دعوا بر سر قیمت مرغ میان یک مرغ‌فروش و یک شهروند خریدار منتشر شد. سرهنگ محسن سلیمانی جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان چالوس از وقوع «یک فقره قتل» در بخش مرزن‌آباد چالوس خبر داده و تأیید کرده که «این حادثه بر اثر مشاجره بر سر قیمت گوشت مرغ میان مسافر و فروشنده رخ داد که منجر به قتل مرغ‌فروش شد.» سرهنگ محسن سلیمانی با بیان اینکه «به علت شدت جراحات ضربه‌های چاقو، فروشنده مرغ در دم جان باخت» توضیح داده که «خانواده این مسافر [قاتل] به قصد خریدن مرغ به یکی از مرغ‌فروشی‌های این منطقه مراجعه می‌کنند که جرّ و بحث بر سر قیمت مرغ بین فروشنده و خریدار اتفاق می‌افتد و مرد مسافر با چاقو به سمت فروشنده حمله و او را مجروح می‌کند و فروشنده جان می‌بازد.»

افزایش قیمت‌ها در کنار کاهش ارزش پول ملی و درآمدهای ناچیز و بی‌ارزش اقشار حقوق‌بگیر سبب گسترده‌تر شدن فقر در جامعه شده است.

حجت میرزایی پژوهشگر اقتصادی اردیبهشت امسال گزارش داد که نرخ فقر در برخی استان‌های ایران به شرایط نگران‌کننده‌ای رسیده بطوری که بیشتر از ۸۰ درصد جامعه روستایی و ۴۵ درصد جامعه شهری سیستان و بلوچستان فقیر هستند و زمان تخصیص یارانه معیشتی، تقریباً تمام ساکنان این استان بجز گروه بسیار کوچکی مستحق یارانه شناخته شدند.

به گفته این پژوهشگر اقتصاد، بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند. همچنین فقر خشن به حدی رسیده که بر اساس گزارش وزارت راه و شهرسازی، دهک اول درآمدی برای خانه‌دار شدن به ۲۴۸ سال زمان نیاز دارد.

حجت میرزایی گفته که بر اساس گزارشی که در سال ۱۴۰۰ برای وزارت کار تهیه شده، میزان فعالیت‌های انسان‌ستیز غیررسمی مانند کولبری، شوتی‌ها، زباله‌گردی و ... به ۴۰ درصد و در برخی استان‌ها به ۶۰ درصد رسیده است. کارشناسان اقتصادی همواره نسبت به فقر گسترده در جامعه که عامل آن عملکرد ناکارآمد اقتصادی جمهوری اسلامی است هشدار می‌دهند. فرشاد مومنی اقتصاددان و نزدیک به جناح کارگزاران جمهوری اسلامی نیز امروز سه‌شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۲ گفته که طی دهه ۹۰ و در کمتر از سه سال، جمعیت فقرا دو برابر شد.

فرشاد مومنی افزوده «سیاست شوک درمانی، سیاست فقرزا و فلاکت‌زا است و حکومت باید به هوش بیاید! در حالی که طی هفتاد سال برنامه ریزی توسعه ای ایران در گذشته، ده‌ها سال طول می‌کشید تا جمعیت فقیر کشور دو برابر شود. در دهه ۱۳۹۰ ظرف کمتر از سه سال، اندازه جمعیت فقیر کشور دو برابر شده است.»

به گفته این اقتصاددان «عین همین مسئله برای محیط زیست وجود دارد. گزارش‌های رسمی می‌گوید در سه سال اخیر، ایران حدود ۶۶ رتبه در رنکنینگ بین‌المللی به سمت بحران‌زده‌ترین کشورها در زمینه محیط زیستی سقوط کرده است. در واقع تغییر اقلیمی که به واسطه این سهل‌انگاری‌ها به ایران تحمیل شده، باعث شده است که در معرض چه فاجع عظیمی باشیم.

کاهش ۲۴ درصدی متقاضیان کنکور نسبت به سال گذشته؛ ناامیدی، مشکلات اقتصادی و مهاجرت تحصیلی



داخل کشور می‌مانند.»

این در حالیست که سن مهاجرت تحصیلی تا دانش‌آموزان کاهش یافته که یکی از مهمترین دلایل آن افزایش نجومی شهریه‌های مدارس در ایران است. در همین رابطه یک آموزگار پیشتر در گفتگو با روزنامه «اعتماد» به یک نمونه از مهاجرت دانش‌آموزان اشاره کرد و افزود: «دختری کلاس نهم است و حدود ۶۲۰ میلیون تومان برای ثبت‌نام او در مدرسه‌ای وابسته به دانشگاهی در تورنتو کانادا پرداخت کرده‌اند.» او یکی دیگر از دلایل مهاجرت دانش‌آموزان را قانون «لزوم پرداخت مبالغ میلیونی برای آزاد کردن مدرک دوره لیسانس و فوق لیسانس» دانست و گفت: «خانواده‌ها فکر می‌کنند مبالغی که باید در آینده برای آزاد کردن مدرک پرداخت کنند، زودتر در سنین دانش‌آموزی برای اعزام فرزندان‌شان و تحصیل در کشورهای دیگر هزینه کنند تا از این شرایط رها شوند.»

در چنین شرایطی اما همچنان بازار تقلب و فروش سوالات کنکور هم برقرار است. عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش آموزش کشور امروز و در جریان برگزاری کنکور گفته که «از شب گذشته تا امروز افراد و شبکه‌های زیادی را در زمینه پخش سوالات کنکور دستگیر کردیم.» به گفته رئیس سازمان سنجش آموزش کشور «شبکه‌هایی از استان‌های خوزستان، خراسان و لرستان بوده‌اند و دو استان دیگر در حال بررسی هستند و تجهیزات زیادی از آنها گرفته شد و خوشبختانه در تهران موردی نداشتیم.»

ساله‌است که موضوع حذف کنکور در ایران مطرح است و به نظر می‌رسد اکنون با کاهش تساعدی متقاضیان در هر سال و خالی ماندن بسیاری از ظرفیت‌های دانشگاهی این موضوع جدی‌تر شده است.

عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش آموزش کشور نیز گفته که «کنکور در حال حذف شدن است و در حال حاضر هم در ۸۵ درصد از رشته‌ها به صورت بدون آزمون پذیرش دانشجو داریم.»

برخی معتقدند مافیای کنکور که درآمد زیادی از کلاس‌ها و آزمون‌های آمادگی کسب می‌کند مانند سدی مقابل حذف کنکور در ایران ایستاده است.

شرکت‌کنندگان کنکور در آزمون علوم تجربی شرکت کرده‌اند. بر اساس آمارهای سازمان سنجش ۴۸۵ هزار نفر برابر با ۴۳ درصد داوطلبان در کنکور علوم تجربی شرکت کردند. از سوی دیگر در کنکور امسال دروس عمومی حذف شده و داوطلبان در کنار پاسخ به سوالات اختصاصی، باید به سابقه تحصیلی‌شان که تأثیر ۴۰ درصدی در رتبه‌شان دارد، تکیه کنند.

یکی دیگر از نکات مورد توجه در کنکور سال‌های گذشته این بوده که از سال ۹۸ تا کنون درصد قابل توجهی از متقاضیات پس از قبولی در آزمون و مشخص شدن رتبه، انتخاب رشته نکرده و از تحصیل در دانشگاه‌های کشور منصرف شدند.

در سال ۹۸ از میان یک میلیون و ۱۱۸ هزار داوطلب تنها ۴۵۳ هزار یا ۴۰ درصد داوطلبان انتخاب رشته کردند. همچنین در کنکور سال بعد یعنی ۱۳۹۹، از بین یک میلیون و ۳۹۱ هزار داوطلب تنها ۳۳ درصد آنها انتخاب رشته کردند. در سال ۱۴۰۰ نیز ۴۷ درصد یا ۵۲۳ هزار نفر از داوطلبان و در سال ۱۴۰۱ تنها ۳۹ درصد داوطلبان به انتخاب رشته پرداختند. به نظر می‌رسد جدا از مشکلات اقتصادی و عدم امیدواری به اشتغال پس از تحصیل در دانشگاه، یکی دیگر از مسائل اثرگذار بر کاهش شمار متقاضیان کنکور و همچنین عدم انتخاب رشته پذیرفته‌شدگان، تمایل دانش‌آموزان و دیپلمه‌ها به مهاجرت تحصیلی است.

بر اساس نظرسنجی «استاسیس» که در هفته آخر تیر و هفته اول مرداد ماه سال ۱۴۰۱ انجام شده، یک سوم ایرانی‌ها اگر فرصت فراهم شود از کشور مهاجرت می‌کنند. این رقم در میان جوانان ایرانی (افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال) برابر با ۴۹ درصد است.

روزنامه «اعتماد» روز چهارشنبه ۱۷ خرداد از کاهش سن مهاجرت به دانش‌آموزان ایرانی خبر داده و نوشته بود که علت مهاجرت دانش‌آموزان «ناامیدی» دانش‌آموزان از آینده خود در ایران است.

پیشتر الهام یآوری رئیس سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان اعلام کرد: «۷۰ درصد دانش‌آموزان مدارس سمپاد به خارج کشور مهاجرت می‌کنند و تنها ۳۰ درصد آنان در

● آمار شرکت‌کنندگان در کنکور امسال نشان می‌دهد که شمار متقاضیان در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ با کاهش ۲۴ درصدی و به عبارت دیگر با کاهش ۳۶۹ هزار و ۷۸۶ نفری داوطلبان همراه بوده است.

● در کنکور امسال دروس عمومی حذف شده و داوطلبان در کنار پاسخ به سوالات اختصاصی، باید به سابقه تحصیلی‌شان که تأثیر ۴۰ درصدی در رتبه‌شان دارد، تکیه کنند. ● جدا از مشکلات اقتصادی و عدم امیدواری به اشتغال پس از تحصیل در دانشگاه، یکی دیگر از مسائل اثرگذار بر کاهش شمار متقاضیان کنکور و همچنین عدم انتخاب رشته پذیرفته‌شدگان، تمایل دانش‌آموزان و دیپلمه‌ها به مهاجرت تحصیلی است.

نوبت دوم کنکور ۱۴۰۲ در حال برگزاریست و آمار شرکت‌کنندگان نشان از کاهش ۲۴ درصدی شمار متقاضیان نسبت به سال گذشته دارد اما دختران در کنکور امسال سهم ۶۱ درصدی دارند. مشکلات اقتصادی و تلاش برای مهاجرت تحصیلی از جمله دلایل کاهش شمار متقاضیان کنکور ارزیابی می‌شود.

آمار شرکت‌کنندگان در کنکور امسال نشان می‌دهد که شمار متقاضیان در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ با کاهش ۲۴ درصدی و به عبارت دیگر با کاهش ۳۶۹ هزار و ۷۸۶ نفری داوطلبان همراه بوده است.

روزنامه «فرهیختگان» درباره غیبت یک چهارم از کنکوری‌ها برای شرکت در این آزمون نوشته که «به نظر می‌رسد چالش بیکاری فارغ‌التحصیلان که طی سال‌های اخیر به یکی از مشکلات جدی کشور تبدیل شده، حالا خود را با بی‌رغبتی داوطلبان برای تحصیل در مقطع کارشناسی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بخشی از دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند بعد از پایان دوران متوسطه، یا در مقطع کاردانی تحصیل کنند و یا به دنبال فراگرفتن مهارت و فنی که بتواند مسیر حضورشان در بازار کار را تسهیل کند، بروند.»

در این میان اما رشد آمار متقاضیان دختر در کنکور امسال قابل توجه است. نوبت اول کنکور امسال، در دی ماه با ۹۷۸ هزار و ۴۶۰ داوطلب برگزار شد. نوبت دوم نیز در تیرماه امسال با یک میلیون و ۱۱۹ هزار و ۴۳۶ داوطلب در حال برگزاریست. در کنکور ۱۴۰۲، تأثیر معدل به ۶۰ درصد رسیده و ۸۵ درصد رشته‌ها بدون آزمون هستند. از بین تمام داوطلبان کنکور امسال؛ ۶۸۷ هزار و ۴۲۰ نفر زن و ۴۳۲ هزار و ۱۶ نفر مرد هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت ۶۱ درصد داوطلبان زن و ۳۹ درصد داوطلبان مرد هستند.

همچنین بیشترین داوطلبان گروه هنر در ۵ سال اخیر مربوط به پارسال با ۱۶۱ هزار داوطلب می‌شود. ۷۴/۳ درصد از داوطلبان گروه هنر زن و ۲۵/۷ درصد آن مرد هستند. متقاضیان برای شرکت در کنکور رشته ریاضی و فیزیک با کاهش روبرو شده بطوریکه در کنکور ۱۴۰۲، ۱۳۶ هزار و ۸۵۱ نفر، داوطلب شرکت در کنکور ریاضی بودند. این تعداد ۱۲ درصد از کل جمعیت کنکور را تشکیل می‌دهد. در حالیکه سهم گروه آموزشی ریاضی از کنکور ۱۴۰۱، ۹/۷ درصد یا ۱۴۵ هزار نفر بود.

۳۱ درصد داوطلبان امسال در متقاضیان گروه علوم انسانی تشکیل می‌دهند و همچنان مانند سال‌های گذشته بیشترین

مالی، پشتوانه و حمایت و یک رهبری و تشکیلات منسجم لازم دارد. برای همین گروه‌های مختلف باید با همدیگر به توافق برسند که متأسفانه هنوز نرسیده‌اند تا یک رهبری قوی شکل بگیرد. چیزی که در ایران رخ داده و با کمی افول ادامه دارد، به اعتقاد من جنبشی خودجوش است. جوانان و مردم مملکت بیرون آمدند و این حرکت گسترده و دامنه‌دار شد. ولی هیچ تشکل منسجمی وجود ندارد که این مردم را حمایت و یا در مسیری درست قرار دهد تا آنها هم کار درست خودشان را انجام بدهند و جنبش را پیش ببرند. این اتفاق نمی‌افتد هر چند واقعیت‌های ایران به گوش جهانیان رسیده است.

خلاصه اینکه ظلمی که به مردم ایران می‌شود مثل روز روشن است. ما دیگر در دوره و زمانه‌ای نیستیم که حکومتی بخواهد حجاب اجباری را تحمیل کند و یا شما را از داشتن عقیده‌ای منع کند. یا بگوید که این لباس را بپوش و یا نبوش و یا این کار را بکن و یا نکن و یا این عقیده را داشته و یا نداشته باش. مردم آزادی می‌خواهند چون ما در زمانه‌ی ارتباطات پیشرفته و اینترنت زندگی می‌کنیم و چیزی پنهان نمی‌تواند باقی بماند.

● آیا شما کار هنری در ارتباط با جنبش زن زندگی آزادی هم منتشر کرده‌اید؟

-بله، من با گروه بین‌المللی «اوپیوم مون» یک کار مشترک با عنوان «زن، زندگی، آزادی» انجام دادیم. آقای حمید سعیدی که نوازنده سنتور است تنها ایرانی‌ای است که با این گروه همکاری می‌کند.

● شما به عنوان کسی که از حقوق جامعه «ال‌جی‌بی‌تی» با

تاکید خاص بر ایرانی‌ها دفاع می‌کنید هم شناخته شده هستید... در مورد موضوع «ال‌جی‌بی‌تی» باید بگویم که با چنین افرادی در حیطه‌های مختلف از زمان نوجوانی یا اول جوانی در ایران ارتباط داشته‌ام. به‌خصوص بعد از انقلاب من شاهد بودم که همجنس‌گرایان در چه شرایط سختی قرار دارند. ما وضعیت این افراد را زیاد نمی‌فهمیدیم که کمابیش در اکثر نقاط دنیا هم چنین است. من در طول زندگی‌ام با همجنس‌گرایان زیادی برخورد کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که آنها بطور طبیعی به همجنس تمایل دارند. من این واقعیت را دیدم و با صدای بلند گفتم که همجنس‌گرایان با این گرایش به دنیا می‌آیند یعنی این خواست خودشان نیست. بسیاری از همجنس‌گرایان آدم‌های بسیار حساسی هستند و در میان آنها هنرمندان بزرگ صاحب‌نام در رشته‌های مختلف کم نیستند.

در ایران که همجنس‌گرایان در شرایط بسیار سختی هستند، متأسفانه اکثریت مردم ایران به دلیل عدم آموزش و آگاهی نمی‌توانند وضعیت اینان را درک کنند. در خانه و در جامعه، بسیاری از مردم از فهم مسئله همجنس‌گرایان عاجز هستند. در خانواده‌های ایرانی پذیرفتن اینکه فرزندشان یک فرد عادی نیست و همجنس‌گراست بسیار مشکل است. ولی من که با افراد همجنس‌گرای زیادی برخورد داشته‌ام آنها را بسیار دوست می‌دارم. بسیاری از این دوستان انسان‌های فرهیخته و بسیار موفق هستند. به دلیل همین آشنایی و آگاهی همیشه از حقوق همجنس‌گرایان حمایت کرده‌ام و هیچ تبعیضی علیه اینان را نمی‌توانم تحمل کنم. شاید بسیاری با دیدگاه من مخالف باشند. اضافه کنم که من فعالیت هنری به صورت شعر و ترانه برای همجنس‌گرایان تا حال نداشته‌ام. ولی هر وقت صحبتی در مورد همجنس‌گرایان بوده دیدگاه طرفدارانه خودم را به روشنی بیان کرده‌ام.

● نظر شما در مورد جنبش زن، زندگی، آزادی چیست؟
-حُب، همه ما تحت تاثیر این جنبش قرار گرفته‌ایم حتی جوانانی که در خارج از ایران بزرگ شده‌اند و هرگز در ایران زندگی نکرده‌اند. این جنبش همه ما را تحت تاثیر قرار داده و نور امیدی در دل ما کاشته. صدها نفر در جنبش اخیر جان‌شان و یا چشم‌شان را از دست دادند. ولی نمی‌دانم چه شرایطی و چه چیزی در پشت پرده باعث می‌شود که این حکومت هنوز پابرجا بماند و یا اینکه شاید مردم هنوز آمادگی لازم را نیافته‌اند. یا اینکه هنوز ابرقدرت‌ها به این نتیجه نرسیده‌اند و توافق نکرده‌اند که این حکومت باید برود. خلاصه ما نمی‌دانیم که چرا این اتفاق نمی‌افتد در حالی که همه ما آگاهی که حکومت چه ظلمی و ستمی در حق مردم ایران می‌کند. البته اُفت جنبش برای آنهاست که مردم خسته شده‌اند. خسته از اینکه هیچ اتفاق خاص و تعیین‌کننده‌ای رخ نمی‌دهد. همه چیز تقریباً خوب پیش می‌رفت که وضعیت موجود پیش آمد. به هر حال یک حرکت بزرگ و تغییردهنده سیاسی نیرو، منابع



بعد از چهار دهه همچنان ادامه پیدا کند. ولی متأسفانه مردم هنوز نتوانسته‌اند در تلاش‌های خود موفق شوند.

روشن است که ما در ایران مشکلات و مسائل عمیقی داریم و نیز اکثریت مردم ایران نمی‌توانند با حکومت کنار بیایند و برای همین بسیاری از ما کشور را ترک کردیم و در خارج اقامت گزیده‌ایم. زندگی‌های همه ما بر اثر انقلاب ۵۷ عوض شده در حالی که می‌توانستیم در ایران خودمان زندگی کنیم و با کار و تلاش‌مان به پیشرفت کشور کمک کنیم. امروزه هیچکس در جای اصلی خودش قرار ندارد و زندگی ما تلف شده. همه ما چه به عنوان هنرمند و چه صرفاً به عنوان یک ایرانی از صمیم دل نمی‌خواهیم که این حکومت در مملکت بماند زیرا سالیان سال است که همه ما از این رژیم ضربه می‌خوریم. غیر از سران رژیم و کسانی که منافع آنها با رژیم گره خورده، هیچکس خواهان بقای این حکومت نیست.

من هم تنها کاری که می‌توانم انجام بدهم اینست که کار هنری‌ام را در راستای کمک به تغییر اوضاع موجود قرار بدهم. در عین حال، نمی‌توانم از اینجا برای مردم ایران و کسانی که زیر خفکان وحشتناک زندگی می‌کنند دست‌وراسته‌ای صادر کنم. من در آن شرایط زندگی نمی‌کنم که مانند آنها درد را عمیقاً حس کنم. تا حدی آن وضعیت را می‌توانم تصور کنم ولی لمس نمی‌توانم بکنم. ایران جایی است که در آنجا به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام و نمی‌توانم نسبت به سال‌های تلف شده و وضعیت کنونی بی‌تفاوت باشم و مسلماً تا حدی حق دارم که مخالفت یا موافقت و نظر خودم را در مورد وضعیت موجود ابراز کنم.

● خانم هنگامه، نقش و جایگاه هنرمند را در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟
-به عنوان هنرمند و یا دقیق‌تر بگویم یک زن خواننده، از نظر نظامی که در ایران حاکم است به هر حال یک حرکت سیاسی انجام می‌دهم زیرا کاری برخلاف قوانین حاکم انجام می‌دهم. به خاطر همین هم از مملکت بیرون آمده‌ام زیرا فعالیت و حرفه‌ای را که علاقه باطنی و عمیقی به آن دارم نمی‌توانستم در ایران پی بگیرم و مسائل و مشکلات زیادی داشتم که مجبور شدم ایران را ترک کنم. در ایران سیاسی شدن در وضعیت موجود به نوعی به همه تحمیل می‌شود. علاوه بر این، آدم نمی‌تواند در مقابل اینهمه جور و ستمی که هر روز شاهد آنست و در این ۴۴ سال هم روز به روز بیشتر شده بی‌تفاوت بماند. من به عنوان خواننده و یا کسی که به هر حال بیشتر دیده می‌شود و بلندگویی در دست دارد و برای همین صدایش مقداری بیشتر از آدم‌های عادی شنیده می‌شود، می‌توانم حرف دل مردم را رساتر بیان کنم و این کار را با هنرمند انجام می‌دهم. می‌خواهم بگویم من یک فعال سیاسی و یا سیاستمدار نیستم و آگاهی لازم را هم در این زمینه ندارم بلکه با هنر خودم می‌توانم پیام‌های روشن را به گوش هموطنانم در ایران برسانم چون دوست نداریم وضعیت موجود در ایران

هنگامه، خواننده‌ی «برای دیدن تو» و پشتیبانی از «زن زندگی آزادی» و حقوق جامعه «ال‌جی‌بی‌تی»

● «ما دیگر در دوره و زمانه‌ای نیستیم که حکومتی بخواهد حجاب اجباری را تحمیل کند و یا شما را از داشتن عقیده‌ای منع کند. یا بگوید که این لباس را بپوش و یا نبوش و یا این کار را بکن و یا نکن و یا این عقیده را داشته و یا نداشته باش. مردم آزادی می‌خواهند چون ما در زمانه‌ی ارتباطات پیشرفته و اینترنت زندگی می‌کنیم و چیزی پنهان نمی‌تواند باقی بماند.»
● «همیشه از حقوق همجنس‌گرایان حمایت کرده‌ام و هیچ تبعیضی علیه اینان را نمی‌توانم تحمل کنم. شاید بسیاری با دیدگاه من مخالف باشند. اضافه کنم که من فعالیت هنری به صورت شعر و ترانه برای همجنس‌گرایان تا حال نداشته‌ام. ولی هر وقت صحبتی در مورد همجنس‌گرایان بوده دیدگاه طرفدارانه خودم را به روشنی بیان کرده‌ام.»

هنگامه خواننده‌ای است که با ترانه «برای دیدن تو» مورد توجه قرار گرفت و در حمایت از جنبش زن زندگی آزادی نیز با ارائه کاری مشترک با گروه بین‌المللی «اوپیوم مون» سعی کرد به شنیده شدن صدای مردم ایران کمک کند. وی همچنین از هنرمندانی به شمار می‌رود که برای حقوق جامعه ال‌جی‌بی‌تی فعالیت می‌کند.

در ارتباط با فعالیت‌های هنری و اجتماعی این هنرمند با وی گفتگو کرده‌ایم.

● خانم هنگامه، نقش و جایگاه هنرمند را در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

-به عنوان هنرمند و یا دقیق‌تر بگویم یک زن خواننده، از نظر نظامی که در ایران حاکم است به هر حال یک حرکت سیاسی انجام می‌دهم زیرا کاری برخلاف قوانین حاکم انجام می‌دهم. به خاطر همین هم از مملکت بیرون آمده‌ام زیرا فعالیت و حرفه‌ای را که علاقه باطنی و عمیقی به آن دارم نمی‌توانستم در ایران پی بگیرم و مسائل و مشکلات زیادی داشتم که مجبور شدم ایران را ترک کنم. در ایران سیاسی شدن در وضعیت موجود به نوعی به همه تحمیل می‌شود. علاوه بر این، آدم نمی‌تواند در مقابل اینهمه جور و ستمی که هر روز شاهد آنست و در این ۴۴ سال هم روز به روز بیشتر شده بی‌تفاوت بماند. من به عنوان خواننده و یا کسی که به هر حال بیشتر دیده می‌شود و بلندگویی در دست دارد و برای همین صدایش مقداری بیشتر از آدم‌های عادی شنیده می‌شود، می‌توانم حرف دل مردم را رساتر بیان کنم و این کار را با هنرمند انجام می‌دهم. می‌خواهم بگویم من یک فعال سیاسی و یا سیاستمدار نیستم و آگاهی لازم را هم در این زمینه ندارم بلکه با هنر خودم می‌توانم پیام‌های روشن را به گوش هموطنانم در ایران برسانم چون دوست نداریم وضعیت موجود در ایران



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | جنگ روسیه علیه اوکراین ادامه دارد...

حمله موشکی روسیه به ساختمان مسکونی در شهر «لویو» اوکراین / ۶ ژوئیه ۲۰۲۳